کتاب هفته

ISSN:1029-3345

شنبه۳ خرداد۱۳۸۲
۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۲۴
۲۴ مه ۲۰۰۳
شماره۲۱ انتشار ۵۰۸
۳۲ صفحه ۱۰۰ تومان

به چه قیمتی حاضرید دست از نوشتن بردارید؟

روایت شاعران و نویسندگان

گفتمان های نوشتن

دیدگاه های سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی
منوچهر آتشی، آلن رت‌گری، یهت ناتالیا گینز، بورک
شمس لنگرودی، تنسرین جافری، مراد فرهادپور
اسماعیل فصیح، جمال میرصادقی
محمدعلی سپانلو، جعفر مدرس صادقی
فرخنده حاجی‌زاده، سیمین بهبهانی، جواد مجابی
کیومرث منشی‌زاده، امیرحسن چهل‌تن
کامران محمدی، محمد وجدانی، محمد بهارلو
بنفشه حجازی، احمد غلامی و فرخنده آقایی
در کتاب هفته این شماره

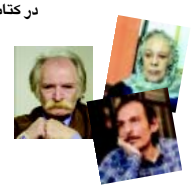

«نوشتن» بیرون پیدا سه زصف‌مردگ ن» ز ین‌حرف‌ک فکر که گ ریم ه رک ن‌دیگرنیزدر ره«نوشتن»نوشته ند. م در ره«نوشتن»کمتر
ک ی‌سخن‌گفته سه. م نیز گردرروزگ ری‌که ه ری رسرنوشتن ز ی‌می‌کنند زنوشتن‌سخن‌می‌گوییم ز ن‌روسه که«نوشتن» م در
«نوشتن» سه. م هر نچه‌ر که‌نوشته یم‌می‌نویم. «نوشتگی»م. لی خطی سه که‌تهه گریه ن‌ر درخو هدنوشت.
می‌نویم‌یم‌نه ه‌خ طر ن‌که ر ده‌می‌کنیم‌ومی‌خو هیم زیر که زنوشتن: گزیریم‌می‌نویم ن ه‌ نوشته ی‌رویزندگی م ن‌سه یه ند خته
شده‌هه ن‌طورکه‌می‌گوییم ن ه خطی‌درگلود شته شیم. «نوشته»ک وسی سه که‌تهه ه‌و سطه«نوشتن»می‌تو ن ز ن ید رشدو ه
زندگی د مه د
شه عر ناونو ندگ ن دهه یی‌ه تندکه ین‌ک وس ه‌دنه می یندوهر رتهه نوشتن ز ن ید رمی‌شوندوروی‌زندگی‌و ه‌حتی گرم ه شد.
می وسندک فکر حتی ز ین‌هم‌فر ترمی‌رودونوشتن‌ر مه دل‌رهیدن زمرگ‌وزنده‌شدن‌می‌گیرد.
ه ی ید رشدن زک وسی‌که زنوشتن‌ز پیده‌می‌شود نوشتن سه ه‌ه ل ه ی‌نوشتن ه
نه یکه‌خوده ن‌ر ه‌خنگی‌زده شیم نه یکه‌شد ند ید نه‌اصهر می‌د ید م هم‌می‌د نهه. م یر دی‌د رد محض‌رف ی‌خد یکروزهم
خوده ن‌ر زنیم ه ن‌ر ه‌و ز ه ه ی‌که‌می‌نویند رسیم. ه ه‌قیتی‌ه‌ه خریدده زنوشتن رد رید

٤

تیش در آمد هنر تست مدرن

گفتگو با دکتر علی رامین

◆ بدون داشتن شناخت کافی از هنر مدرن نمی توانیم به شناخت درستی از هنر تست مدرن برسیم. به همین دلیل تصمیم گرفتم که هنر مدرن را هم به فارسی ترجمه و منتشر کنم

۲۰

گستره

کتابخانه اسکندریه Alexandrina Bibliotheca

ه‌و ه‌تش پی ین طلبیوس منه‌م‌یونانی و تیم روزنلی (Tim Berners Lee) ه ن در حه لی که یکی
ز نه (طلبیوس) ز فر د ر ته مصر قدیم و ک شف یک موزه ت ریخی و دیگری یک شهروند
معمولی مریک یی و مخترع ش که ه نی و سه.

۸

روشنفکری دینی در ایران تس از انقلاب

◆ با دکتر مسعود تدرام به انگیزه انتشار «روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران تس از انقلاب»

دکتر م هود دم م متولد ۱۳۳۵ در تهر ن سه. ک رشد سی علوم سیاسی و ک رشد سی رشد و دکتری علوم
سیاسی د رد زوی پش ز ین تر همه‌ک زندگی‌وزه ته‌دموکر سی‌لیبر ل ترسی ی‌مکفرسن ز
سوی نشر نی (۱۳۷۶) منتشر شده سه. دیدترین ک و: روشنفکر ن دینی و مدرنیته در یر ن س ز
نقلا. که زسوی نشر ر گ م‌نو ه‌نه یشگ ه‌ک م ل‌رسید ه نه ین گفتگو گویم.

۱۸

برگزاری جشنواره کتاب

◆ گفت‌وگو با دکتر جواد حاتمی

۱۵

یادداشت ها

نگارت درامت محمد فرح زادت مجید آل ابراهیم
ابراهیم خندان‌ت حمید هنرجوت سهیل محمودی
نصرالله حدادی‌ت مازیار نیلچی
و سید علی محمد رفیعی

کتاب نوا

خون موسیقی در رگ های شعر بهار

◆ حرف های دکتر حبیت شریفی
مؤلف کتاب بهار و موسیقی

۲۱

دانش آموز سال های دور

ساعت ۱۰ت قصه شت در سکوت

معصومه انصاری و دوران دانش آموزی

١٤

هفتمین دوره انتخات کتات سال دفاع مقدس‌ت سوم خرداد برگزار می‌شود

هفتمین دوره انتخات کتات سال دفاع مقدس ـتـس از ۳ماه تأخیرت امروز (۳ خرداد) در تالار وحدت برگزار می‌شود.

بهروز آتانی‌ت دبیر این جشنواره با اعلام این مطلت گفت‌ت در مراسم معرفی آثار منتخت این دورهت برگزیدگان حوزه‌های شعرت داستانت خاطرت هنر و ت وهش در ۷ بخش بزرگسال و کودک و نوجوان معرفی و تقدیر می‌شوند.

وی افزود: در این دوره از جشنواره ۳۰۰ اثر از نویسندگان حوزه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است که در هر حوزه ۳ اثر انتخات شده است.

عبدالعلی دستغیت:

کتات‌هایم را زندانی کرده بودم!

کتابخانه شخصی استاد عبدالعلی دستغیت متقد ادبی با حدود شش هزار جلد کتاشت به بنیاد فارس شناسی اهدا شد.

عبدالعلی دستغیت به هنگام اهدای کتابخانه شخصی خود که انصاری لاری؛ استادار فارس و جمعی از مدیران فرهنگی استان فارس نیز در آن حضور داشتند گفت: سه دوره ادبیات معاصر ایران‌ت کتات‌های تاریخی و انگلیسی در باتـ فلسفه و ادبیات مجموعه کتابخانه را تشکیل می‌دهد.

دستغیت در این باره به خبرنگار ایسنا گفت: دو دلیل برای این کار داشتهت اول اینکه به دلیل عارضه مغزی که سال گذشته دچار آن شدهت مثل سابقت قادر به مطالعه نبودم و دوم اینکه تمام آن کتات‌ها را خوانده و یادداشت‌های لازم را برداشته بودم.

ـتـس به این فکر افتادم که صحیح نیست این کتات‌ها را محبوس نگه دارم‌ت با وجودی که علاقه شدیدی به کتات هایم داشتم و بعضی‌ها را با زحمت فراوان و جست‌وجوی بسیار در کتابخانه‌های کشور فراهم کرده بودم‌ت ولی به این فکر کردم که شاید دیگران از بابت خواندن و ـتـپیدا کردن کتات‌ها دچار مشکل شوندت ـتـس ترجیح دادم آن را در اختیار نسل جوان و ت وهندگان کشور قرار دهم.

دستغیت افزود: با آنکه از غیبت کتات‌ها در منزل ناراحت هستم زیرا علاقه ۵۰ ساله‌امت این کتات‌ها بودند ولی از اینکه آنها در اختیار همشهریانم قرار می‌گیرندت خشنودم.

اطلاعیه

طلاعیه رو ط عمومی مه وز مور فرهنگی وز ر فرهنگ و رش د سلامی در مورد حتم ل محکومیـ متهم ن رونده دو ک

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در ـتـنی انتشار مطالبی در برخی از نشریات مبنی بر صدور حکم متهمان ـتـرونده دو کتاشت روابط عمومی معاونت امور فرهنگی به اطلاع می‌رساند از آنجا که رأی مربوط به ـتـرونده کتات‌های «زنان موسیقی ایران» و «زنان ـتـردتنین و مردان جوشن‌ـتـوش» هنوز ابلاغ نشده‌است معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا این تاریخ اطلاعی از میزان صحت و سقم خبر منتشرشده در رسانه‌ها مبنی بر محکومیت متهمان این ـتـرونده که شاغل مدیر کل اداره کاشت نویسندهت مترجم و ناشران کت فوق استت ندارد.

در هر حالت به رغم دشواری‌ها و گاه تنش‌هایی که در عرصه فرهنگ و کتات روی می‌دهدت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی امیدوار است که فضای تولید فرهنگی کشورت همچون گذشته با نشاط و ـتـرامید تداوم یابد.

رو ط عمومی مه وز مور فرهنگی

تیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت گشایش همایش بزرگداشت خیام:

زندگی امروز ما به نوعی بهره‌ور از میراث خیام است

میراث هنری و ادبی که از خیام باقی مانده استت در عین اندک بودن از چنان مایه‌های فکری و فلسفی و هنری برخوردار است که در تمامی تاریخ فرهنگ ایران‌زمین و حتی به اعتباری جهان‌ت کمتر توانسته با این میزان از مانرک معنوی به مرتبتی چنین والا دست یابد.

به گزارش رسیده از روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی‌ت احمد مسجدجامعی‌ت وزیر ارشاد ضمن بیان این مطلت در ـتـیام ارسالی به همایش بزرگداشت حکیم عمرخیام نیشابوری افزود: به اعتبار تفکر و اندیشه این بزرگان فرهنگ ایرانی- اسلامی یکی از ـتـرمایه‌ترین فرهنگ‌های بشری شده است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یادآور شد: دامنه معنوی حضور در ـتـپهنه فرهنگ ایران چنان گسترده و فراگیر است که صدای ـتـرمایه او از ـتـس قرن‌ها طنین و تأمل برانگیز تمامی جامعه بشری را مورد خطت قرار می‌دهدت تا به آنجا که در همین روزگار ما نیز شاعرانی بزرگ را شیفته خود می‌کند و فرهنگ‌ت تفکر و هنر ایرانی را در قلمرویی به وسعت تمامی جهان نمایندگی می‌کند.

وی در ادامه آورده است: از این روزندگی امروز ما هم از جنبه معنوی و هم از منظر مادی به نوعی بهره‌ور از میراث خیامی است و ـتـاساداشت شأن علمی و فرهنگی این شخصیت بزرگ که در تنگنای مرزهای سیاسی و جغرافیایی نمی‌گنجدت کاری شایسته و بایسته است. مسجدجامعی در ـتـبیان ـتـیام خودت اظهار امیدواری کرد که کوشش دست‌اندرکاران این همایش در شناساندن زوایای ناشناخته شخصیت و جایگاه علمی و فرهنگی حکیم عمرخیام نیشابوری‌ت مؤثر باشد و یادآور شد: عظمت شخصیت این بزرگمردت گرچه در کوزه‌تنگ بضاعت ما نمی‌گنجدت اما امیدواریم که بتوانیم تنشگی کام جامعه فرهنگی را با ـتـاساداشت‌هایی از این دستـت فرو بنشانیم.

کلیات لایحه تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی تصویت شد

مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی سه‌شنبه گذشته خود کلیات لایحه اصلاح موادی از قانون تأسیس کتابخانه عمومی در تمام شهرها و روستاها را تصویت کرد.

به گزارش ایرنا‌ت در صورت تصویت نهایی این لایحه تأسیس‌ت ساختت تجهیز و بازسازی‌ت مدیریت‌ت نظارت و سایر امور مربوط به اداره کتابخانه‌های عمومی در شهرها و روستاهای کشور به موجت این لایحه انجام خواهد شد.

همچنین به منظور سیاستگذاری‌ت نظارت عالیه و ایجاد هماهنگی در فرایند اداره کتابخانه‌های عمومی کشورت هیأت امنایی با وظایف مشخص تعیین خواهد شد.

مسجدجامعی به مناسبت روز فردوسی بیان کرد

نقش اساسی شاهنامه در حفظ میراث معنوی ایرانیان

فردوسی میراث ما را در شکل و شمایلی که با اسلام و دین نسبت داردت منبلور می‌سازد.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی‌ت احمد مسجدجامعی با بیان این مطلت درباره روز فردوسی و مقام این شاعر گفت: فردوسی خود را خاک درگه حضرت علی(ع) (حیدر) می‌دانست و با همین نگاه به بازسازی میراث معنوی ما می‌ـتـردازد. او در اثر خود شهرهات اسطوره‌هات فرهنگ‌ها و مجموعه‌ای از مفاخر ایران کهن را ارائه می‌کند و به نوعی آینده‌سازی می‌کندت چنانکه بعدها بر اساس اثر وی یک روح ایرانی شکل می‌گیرد و این اثر همواره با عنوان مرجعی بزرگ از فرهنگ کهن ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مسجدجامعی با اشاره به نقش اساسی شاهنامه در حفظ میراث معنوی ایرانیان افزود: این اثر از دو جهت قابل توجه استت اول آنکه در میان اقشار مختلف مردم با اقبال گسترده مواجه است و دیگر آنکه مورد توجه نخبگان‌ت محققان و ادیبان قرار گرفته است.

تشکر مدیر کتابخانه‌های شرق تهران از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مدیر کتابخانه‌های قلمرو شرق تهران (وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران) از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل تخفیف ۵ میلیون تومانی در خرید کتات تشکر کرد.

علی‌اصغر شمسی‌ـتـور در این مورد به خبرنگار کتات هفته گفت: برای ۱۰ میلیون تومان بن خرید کتات از نمایشگاه شانزدهم تهران‌ت ۵ میلیون تومان به حساب ریختیم ولی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تخفیف ۵۰ درصدی‌ـت به میزان ۱۰ میلیون تومان بن به ما دادند.

مدیر کتابخانه شبانه‌روزی ابن‌سینا موضوع و عناوین کتات‌های خریداری شده را عمومی و برای تمامی سنین مختلف مخاطبان کتات دانست و افزود: «این کتات‌ها با اولویت موضوعاتی که در مجازن ده کتابخانه شرق تهران‌ت کمبود شان احساس شدت تهیه شده‌اند.» شمسی‌ـتـور همچنین از ایجاد مرکز مبادله کتات با مرکزیت فرهنگسرای ـتـبادری خبر داد.

گفتنی است کتابخانه‌های ابن‌سینات، ایلات سورمت امام خمینی‌ت، فرزانگانت موقوفت دکتر شهیدی‌ت، خاوتمت جوان و هاشم‌آباد در منطقه شرق تهران قرار دارند.

معاون امور کتابخانه‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

به ازای هر شش نفر خراسانی یک کتات در کتابخانه وجود دارد

معاون امور کتابخانه‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: به ازای هر شش نفر خراسانی یک جلد کتات در کتابخانه‌های عمومی استان وجود دارد.

حسین آشنایی در گفت‌وگو با ایرنا تعداد کتات‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی استان را یک میلیون و ۱۰۰ هزار جلد اعلام کرد.

وی با اشاره به عقب‌افتادگی جامعه ما در این بخش گفت: براساس آمارت در کشورهای در حال توسعه برای هر نفر شش جلد کتات در کتابخانه‌های عمومی وجود دارد و این آمار در کشورهای توسعه‌یافته برای هر نفر ۱۰ جلد کتات است.

وی اضافه کرد: این در حالی است که حدود ۴۰ درصد کتات‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی ما قابل استفاده نیستند.

وی مهمترین مشکل کتابخانه‌های عمومی استان خراسان را نگهداری سنتی‌ت کمبود ـتـرسنل و کم‌سوادی کتابداران عنوان کرد. وی ادامه داد: در حال حاضر ۲۶۰ نفر کارمند در کتابخانه‌های عمومی استان شاغل هستند که ۶۰ نفر از آنها مدرک کمتر از دیـتلم دارند.

وی فرسودگی کتابخانه را از دیگر مشکلات دانست و گفت: از ۱۱۷ کتابخانه موجود در استان ۱۰۷ کتابخانه دولتی است که قدمت بالای ۲۵ سال دارند.

نخستین همایش بررسی زبان و ادبیات بومی لرستان در خرم‌آباد برگزار شد

نخستین همایش بررسی زبان و ادبیات بومی استان لرستان با ـتـیام رئیس سازمان حوزه هنری کشور در سینما استقلال خرم‌آباد برگزار شد.

در ـتـیام رئیس سازمان حوزه هنری کشور آمده است: لرستان یادگار عصر مفرغ‌ها و ـتـدیده‌های هنری ارزنده‌ای است و از دیرباز این دیار مهد تمدن‌های دیرینه‌ای همچون کاسبت‌ها و مادها بوده است.

وی در این ـتـیام با گرامیداشت یاد و خاطره متقدمین شعر و ادت در لرستان‌ت از جوانان این خطه خواست در این زمان که یورش سهمگین فرهنگ‌های بی‌هویت استعماری با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در تلاش دائمی برای حذف فرهنگ‌های اصیل بشری هستندت با تعمیق بیشتر شعر و ادت در این سرزمین کهن و ـتـپیوند دادن مضامین اصیل و فطرت ـتـناک و انسانی و اتصال آثار خویش با مبدأ هستی‌ت ماندگاری این تاریخ ـتـرصلابت را تأمین کنند.

در ادامه این همایش شیرزاد نعمتی‌نیا رئیس حوزه هنری استان لرستان با اشاره به مدنیت و اصالت ادت و اندیشه در سرزمین لرستان گفت: ما هنوز نتوانسته‌ایم آنگونه که باید چهره‌های فرهنگی گذشته را به نحو شایسته در داخل و خارت کشور بشناسانیم و نسبت به متقدمین شعر و ادت در لرستان بی‌توجه بوده‌ایم و در بین متأخرین این رشته‌ت بهای لازم را به سرمایه‌های خود نداده‌ایم. وی شاعران و ادیبان لرستان را بخشی از افتخارات حال و آینده مردم این دیار عنوان کرد و گفت: فرهنگ و ادت لرستان‌ت زبان‌های لکی و لری از چنان انسجام و توانمندی برخوردار است که اگر از سوی مسؤولان فرهنگی همت و تلاشی درخور صورت گیردت لرستان با نمایش چهره واقعی خود در این عرصه وسیع‌ت می‌تواند خدمات شایسته‌ای را به فرهنگ و ادت کشور و حتی جهان ارائه دهد و زمینه‌های مناسبی را برای ـتـرورش آیندگان که جوانان و نوجوانان امروزندت فراهم سازد.

مرکز توسعه و ترویت فعالیت‌های قرآنی در کرمان راه‌اندازی می‌شود

به دنبال تفاهم ایجادشده بین اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان و مرکز توسعه و ترویت فعالیت‌های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی‌ت مرکز توسعه و ترویت فعالیت‌های قرآنی این استان راه‌اندازی می‌شود.

حجت‌الاسلام ملانوری‌ت مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان در گفت‌وگویی اعلام کرد: در حال حاضر در سراسر استان کرمان نزدیک به ۸۰ مرکز قرآنی وجود دارد که تعدادی از آنها وابسته به سازمان‌ها و ادارات دولتی هستند و بقیه خصوصی بوده که در تکایات مساجد و مکان‌های غیردولتی دایر است که برای ـتـشنیافی علمی و اطلاع‌رسانی از این مراکز با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان‌ت مرکز توسعه و ترویت فعالیت‌های قرآنی به جهت دستیابی به اهدافی چون برـتـایی نشست‌های علمی و اطلاع‌رسانی در زمینه علوم قرآنی‌ت برگزاری جشنواره‌های علوم قرآنی و ساماندهی به اطلاعات این حوزه ایجاد می‌شود.

فراخوان برای دومین جایزه هدایت

دومین دوره جایزه ادبی صادق هدایت در جهت اعتلای هر چه بیشتر داستان‌نویسی معاصر ایران از سوی دفتر صادق هدایت و سایت سخن برگزار می‌شود. در این مسابقه به سه داستان کوتاه برتر تندیس صادق هدایت و تعدادی دیگر از داستان‌ها لوح تقدیر اهدا خواهد شد. شرایط شرکت در این مسابقه عبارتند از: داستان‌های رسیده از ۴۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد. این داستان‌ها نباید ـتـپش از این جایی چاپ شده و یا در اختیار سایت‌های اینترنتی قرار گرفته باشد. هر شرکت‌کننده می‌تواند تا دو داستان ارسال کند. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را تا ـتـپایان آبان ماه ۸۲ به سایت سخن یا صندوق ـتـستی ۳۶۵-۱۹۵۸۵ به نام جهانگیر هدایت بفرستند.

نخستین گردهمایی کتابداران استان کردستان در سنندج برگزار شد

نخستین گردهمایی کتابداران استان کردستان در سنندج برگزار شد.

در این گردهمایی دبیرکل هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور در سخنانی از واگذاری کتابخانه‌های عمومی به انجمن کتابخانه‌ها خبر داد و گفت: ۱۴۰۰ کتابخانه عمومی با ۳ میلیون جلد کتاب در عرصه خدمات فرهنگی فعال هستند که یک چهارم آنها از رده خارج هستند.

ملک احمدی گفت: کتابخانه‌های کشور از نظر فضاسازی، مکان‌یابی، مجموعه‌سازی، نیازهای ارتباطی و نیروی انسانی نیازمند بازنگری هستند.

کتات در نخستین جشنواره فرهنگی - هنری صنعت آت و برق

روابط عمومی و امور بین‌الملل وزارت نیرو با انتشار اطلاعیه‌ای برگزاری نخستین جشنواره فرهنگی - هنری صنعت آت و برق را در قالب‌های کتابت فیلم و عکس در بهمن ماه برعهده دارد.

در این اطلاعیه تشویق و ترغیب نویسندگان، مؤلفان، فیلمسازان و عکاسان در جهت تولید با موضوع صنعت آت و برق و آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه مصرف بهینه آت و برق، بخشی از هدف‌های این جشنواره اعلام شده است.

متقاضیان می‌توانند ت‌س از تکمیل برگ درخواست شرکت در جشنواره (مندرت در روزنامه‌های کثیرالانتشار) آن را به نشانی تهران، خیابان فلسطین شمالی، ت‌ا ک ۸۱، وزارت نیرو، طبقه سوم، دبیرخانه نخستین جشنواره فرهنگی - هنری صنعت آت و برق تحویل یا ارسال کنند.

و در صورت نیاز با تلفن‌های ۸۹۰۰۲۹۰ ت ۸۸۹۵۶۴۱ تماس حاصل نمایند.

انجمن تصویرگران کتات در آستانه تأسیس

ت‌پیش از ۱۵ خرداد نخستین مجمع عمومی رسمی انجمن تصویرگران کتات‌های کودک و نوجوان به منظور انتخاب هیأت مدیره و بازرسان با حضور تصویرگران کتات کودک و نوجوان برگزار خواهد شد.

این خبر در گردهمایی تصویرگران و کارشناسان تصویرگری در خانه هنرمندان اعلام شد. در این گردهمایی بیش از ۱۵۰ تصویرگر و کارشناس تصویرگری کتات‌های کودک و نوجوان گرد هم آمدند تا درباره شرایط عضویت و برنامه‌های این انجمن گفت‌وگو کنند. در این مراسم محمودرضا بهمن‌ت‌پور که مدیریت ت‌پنت دوره نمایشگاه داخلی و بین‌المللی تصویرگران کتات کودک و نوجوان را بر عهده داشته‌ت طی سخنانی به بحث درباره ضرورت تأسیس این تشکل و روند تشکیل آن تا امروز ت‌پرداخت.

ت‌س مهدی حجوانی رئیس هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و عضو هیأت مؤسس انجمن تصویرگران در سخنانی با اشاره به تجربه‌های انجمن نویسندگان گفت: این انجمن مستقل و غیرانتفاعی است که نه می‌خواهد رودرروی دولت بایستد و با آن دعوا کند و نه می‌خواهد مجری چشم و گوش بسته سیاست‌های فرهنگی دولت باشد‌ت بلکه نهادی مستقل است که بر دیدگاههای اعضای خود متکی است و می‌خواهد برای اعتلای فرهنگی این هنر فعالیت کند. ت‌س بهزاد غربت‌پور عطیه مرکزی‌ت ژیلا هدایی‌ت بفشه احمدزادمت ت ملا رحیمی‌زادمت جمال‌الدین اکرمی و تنی چند از تصویرگران به بیان دیدگاههای خود درباره شرایط عضویت و چگونگی فعالیت‌های آتی انجمن ت‌پرداختند. تشکیل انجمن تصویرگران از ت‌پنت سال ت‌پیش تاکنون در محافل هنری مورد بحث است و تاکنون چند نفر به عنوان هیأت مؤسس انتخابت شده و ت‌س تغییر کرده‌اند. اما با توجه به حضور گسترده تصویرگران در نشست ت‌پیش از مجمع ت‌پیش‌بینی می‌شود که تشکیل این تشکل به مرحله جدی رسیده باشد و امسال شاهد اعلام موجودیت این تشکل باشیم.

گفتنی است در مراسم ت‌پیش از مجمع بیشترین شرکت‌کنندگان کودک نیز اغلب برگزیدگان از نسل جوان بودند. تصویرگری ایران از سال‌ها ت‌پیش در محافل تصویرگری جهانی مطرح بود و ت‌س از چند سال رکودت از سه سال ت‌پیش موفقیت‌های جهانی بسیاری نصیب تصویرگران ایرانی شده است.

افتتاح کتابخانه استاد حکیمی در فرهنگسرای نوجوان

کتابخانه استاد حکیمی دوشنبه هفته گذشته همزمان با میلاد ت‌پامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق (ع) در فرهنگسرای نوجوان منطقه ۱۸ افتتاح شد.

به گزارش روابط عمومی حوزه غرت سازمان فرهنگی -هنری شهرداری تهران‌ت این کتابخانه که با حضور استاد محمود حکیمی‌ت معاونین سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران‌ت رؤسای درمانگاهها و چند کارخانه منطقه ۱۸ و بسیاری از نوجوانان‌ت گشایش یافت دارای ۵۰۰ متر مربع مساحت و ۱۱۰۰۰ جلد کتات می‌باشد.

مدیر روابط عمومی فرهنگسرای نوجوان در این مورد گفت‌ت «این مجموعه در نظر دارد همانطور که در گذشته با همت رئیس فرهنگسرا و واحد مشارکت‌های آن‌ت کتابخانه‌های مشارکتی ت‌پونه‌هات شازده کوچولو و بنفشه ها را با حضور و حمایت نویسندگانی چون مصطفی رحماندوست‌ت افسانه شعبان‌ز اد و محسن حجری در درمانگاههای منطقه ۱۸ راه‌اندازی کرده است‌ت همین روال را با حمایت‌ت ت‌پیگیری و برنامه‌ریزی کامل‌تر ادامه دهد. آقای شریفی همچنین افزود: «در این راستا راه‌اندازی کتابخانه مشارکتی مدارس با هماهنگی و همکاری آموزش و ت‌پرورش از گام‌های بعدی این فرهنگسرا خواهد بود.»

نشست نقد ادبی

چهارم خرداد نشست نقد ادبی کتات ماه کودک و نوجوان به موضوع «زبان‌ت نمود و وجه» در زبان فارسی اختصاص دارد. در این نشست دکتر همالسان ت‌پرنشکت دکترای علوم زبان از فرانسه‌ت سخنرانی خواهد کرد. این نشست ساعت ۵/۳ت در محل کتات ماه برگزار می‌شود.

کتات نوشتن

جلد دوم «کتات نوشتن» به اهتمام کاظم رهبر از سوی نشر کتات خورشید منتشر شد.

بخش وء «کتات نوشتن» به گفت‌وگویی با ابراهیم یونسی اختصاص دارد که در مورد ترجمه‌ها و رمان‌هایش می‌گوید. در بخش مقالات عناوینی چون «در حوزه فلسفه‌ت تاریخ‌ت روزنامه‌نگاری‌ت لیترنت‌ت حقوق‌ت اقتصاد‌ت علوم‌ت زنده‌شناسی‌ت شعرت داستان و... را می‌خوانیم در بخش آثار داستانی‌ت از علی‌اشرف درویشیان‌ت محمود دولت‌آبادی‌ت دکتر مهدی سحابی‌ت خسرو سینایی‌ت دکتر یونس شکرخواه‌ت دکتر مهدی فروغ‌ت سید فرید قاسمی‌ت جواد مجابی‌ت دکتر ت‌پرویز ناتل خانلری‌ت نیما یوشیت و... نیز اثری با داستانی خواهید خواند.

فن نشر کتات

«فن نشر کتات» از مجموعه تحقیقات یونسکو با ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی منتشر شد.

این کتات در یازده فصل به امور مربوط به فن صنعت نشر و کتات چون ویرایش‌ت چاپ‌ت توزیع‌ت تبلیغ و اوراق و مالی می‌پردازد. در ایران که نشر هر روز اهمیتی روزافزون می‌یابد و اغلت دست‌اندرکاران این صنعت با آزمون و خطات کارهای خود را ت‌پیش می‌پرنت مطالعه این کتات می‌توانند در نشر و تروت فرهنگ و دانش‌ت تداوم سودآوری حرفه‌ای را تضمین کند و ضایعات و زیان‌های کار را به حداقل تقلیل دهد. این کتات از سوی سازمان مطالعه و تدوین کتات علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و در ۳۹۰ صفحه به قیمت ۱۶۵۰ تومان به بازار آمد.

جناب آقای مهدی سعیدی

(گرافیست محترم)

وقتی شنیدیم طرح جلد کتاب خلاقیت‌نمایشی اندیشه‌سازان، در تولین دوره مسابقات طراحی جلد کتاب کشور در بین ۸۲۹ اثر برای نمایش در بخش مسابقه انتخاب شده، خوشحال شدیم. وقتی در اقتای مسابقه طرح جلد این کتاب را در بین ۵ طرح مورد نظر هیأت داوران مشاهده کردیم، از این که طرح جلد یک کتاب آموزشی در بین آن همه کتاب ادبی، داستانی، هنری، عمومی و... جزء طرح‌های برتر قرار گرفته، بیشتر خوشحال شدیم.

از این که دقت هنرمندانه‌ات در طراحی جلد این کتاب موجب شد تا جای تاشران آموزشی در بین شرکت‌کنندگان و برگزیدگان این مسابقه خالی نماند، از شما سپاسگزاریم.

آرزوی موفقیت بیشتر برای آثار بعدی شما داریم.

مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی

اندیشه سازان

«نوشتن بیرون پیدان سر زصف‌مردگ ن» ز ین‌حرف‌ک فکر که بگ ریم ه رک ن‌دیگرنیزدر ره«نوشتن»نوشته ند م در ره«نوشتن»کمترک ی‌سخن‌گفته سر م نیز گردررزگ ری‌ک ه ری رسرنوشتن
ز زی‌می‌کنند زنوشتن‌سخن‌می‌گویم ز ن‌رورسه که«نوشتن» م در«نوشتن» سر م هر نجه‌ر که‌نوشته بم‌می‌نویم بم‌ه نوشتگی‌م«م ل خفی سر که‌تهیچ گریه ن‌ر درحقو هدنوش .
می‌نویم بیچه ه‌خ طر ن‌ک ر ه‌می‌کنیم‌ومی‌خو هیم زیر که زنوشتن: گزیریم‌می‌نویم بم : ن ه نوشته ی‌رویی‌زندگی م ن‌ر به ند خته شده‌هم ن‌طورک‌می‌گریم : ن ه خفی‌درگلود شته شیم‌ه نوشته«ک وسی
سر که‌تهیچ ه‌و سطه«نوشتن»می‌تو ن ز ن ید رشدو ه‌زندگی د مه د .
ش عر ن‌دونوی ندگ ن دیم‌ی‌ه ندکه ین‌ک وس ه‌دیچ می یندوهر رتهیچ نوشتن ز ن ید رمی‌شوندوروی‌زندگی‌ر ـحتی گرم ه‌د شدـمی وسندـک فکر حتی ز ین‌هم‌فر نرمی‌رودونوشتن‌ر مه دل‌رهیدن
ز مرگ‌و زنده‌شدن می‌گرد .
ه ی ید رشدن زک وسی‌که زنوشتن‌ز یده‌می‌شود نوشتن سر :حـ ل ه ی‌نوشتن ه
نه یکه‌خوده‌ن‌ر ه‌خنگی‌زده شیم نه یکه‌شد ند نید نه‌اصمه‌ر می‌ر نید م هیم‌ی‌ر نیم‌ه م ه یر دی‌ر رد محض‌رف ی‌خد یک‌روزهم‌خوده‌ن‌ر زنیم ه ن‌ر مو ز نه ی‌که‌می‌نو ند رسیم ه ه‌قیمتی‌ح ضرید
دمـ زنوشتن رد رید

رضـ ولی‌ز ده

گفتمان های نوشتن

روایت شاعران و نویسندگان

به چه قیمتی حاضرید دست از نوشتن بردارید؟

گز رش ر یشکش می‌کنم ه فریدون صدیقی سند ه روزز مه‌نگ رم که «نوشتن» ر فد ی نوشتن‌در ره نوشته‌ه کرد
ین گز رش حول محور یک سؤ ل تهیه شده سر . سؤ ل ین بود که: ه ه قیمتی ح ضرید دمـ ز نوشتن رد رید ۳۶ ند عر و نو ند ه ین سؤ ل سخ د ده ند

سیمین دانشور

محمود دولت‌آبادی

منوچهر آتشی

شمس لنگرودی

نسرین جافری

نسرین جافری

سید علی صالحی

سیمین دانشور: به هیچ قیمتی

سیمین دانشور که در حال حاضر دیرسال‌ترین اهل قلم ایران است و ۱۴ اثر رمان و ترجمه‌ت حاصل بیش از نیم قرن نوشتن اوست وبیماری طی چندسال گذشته تمام رمقش را گرفته است در آستانه ۸۲ سالگی هم نمی‌خواهد دست از نوشتن بردارد و مصمم وقاطع دریک جمله آت شاکی روی دستم می‌ریزد و می‌گوید: «به هیچ قیمتی.»

و چاره‌ای نمی‌ماند جز خداحافظی.

محمود دولت‌آبادی: هر وقت نوشتن‌ت دست از سرم بردارد!

محمود دولت آبادی که ستیر ادبیات داستانی امروز ما است اول می‌گوید: «سؤال خوت وحساسه شده‌ای است.» و بعد تنها در یک جمله جوابت می‌دهد که: «هر وقت نوشتن دست از سر من بردارد.»

بیماری چغری که این روزها بیش از شیش به جانش افتاده گفت‌وگوی ما را کوتاه می‌کند؛ آن‌قدر که همان یک جمله باقی می‌ماند.

اگر می‌خواهید بدانید چه وقت‌ت نوشتن دست از سر دولت‌آبادی برخواهد داشت‌ت کافی است سن او را محاسبه کنید. دولت‌آبادی ۸۱ سال داردت نیم قرن تمام‌ت کارش نوشتن بوده و ۱۴ رمان قطور نوشته است. اگر نوشتن در آستانه ۶۱ سالگی‌ت دست از سرش برنداشت‌ت مطمئناً سنس از این هم دست برنخواهد داشت.

منوچهر آتشی: به هیچ قیمت

منوچهر آتشی هم دست کمی از دولت‌آبادی ندارد. در کارنامه این شاعر و مترجم نیز ۱۴ جلد کتاب شعر و ترجمه به ثبت رسیده و در آستانه ۷۱ سالگی است. می‌گوید از بچگی تاکنون شعر گفته است و حالا هم می‌گوید: «به هیچ قیمتی حاضر نیستم دست از نوشتن بردارم. ضرب‌المثلی هست که می‌گوید سگ شیرت گله‌ای (گله‌بان) نمی‌شود. اما این امکان در دوران تولگی سگ وجود دارد. اما من شاعری هستم که حتی در دوران بچگی هم شعر می‌گفتم و کاری هم جز شعر گفتن بلد نیستم. از این رو در این سن و سال هنوز چیزی ندارم و زیر سقف استیجاری‌ت شت را به روز و روز را به شت می‌رسانم. نه اینکه این همه سالت کار نان و آبداری سراغم نیامده باشدت نه! اتفاقاً بارها شیش آمده ولی آن را رها کرده‌ام؛ چراکه زندگی من هیچ چیز جز شعر و نوشتن نیست. با این وصف می‌خواهید به چه قیمتی آن را کنار بگذارم؟»

آلن رت‌گری به: از ننوشتن رنت نمی‌برم

حاضرم قسم بخورم که آلن رت‌گری به حتی روحش هم از این سؤال خبر نداشته. اما بی‌آنکه حتی مت از ظرف کتاب هفتت به او در فرانسه زنگ زده باشمت شاسخ این سؤال را تمام و کمال داده است هرچند که از ظاهر جوابش چنین برمی‌آید که اول کارت زده توی شتر و بلدمان.

او می‌گوید: «بعضی‌ها از اینکه من می‌توانم هیچ چیز نویسم حیرت می‌کنند. انگار نویسنده بودنت یک نیاز مطلق است. اینکه مثلاً «من می‌توانم بی‌آنکه بنویسم زندگی کنم. در هر حال من می‌توانم بی‌آنکه بنویسم به زندگی ادامه دهم. زمانی می‌نویسم که چیزی برای گفتن داشته باشم و اگر لزوم نوشتن کتابی را احساس نکنمت از نوشتن رنت نمی‌برم. مثلاً نوشتن‌ت برایم راحت‌تر است تا خودداری از نوشیدن شرات سرخ. من بی‌آنکه مطلقاً لازم باشد تشویق نمی‌شوم چیزی بنویسم.»

ما که فرض را بر آن گذاشته‌ایم که شاعر یا نویسنده‌ت لزوم نوشتن را حس کند و دچار کابوس گفته شده نیز باشدت بنابراین بدیهی است که این جمله رت‌گری به «اگر لزوم نوشتن کتابی را احساس نکنمت از نوشتن

رنت نمی‌برم» یک روی سکه‌ای است که اگر به آن روی دیگرت نیم نگاهی بیندازیم می‌بینیم نوشته است: «اگر لزوم نوشتن کتابی را احساس کنمت از نوشتن آن رنت می‌برم.» رت‌گری به که اینجا نیست تا بخواهد برای کتات هفته جوابیه بفرستد و بگوید: «من همچین حرفی نزده‌ام.» اما مطمئناً اگر اینجا هم بود جوابیه‌ای نمی‌فرستاد و این جمله آن روی سکه را که به او نسبت داده‌ایم تکذیبت نمی‌کرد. (هر چند که اگر به صرافتش هم بیفتد، فکس کتات هفته آن قدر اشغال است که حتماً او را شیشمان خواهد کرد.)

حالا نه اینکه فکر کنید ما هر وقت می‌خواهیم جوابی آبدار و متفاوت بشنویم سراغ نویسندگان خودمان نمی‌رویم و شال و کلاه می‌کنیم و به جست و جوی شاعر و نویسنده‌ای در آن سوی مرزها می‌رویمت نه! درست است که شاسخ رت‌گری به در آغاز کار ظاهراً گونه‌ای ریشخند نوشتن است اما تا تالیا گینز بورگ که دیگر از خودمان نیست.

ناتالیا گینز بورگ: با هیچ چیز عوضش نخواهم کرد

گینز بورگ‌ت نه به منظور کم کردن روی آلن رت‌گری به و تهاد ر شاسخ به شرسش ما می‌نویسد: «حرفه من نوشتن است و من سال‌هاست که آن را خوت می‌دانم. امیدوارم که دچار سوءتفاهم نشده باشم: درباره ارزش آنچه که می‌توانم بنویسم‌ت هیچ نمی‌دانم. فقط می‌دانم که نوشتن‌ت حرفه من است. وقتی شروع به نوشتن می‌کنمت احساس آرامش فوق‌العاده‌ای به من دست می‌دهد و در فضایی سیر می‌کنم که انگار آن را بسیار خوت می‌شناسم؛ از ابزاری استفاده می‌کنم که با من آشنا و صمیمی است و محکم در دست‌هایم احساسشان می‌کنم. اگر هر کار دیگری انجام دهمت اگر زبان بیگانه‌ای بخوانمت اگر تلاش کنم تاریخ یاد بگیرم یا جغرافی یا تندنویسی‌ت یا تلاش کنم سخنرانی کنم یا بافتنی ببافم و یا سفر کنمت رنت می‌برم و مدام از خودمی‌شرسم دیگران چطور این کارها را انجام می‌دهند. همواره به نظرم می‌آید که کر و کور هستم و در درون دچار حالت تهوع می‌شوم». او حتی می‌نویسد: «این حرفه من است و تا شایان عمر ادامه‌اش خواهم داد. از این حرفه بسیار خوشحالم و با هیچ چیزی در دنیا عوضش نخواهم کرد.»

شمس لنگرودی: بستگی دارد در کدام وضعیت قرار گرفته باشم

شمس لنگرودی شاعرت داستان‌نویس و ت وهنگر است. این شاعر اما از دادن شاسخی مبتنی بر احساسات آنی خودداری می‌کند و شس از فرصتی که برای فکر کردن در این باره می‌خواهد تحلیلی هوشمندانه از خصلت ذاتی نوشتار و شاعر و نویسنده جماعت‌ت به دست می‌دهد. لنگرودی «نوشتار» و «نویسنده» را هم در ساختار کلی جهانی که آنها را احاطه کرده است و هم به صورت فردی و مجرد تحلیل می‌کند.

او شیش از هر چیز می‌گوید: سؤال عجیبی است‌ت تا به حال حتی به ذهنم هم نرسیده بود». ادامه می‌دهد که: «نیچه طبق معمول طی سخنان درخشانی می‌گوید: «هیچ هنرمندی تات تحمل واقعیت را ندارد.» با این وصف هنرت نتیجه و بازتات عدم تحمل هنرمند از وضعیتی است که در آن قرار گرفته است و این امر یعنی اینکه شروسه خلاقیت جدیدی امری اجتناب‌ناشذیر است.

سؤال شما این است که این شروسه ناگزیر -امر خلاقیت- در چه شرایطی متوقف می‌شود؟ شاسخ من این است که در دو وضعیت‌ت یکی وقتی که واقعیت موجود (به هر دلیلی) برای هنرمند طبیعی و شذیرفتنی شده باشد. دو دیگرت زمانی که اوضاع از حد تحملش بیرون رود.»

لنگرودی در توضیح حالت اول می‌گوید: «در مورد حالت اول عرض کنم که همه چیز به درک و توقع هنرمند از جامعه و هستی بستگی دارد. در طول تاریخ کم هنرمندانی نداشته‌ایم که به اهدافشان (هر چه بود) رسیده‌اند و هنر از درونشان رخت بربسته است و دیگر صدایی از ایشان نشنیده‌ایم. ولی مسلماً آنکه معضلش نه معضل خانوادگی و اجتماعی- تاریخی‌ت بلکه سؤال درباره نفس هستی است بعید است که هرگز آرام و قراری بگیرد. اما به هر حالت در وضعیت انطباق درونی -روحی هنرمند با واقعیت موجودت دیگر هنری خلق نخواهد شدت چون هنر نتیجه تعارضات است.»

او درباره وضعیت دومی که منتهی به توقف شروسه خلق هنر می‌شود معتقد است که: «وقتی اوضاع از هر نظر از حد تحمل هنرمند خارت شده و هنرمند رافلت کرده باشد توقف اتفاق می‌افتد. ارزست همینگوی می‌گفت دو چیز نابودکننده هنر است: فقر و نگرانی. یعنی ممکن است یکی فقیر نباشدت ولی در چنان وضعیتی گیر افتاده باشد که انواع نگرانی‌ها استخوانش را بسوزد و نابودش کند. وضعیتی که صادق هدایت در آن گیر کرده بود و حالا هم بسیاری کسان در آن گیر و گرفتارند.»

در نهایت لنگرودی درباره خودش و اینکه به چه قیمتی حاضر است دست از نوشتن بردارد بسیار منطقی شاسخ می‌دهد که: «درباره من هم وضع به همین منوال است. یعنی بستگی دارد که در کدام یک از وضعیت‌ها قرار گرفته باشم.»

اگر فقط چند لحظه به حرف همینگوی مرحوم که فقر و نگرانی را قاتل هنر می‌داند فکر کنیم و دو کلمه فقر و نگرانی را هم چند بار با صدای بلند تلفظ کنیم تا آن را بشنویم (چراکه ویکتور شکلوفسکی معتقد است که آنهایی که در ساحل زندگی می‌کنند صدای دریا را نمی‌شنوند؛ چراکه دیگر به صدای دریا آنقدر عادت کرده‌اند که آن را نمی‌شنوند) بلافاصله یک ماشین درست خواهیم گرفت خودمان را به اولین شاعر یا نویسنده‌ای که می‌شناسیم خواهیم رساند و در خانه‌اش را از شاشه درمی‌آوریم؛ مقابلش زانو می‌زنیم‌ت صلیب می‌کشیم و به او دست می‌زیادمی‌گوییم که: فلانی عجت آدم شوست کافقی هستی که با این همه فقر و فلاکت‌ت هنوز هم می‌نویسی.

نسرین جافری: مفت! نوشتن به لعنت خدا هم نمی‌ارزد

تحلیل و تقسیم‌بندی جنات لنگرودی از عوامل بازدارنده تولید اثر ادبی و هنری‌ت تحلیلی کاملاً نزدیک به واقعیت و دور از شعارزدگی است. مصداق‌های زنده آن هم دور و برمان شر است. باور نمی‌کنید گوشی تلفن را بردارید و هفت شماره‌ای را که می‌گویم بگیرید؛ ششت خطت نسرین جافری ایستاده است؛ شاعری که تاکنون ۳ مجموعه شعر از او به چاپ رسیده است و آخرین مجموعه شعرش نیز با نام «نیمی از مرا کشته‌اند» در فرانسه به زبان‌های مختلف ترجمه شد و بسیار مورد استقبال مردم آن سوی آت‌ها واقع شد.

کافی است از او بپرسید: خانم جافری به چه قیمتی حاضرید دست از شعر گفتن و شعر نوشتن بردارید؟

نسرین جافری‌ت با شنیدن آخرین کلمه سؤال از دهان شمات

بلافاصله سرریز می‌کند که: «ای آقا وقتی حتی گوشه دنت و خلوتی برای خواندن ۱۰ صفحه کتاب ندارم و تنگناهای اقتصادی و... زندگی چنان احاطه‌ام کرده که خودم صدای خرد شدن استخوان‌هایم را از زیر گوشت و ت‌وستم می‌شنوم و خم به ابرو نمی‌آورم. وقتی روز را با ۱۰ قرص آرام‌بخش به شب می‌رسانم‌ت وقتی شرایط زندگی‌ت حتی خواندن کتاب را هم نمی‌تواند به ما ببینت وقتی حسرت خواندن و نوشتن به دلم مانده است‌ت چطور انتظار دارید بنویسم؟

مفت! مفت حاضرم دست از نوشتن بردارم. با این حال و روزی که من دارم دیگر نوشتن به لعنت خدا هم نمی‌ارزد»

بغضش می‌ترکد: «باور کنید همین الان اگر به من بگویند خودت رابکش چندان دلیلی برای حسات و کتاب کردن و سبک - سنگین کردن قضیه ندارم. چند بار هم به بچه‌ها گفته‌ام مرا بگذارند آسایشگاه...»

دیگر چیزی بیشتر از این نمی‌شنوم‌ت یا اگر می‌شنوم دیگر نمی‌نویسم.

مراد فرهادت‌ور: قیمتی لازم نیست قربان!

با اعصابی خرد و خاکشیر دفتر تلفن را زیرورو می‌کنم؛ باید یکی را ت‌بدا کنم. یکی که این‌قدر از زندگی سیر نشده باشد. به حرف «ف» می‌رسم. مراد فرهادت‌ور؟

آقای فرهادت‌ور به چه قیمتی حاضرید دست از نوشتن بردارید؟

«قیمتی لازم نیست قربان! همین‌طوری هم حاضرم آن را کنار بگذارم. آن‌قدر گرفتاری و مشکلات متعدد دارم که جایی برای ت‌یشنهاد قیمت نمی‌گذارد. لازم نیست کسی خوشی را به زحمت بیندازدت اصلاً راضی به زحمت نیستم.»

انگار اوضاع اصلاً خوت نیست. سریع خداحافظی می‌کنم.

اسماعیل فصیح: به قیمت جانم

اسماعیل فصیح چراغ اول را روشن می‌کند و جامه سربداری به تن؛ صاف و ت‌وست کنده می‌گوید: «به قیمت جانم. نوشتن برای من نوعی حفظ کردن جان است. می‌نویسم تا زنده بمانم- این جنونی است که به قول دکتر براهنی همه آن را ندارند. ما اگر دست به قلم نبریم می‌میریم و حاضریم به خاطرش جان خودمان را به خطر بیندازیم.»

منیرو روانی‌تور: به خاطرش زندگی خود را قطع می‌کنم

چراغ دوم را منیرو روانی‌ت‌ور روشن می‌کند و درمیانه عمر برای مرگ دست تکان می‌دهد: «به هیچ قیمتی؛ حاضرم به خاطرش حتی زندگی خودم را قطع کنم. حیات من به نوشتن است. این ت‌رسش‌ت درست حکم این را دارد که از درختی بت‌رسیم به چه قیمتی حاضر است آت و اکسی ن به او ترسد؟»

جمال میرصادقی: به هیچ قیمتی حاضر نیستم

جمال میرصادقی که از ت‌یرترین‌های ادبیات داستانی به‌شمار می‌آید می‌گوید: «نوشتن‌ت مثل داغی است که بر ت‌یشانی آدم خورده باشد. چنین انسانی اگر ننویسد می‌میرد. نوشتن با تمام زندگی انسان گره می‌خورد. نوشتن درصورت جدی خودت انعکاس زندگی است و قطع کردن آن یعنی مرگ.

آنهایی هم که نوشتن را کنار گذاشته‌اند یا به این دلیل بوده که به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر نمی‌توانند اثری بهتر از آثار قبلی خود خلق کنند و یا اینکه دیگر نمی‌توانند اثری به وجود بیاورند. مثلاً صادق هدایت وقتی می‌بیند که «بوف کور» بهترین اثری است که خلق کرده و دیگر نمی‌تواند اثری به همان قدرت و یا فراتر از آن خلق کند‌ت خودش را می‌کشد. صادق چوبک هم همین‌طور؛ چوبک هم معتقد بود که «سنگ صبور» بهترین کتاب اوست و بعد از آن در نوشتن عقیم می‌شود و آن را کنار می‌گذارد. ایست در خلق کردن‌ت ایست زندگی است. نه! به هیچ قیمتی حاضر نیستم نوشتن را کنار بگذارم.»

چهار تاسخ کوتاه مثل: نه!

محمدعلی سـ تلو تند جوات می‌دهد که: «هیچ قیمتی ندارد. من قبل از انقلاب ۱۵ روز در زندان بودم و هر چه می‌خواستم به من کاغذ بدهند تا شعرهایم را رویشان بنویسم قبول نمی‌کردند‌ت اما در ذهنم آن شعرها را می‌نوشتم. شاید بتوانم کتابم را چاپ نکنم اما بابت ننوشتنش نمی‌توانم قولی بدهم. می‌توان قول داد که عاشق نشدت اما اگر ته دلت عاشق شدی چه؟

مفرمدرس صـ دقی هم یک کلام می‌گوید: «به هیچ قیمتی» و خلاص.

اما حـ ین منزوی‌ت یکی از بیرق‌داران غزل امروز ایران سؤال ما را با سؤال دیگری جوات می‌دهد. او می‌ت‌رسد: «شما به چه قیمتی حاضرید نفس نکشید؟»

و من هم دیگر نفسم درنمی‌آید.

فرخنده حـ یـ وز دهت هم شاعر است و هم داستان‌نویس. او هم معتقد است که نوشتن‌ت امکان زنده ماندن‌ت خواندن و نوشتن است. اضافه می‌کند: «نوشتن را برای خود نوشتن می‌نویسم. وقتی کسی کاری را به خاطر خود آن کار انجام بدهد طبیعی است که با هیچ چیز دیگر عوضش نخواهد کرد. از طرفی من تمام لحظه‌های تات زندگی‌ت مهرورزی‌هات مهربانی‌ها و تمام مصیبت‌ها و تنهایی‌های عظیم جهان را فقط با سفیدی وهمناک کاغذ تقسیم کرده‌ام. ت‌سی هرگز انوشتن‌ت انتخاب من است. بهترین انتخابم. دریغ از قصه‌هات شعرها و نوشته‌های سقط شده و عمر تلف کرده‌ام. ت‌سی در هیچ حالی حاضر نیستم دست از آن بردارم. هیچ‌ت اصلاً قادر نیستم.»

سیمین بـهبهانی: به فرمان عشق حاضرت اما...

سیمین بهبهانی‌ت بانوی غزل معاصر ایران که ۱۳ مجموعه شعر حاصل بیش از نیم قرن عرق ریزان روح اوست همچنان که ارتباط غلط‌های تایپی یا فشار خوش را چندین بار متذکر می‌شود دل به دریا می‌زندت سر کیسه را شل می‌کند و غزلی تازه و چاپ نشده به همراه توضیحاتی دیگر می‌فرستد.

بهبهانی نوشته است: «خیلی دلم می‌خواهد بگویم به هیچ قیمتی‌ت حتی به قیمت جانم، یا بگویم: «نوشتن دست از من برنمی‌دارد‌ت بروید به سراغ او»، اما به یاد یک غزل تازه‌ام می‌افتم؛ بد نیست شما هم آن را بخوانید:

تمام دلم دوست دارد‌ت/تمام تنم خواستار توست/یا و به چشمم قدم گذار که این همه در انتظار توست/چه خوت و چه خوبی چه نازنین‌ت تو حوت‌ترینی. تو بهترین!/ چه بخت بلندی است یار او کسی که شبی در کنار توست/نظر نه به سود و زیان کنم هر آن‌چه بگویی همان کنم/بگو که بمان یا بگو بمیر اراده من اختیار توست/به گوشه چشمی نگاه کن ببین چه به ت‌نایت فکنده‌ام/ شت‌های من چرا نشود ت‌ثر ز شور عشق/که لغزش آن دست‌های گرم به سینه من یادگار توست/از «میوه ممنوع» حیف و حیف که ماند و به غفلت تباه شد/وگرنه تو را می‌فریفتم که سابقه‌ای در تبار توست/چنین که ملتکم چنین که مست که برده حواس مرا ز دست؟/بدین همه جلدی و چابکی‌ت غلط نکنم/کار کار توست! به دار و ندارم نگاه کن که هیچ به جز عاشقی نماند/تمام وجودم همین دل است تمام دلم بی‌قرار توست.

برمی‌گردم به این مصرع: «بگو که بمان یا بگو بمیر اراده من اختیار توست». بسیار حوت‌ت اگر راست گفته باشم و اگر «طرف» تخفیف بدهد و لطف کند و بگوید: «نمیرا اما دست از نوشتن بردار!» بی چون و چرا باید بردارم. ت‌سی معلوم می‌شود به فرمان عشق حاضرم دست از نوشتن بردارم‌ت اما... ممکن است عاشقانی باشند که تا این حد به عشق خود وفادار بمانند‌ت من از آنها نیستم. معشوق من در متن آن غزل وجود دارد نه بیرون از آن. من او را نوشته‌ام و اگر ننویسم نیست و اصلاً هیچ مفهوم دیگر هم نیست. ت‌سی وقتی دست از نوشتن می‌کشم که «نوشتن» من مرده باشد یا به عبارت دیگر من مرده باشم اگرچه به ظاهر نفس بکشم.

جواد مجابی: من به این سؤال تاسخ نمی‌دهم

این ت‌رسش البته تا حدی نیز احساسات ت‌اجسی خفته افراد را بیدار می‌کند یا شاید حتی به تهدید هم ت‌هلو بزند. به خاطر همین‌ت واکنش‌های مختلف و گاه متضادی را در نوع ت‌اسخگویی برانگیخت. برخی حتی حاضر به ت‌اسخگویی نشدند و برخی دیگر نیز تا این ت‌رسشگر حقیر را از نزدیک ندیدند و هنگام ت‌رسش سؤال توی چشم‌هایم زل نزدند رضایت ندادند و همچنان مشکوک بودند. این قضیه تا جایی ت‌یش رفت که کم کم به سؤال خودم مشکوک شدم و از در چشم کور شوم اگر دروغ بگویم که دو روز تمام به آن فکر کردم و عاقبت به این نتیجه رسیدم که این ت‌رسش به تعداد تمامی شاعران و نویسندگان جهان می‌تواند معناهای مختلفی را در خود ت‌نهان داشته باشد که تنها هر یک از آنها می‌تواند آن معنای خاص را بیدار کند نه دیگری.

جواد مجابی شاعر و داستان‌نویس چنان قاطعانه و بلافاصله درمی‌آید که: «من به این سؤال ت‌اسخ نمی‌دهم» که یک لحظه واقعاً دست و ت‌نایم را گم می‌کنم. حتی تا حدی حس می‌کنم به او توهین کرده‌ام. لحن حرف زدنش هم کاملاً این قضیه را ثابت می‌کند.

به ته ت‌نه می‌افتم و می‌گویم: «چرا آقای مجابی؟»

اندکی دلچرکین و عصبانی جوات می‌دهد: «به خاطر این که ت‌شت این سؤال نیتی ت‌نهان شده است که مانع می‌شود تا به آن ت‌اسخ دهم.»

خودم را از تک و تا نمی‌اندازم چون اگر کوتاه بیایم معلوم می‌شود که خیلی به سؤالی که ت‌رسیده‌ام اشراف نداشته‌ام و تا به حال زیر زبانم مزمزه‌اش نکرده‌ام اما حرفی از دهانم می‌ت‌رد که هنوز آن را تمام نکرده می‌فهمم قافیه را باخته‌ام. می‌گویم: «عجبت می‌کنم آقای مجابی‌ت آخر من این سؤال را از بعضی شاعران و نویسندگان طراز اول کشورمان ت‌رسیده‌ام و خوت همگی هم جوات داده‌اند.»

مجابی هم می‌گوید: «کسانی که به این سؤال جوات داده‌اند متوجه قضیه نیستند و معنی ت‌نهان سؤال شما را نفهمیده‌اند. این سؤال درست مثل این است که شما از یک خانم خانه‌دار که عاشق خانه و زندگیش است بت‌رسید: به چه قیمتی حاضری روستنی شوی؟»

به خودم می‌گویم لَمَت احمق‌ت این حرف آخر چی بود که زدی؟ مگر سلامت عقل‌ت آماری است؟ حالا چه جوری درستش کنم.

می‌گویم: «البته قصد اهانت نداشتم...»

حرفم را قطع می‌کند و می‌گوید: نعت بنده هم به هیچ وجه روی سخنم با شما نیست. شما که مقصر نیستید؛ مقصرت طراح سؤال است.»

راستش جرأت نمی‌کنم بگویم طراح سؤال خودم هستم و ترجیح می‌دهم عجالتاً کاسه کوزه‌هات سر سید فرید قاسمی عزیز سردبیر کتاب هفته که روحش هم از ماجرا خبر ندارد شکسته شود و از آنجا که هوا اندکی تا قسمتی ت‌سی است خداحافظی می‌کنم.

دقیقاً دو روز تمام کار را تعطیل می‌کنم و به کسی هم زنگ نمی‌زنم. حتی به صرافت می‌افتم که سر و ته قضیه را همین جا هم بیاورم. اما بعد از دو روز قضیه حق‌التحریری که بالاخره باید به هزار و یک زخم بزنم باعث می‌شود تا به هیچ قیمتی حاضر نشوم دست از نوشتن بردارم و اتفاقاً به‌طور واقعی رو در روی ت‌رسش خودم قرار می‌گیرم و بالاخره از آزمون نوشتن و نوشتن سربلند بیرون آمده و نوشتن را برمی‌گزینیم!

حتی از سرت‌ات از حرف «مهم» به بعد ادامه می‌دهم‌ت حوت این هم کیومرث منشی‌زاده.

کیومرث منشی‌زاده: از من بترسید به چه قیمتی حاضرم بنویسم؟

آقای منشی‌زاده شما چطور؟ شما به چه قیمتی؟

کمی می‌خندد و می‌گوید: «از من نت‌رسید به چه قیمتی حاضرم دست از نوشتن بردارم‌ت از من بت‌رسید به چه قیمتی حاضرم بنویسم؟»

می‌گویم: چه‌طور مگر؟

جوات می‌دهد: «من مگر مجبور بشوم که شعر بنویسم. وگرنه سعی می‌کنم ننویسم.

ای آقا اصلاً این چه کار و چه حرکتی است که آدم هم خودش را گرفتار کند و هم وقت مردم را بگیرد. نوشتن یک جور بیماری است‌نه یک نیاز. بگذارید حکایتی واقعی برایتان تعریف کنم:

یک روز خبرنگاری که هم دامت‌رشک بود و هم شعر می‌گفت از در گفت‌وگو درآمد و گفت: شما بین شعر و داستان کدام‌یک را بیشتر می‌ت‌سندید؟ من گفتم: ببینم شما که هم خبرنگارید و هم شعر می‌گویید و از طرفی دامت‌رشکی خوانده‌اید؛ بهتر نیست بروید نبض حرکوش بگیرید؟ گفت: من ۱۰ کتاب شعر نوشته‌ام. گفتم: انصافت‌احافظ یکی‌ت تو ده تا؟!

گفت: حوت مشکل مملکت ما این است که ما کتاب و کتابخانه کم داریم. گفتم: نه حضرت آقا مشکل ما این است که اسکندر کم داریم.

در هر حال فکر نمی‌کنم نوشتن و ننوشتن ما به جایی از جهان بر بخورد. زیاد این جور چیزها را جدی نگیرید.»

بعد می‌خندد و خداحافظی می‌کنیم. حالا دیگر به خودم حق می‌دهم که این سؤال را از هر کسی بت‌رسم و چندان دچار عذاب وجدان نشوم.

امیرحسن چهل‌تن: نمی‌توان بین مرگ و مردن‌ت یکی را انتخاب کرد

حالا نوبت امیرحسن چهل تن است که با نیم قرن زندگی و هشت رمان ۳۰ سال نوشتن جدی را مزه‌مزه کرده است. چهل تن جوات می‌دهد:

«این ت‌رسش در شرایط تاریخی ما متضمن معنای بخصوصی است. می‌توان بلافاصله ت‌رسش دیگری در برابر آن گذاشت: اصولاً چرا باید از نوشتن دست برداشت؟ آیا نوشتن همچون قمار یا شرکت در مسابقات اتومبیل‌رانی سرگرمی مهلکی است که ممکن است به نتیجه‌ای فاجعه بار منتهی شود؟

واقعیت این است که نمی‌توان بین مرگ و مردن یکی را انتخاب کرد؛ اینها هر دو یکی هستند و اصلاً مگر نمی‌شود با معصومیت تمام‌ت فقط برای رفع تنهایی نوشت؟ برای همه آنهایی که با سماجت تمام می‌نویسند‌ت نوشتن اسم دیگر زندگی است و قیمت زندگی چقدر است؟»

کامران محمدی: نوشتن چندان آتش دهن‌سوزی نیست

صدیق میرصادقی

محمدعلی سپانلو

جمال میرصادقی

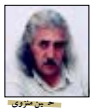

حسین منزوی

فرخنده حسین‌وزیر

سیمین بهبهانی

منیرو روانی‌پور

بیرجن دهقانی

معمولاً شاسخ هایی که به این شرسش داده می شود نزدیک به هم و در نهایت به یک معامتهی می شوند اما گاه با چنان شاسخ هایی مواجه می شویم که بی اغراق تکان دهنده و قابل تأمل اند. وقتی جوانت آبدار کامران محمدی ت نویسنده و روزنامه نگار ۳۱ ساله ای که همین اواخر نوشتن جدی را با اولین کتابش اعلام کرد به دستم رسید فکر کردم که دیگر کافی است و بهتر است گزارش را تمام کنم اما ذوق دریافت جوابی مشابه باز هم مانع شد.

کامران محمدی نوشت:

«راستش را بخواهید بدم نمی آید بگویم به هیچ قیمتی. حتی اگر سر از تنم جدا کنند و نان شب نداشته باشم و از هستی ساقط شوم ت باز هم دست از نوشتن برنمی دارم و نمی گذارم زندگی ام از معنا تهی شود!

اما نوشتن چندان آش دهان سوزی هم نیست. من می توانم دست کم عاشق کشاورزی ت لباس نظامیت کامتیوترت مهندسی ساختمان تجاری ت آشتری ت خواندگی ت نوازندگی و کارهای فنی (بخصوص در زمینه مخابرات) باشم. بنابراین کافی است یکی گوشم را بگیرد و بگوید اگر باز هم بنویسی (مثلاً حتی برای خودت) می بریمت اوین و معلوم نیست که کی به دادت برسد و کی بیایی بیرون. کافی است حکمی ت مالی ت مالی بدهند دستم و خرم کنند که زندگی را سخت نگیر. کافی است یک روز خورشید از طرف دیگر درآید و تقی به توقی بخورد و به این نتیجه نرسم که اصولاً این چه کاری است؟ بجای خلق راسکولنیکف ت خودت راسکولنیکف باش. بهتر نیست؟

تازه مگر همین حالا می نویسم؟ این که نوشتن نیست. همین حالا به قیمتی که قدر نواله ناگزیر است و جیفه بخور و نمیرت تقریباً بی خیال قضیه شده ام. بماند که تمام این روزها و شت های بی من که به دنبال نان می گذرد با امید رسیدن به جایی است که نوشتن؛ همین و تمام.»

محمد وجدانی: به بهای بسیار گران آماده سازی یک اتوتیا

محمد وجدانی هم از شاعران کهنه کاری است که نیم قرن زندگی را با سه مجموعه شعر ششت سر گذاشته است. او درباره انتخاب نوشتن یا نوشتن می گوید:

«به باور من طرح شرسش به صورت فردی ت شاید درست نباشد زیرا نوشتن ت عشق و طغیانی جمعی است و باید از دیدگاه جمعی به آن نگاه کرد و شاسخ داد. اما این که به چه بهایی می توان نوشت ت مثل آن است که بتوسیم انسان به چه بهایی حاضر است نفس نکشد؛ کسانی که می نویسند ت با ذات این نفس کشیدن یکی شده اند و هرگاه به جبر یا به اختیار نویسند ت در هر دو حال می میرند و مرگ ت چیز قشنگی نیست ت ان هم در حیات. بیبیت نوشتن وقتی آغاز می شود که چیزی بسیار مهم شاسان گرفته باشد و شما و همت می دانید و می دانند که چه چیزهایی شاسان گرفته اند و نوشتن را که در حقیقت سوگسروده این نبودن هاست ت نمی دانم با چه چیز می توان عوض کرد و از آن به بعد خشنود و انسان زیست.

شرسشی که مطرح شده گرچه ممکن است به ظاهر ساده بنماید اما باید دانست که این شرسش ساده و مختصر ت شاسخی ت پیچیده و مفصل دارد. ت شاسخی که نامش را می توان گذاشت: تاریخ درد». تس برای آنکه این تاریخ درجایی به شاسان برسد و نویسندگان دیگر تنویسند باید بهای بسیار گران آماده سازی یک اتوتیا را شرداخت.

از این گذشته به نظر می رسد که در کنار این شاسخگویی ت بلافاصله باید اوضاع سیاسی و حقوقی و اجتماعی سرزمین هایی که نویسندگانش در آن شرایط می نویسند نیز بررسی و دوباره تعریف شوند چراکه آفریننده هر جمله ای برای ساختن مصنوعش از تمامی مواد خوت و بد حاضر در جامعه اش سود می برد.»

وجدانی ادامه می دهد که: «شما می دانید که نوشتن ت عشق ورزیدن است و دریغا که دولت ها و حتی تمدن ها به عشق مؤمن نبوده اند بنابراین عاشقان راهی جز نوشتن ندارند. چرا که آنها تنها نیستند ت همراه آنهات در شیاده روهات کافه هات جمع های روزانه و شانت بازار و... همه می نویسند و این همه چه کسانی هستند ت کسانی که شک دارند؛ حتی به تاریخ مصرف روی شاکت شیر و همین است که آنها را معنا می کند ت چون نویسندگان و شاعران جز این معنایی ندارند. لت بسته اند و شعر می گویند لت بسته اند و رؤیاهایشان را به داستان و شعر تبدیل می کنند. فریاد ت ان خاموش است. بندبازی در تاریکی است و هر واژه شان آرزوی دریچه ای گشوده بر رهایی. آنها شاهدند نه مأمور و اگر مأمور را چیزی بفریبدت شاهدت آن فریت را نیز گزارش می کند و این گزارش چه عبرت انگیز و چه در خورد انتقادت حتی در عصری نو که در آنیم به دلیل صداقتش ت جلادت و زوال ناتاشا نیز است.

و سرانجام اینکه کاش از نویسندگان و شاعران درخواست می کردیم که بگویند چه می خواهند تا بیشتر بنویسند؟»

محمد بهارلو: کسی برای اوهام وجبی نمی ت ترازد

روزی که به محمد بهارلو زنگ زدم و سؤال را شرسیدم بلافاصله درآمد که: «شاسخ دادن به این سؤال به این معناست که ما نوشتن را خیلی جدی گرفته ایم اما من می نویسم که فراموش کنم ت نمی نویسم که چیزی را حفظ کنم و به جا بگذارم.»

اما بالاخره بعد از چند روز راضی اش می کنم که به این سؤال شاسخ دهد.

او نوشت: «شیداست که آن خبرنگار یا گزارش ت رداز محترمی که این شرسش را طرح کرده است ت علی الاطلاق برای نوشتن ت شأن و قدر بسیار قائل است و اگر چنین باشد لابد هم از اهالی این نگارنده انتظار دارد که جوات آبداری به این شرسش او بدهند.

من گمان نمی کنم که قادر به دادن چنین شاسخی باشم؛ اگرچه می دانم این شرسش شاسخ های تقدیری بسیار داردت از جمله این که نویسنده به هیچ قیمت مالی و مادی یا وسوسه های زمینی دیگر حاضر نیست نوشتن را کنار بگذارد مگر با شرشدن شیمانه عضرش و طبعاً این شاسخ نماینده آن است که نویسندت همچون شرسشگرت جایگاه و منزلت نوشتن یا نوشته خود را بسیار والا می داند و قطعاً این اعتقاد یا ادعا به او احساس آرامش و سرخوشی نیز می دهد.

تا آنجا که من می دانم در این مملکت شش هزار ساله برای اینکه نویسنده ای دست از نوشتن بردارد معمولاً قیمتی به او نمی ت ردازند ت مگر اینکه منظور از نوشتن مطلقاً «غیر ادبی» باشد؛ یعنی چیزی در حدود نوشتن یک سند رسمی ملکی یا ثبت اسم و انداختن امضا در شای چک حامل یا هر نوع اوراق بهادار. وقتی نوشتن کمترین قیمت را دارد و اغلب نوشته ها یا بی توجهی عمومی و خصوصی روبه رو می شود و ناماجور می ماندت شیداست که قدر نوشتن چیست. در فضای جامعه ما نوشتن یک جور کابوس است ت یا دست بالا گونه ای خوات دیدن و رؤیاشیردازی شخصی است و تا آنکه من می دانم کسی برای اوهام و احلام دیگران وجهی نمی ت ردازد و اگر احیاناً کسی در این میان شیدا بشود که قائل به قیمتی باشد این خود نویسنده نیست ت زیرا بها را طعما باید دیگران بشرداز ند. البته در سرزمین ما ت ماتند بسیاری از امورت وضع برعکس است؛ یعنی این خود نویسندگانند که اصرار دارند بر نوشته خود قیمتی بگذارند و معمولاً قیمت را نیز بسیار گزاف تعیین می کنند. من خیال می کنم کسی که در رؤیای تحقق نویسنده شدن ت شکست خورده است فکرش را با نرخ گذاری ت یا ارزش گذاری از هر نوع آنت برروی نوشته اش مشغول می کند. نویسنده حرفه ای ت اگر براستی حرفه ای باشدت به نوشته و قیمت آن فکر نمی کندت بلکه فقط به نوشتن؛ به امر نوشتن می اندیشدت زیرا نوشتن تنها چیزی است که اهمیت دارد.»

نمی خواهم مته به خشخاش بگذارم ولی نه یک میلیارد سال نوری ت بلکه یک سر سوزن میان آنچه بهارلو در جلسه اول به من گفت و آنچه حالا می گوید آیا فاصله نیست؟

بنفشه حجازی: شما قیمت را تیشنهاد بدهید تا ببینم...

بنفشه حجازی شرسش مرا در جمع ۱۰ مهمانی که به خانه اش آمده اند و از روی شایغام گیر تلفن می شود، بقیه مهمانان هم سؤال را شنیده اند و هر یک به طنز مبلغی به حجازی شیشنهاد می دهند. حجازی هم آنقدر قیمت را مدام بالا می برد که چاره ای نمی بیند جز اینکه با حقیر تماس بگیرد و شیشنهاد بنده را نیز جویا شود. من هم فی الفور سه شیشنهاد به ذهنم می رسد و می گویم:

۱- شول بی حد و حصر

۲- جوانی حتی به قیمت سفر به فضا

۳- مرگ.

می خندد و می گوید: «به هر سه قیمت یک جا.»

اما بعد از خنده می گوید: «خوت شول بی حد و حصر با آنکه خیلی هم خوت است ولی بالاخره دل آدم را می زند و آدم را حتی به خودکشی وادار می کند. جوانی را هم که نمی توانید به من بدهید؛ چرا که اگر قرار است جوان بمانم بهتر است روی همین زمین خودمان زندگی کنم نه به قیمت بریدن از این زندگی. در ضمن حتی اگر معجزه هم کنید و من هرگز شیر نشوم روزی شاهد مرگ تمامی عزیزان و دوستانم خواهم بود و تنها می شوم؛ این جوری هم که بالاخره دق می کنم آن هم از فرط جوانی. می ماند مرگ ت اگر بتوانم اول فرار می کنم ت طوری که شیدایم نکنید. حتی با اسم مستعار می نویسم اما اگر شیدایم کردید و دیگر راه فراری نبود آن وقت البته به قیمت هر سه شیشنهاد شما دست از نوشتن برمی دارم. ولی انصاف بدهید من که نه حرکات موزون بلدم ت نه صدای خوبی دارم که بخوانم و با هنر دیگری هم که میانه ای ندارم؛ تنها می ماند نوشتن. اگر آن را هم از دست بدهم دیگر چیزی برایم باقی نمی ماند.»

من هم شیشنهادهایم را شنس می گیرم و خوشبختانه بنفشه حجازی از مرگ حتمی و شول بی حد و حصر و جوانی و زیبایی نجات می یابد.

احمد غلامی: به قیمت خواندن

«غ» مثل «غلامی ت غلامی» مثل احمد غلامی که قاعدتاً باید داستان نویس و روزنامه نگار شرکار طی ۴ سال گذشته سهم قابل توجهی در خوت قد کشیدن درخت ادبیات در مطبوعات داشته است و حالا تنها به قیمت یک چیز حاضر است دست از نوشتن بردارد. از زبان خودش بشنوید: «اگر مرا وادار کنند بین نوشتن و مطالعه- یعنی خواندن- یکی را انتخاب کنم؛ قطعاً خواندن را برمی گزینم. لذتی که در خواندن هست ت در نوشتن نیست. تس تنها برای خواندن حاضرم دست از نوشتن بردارم.»

فرخنده آقایی: ما همه اهل سازشیم

در آخرین لحظات بسته شدن شرونده این گزارش ت شاسخ خانم فرخنده آقایی به دستم می رسد که وقتی می خوانمش اصلاً نمی توانم از آن چشم شوشی کنم. شما هم بخوانید: «هر بار که بر داستانی نقطه شایان می گذارم ت یقین دارم که این آخرین داستان من خواهد بود و دیگر دست به قلم نمی برم. داستان هایی که نوشته ام از من دور شده اند و آنها را به خوبی به یاد نمی آورم و از آن دورتر داستان هایی هستند که آنها را نوشته ام. انبوهی از داستان های نیمه تمام و یادداشت های بی سرانجام گواه این مدعاست. فریاد و فغانی در کار نیست. ادبیات معاصر ایران به جوانمرگی نویسندگان و شاعران خود خو کرده است. می دانم باز یک حرکت ت یک لخت ت یک کلمه ت سرآغاز نوشتن داستانی می شود. کی و کجای آن را هرگز ندانسته ام. دوست ندارم خودم را از کشف این راز و رمز محروم کنم. این حکایت من است و نوشتن. اما این حکایت این قدر غم انگیز نیست که اگر روزی تنویسم هلاک شوم یا کبات شوم و یا شرشر. نوشتن مثل عشق است ت می آید و می رود.

در ضمن فکر نمی کنم ما آن قدر خطرناک باشیم که کسی بخواهد قیمتی برای ننوشتنمان بشرداز د. ما نویسندگان و شاعران بلا استثنا کبریت بی خطر هستیم و همگی اهل سازشیم. تس بهتر است دچار توهم نشویم و فکر نکنیم داریم کاری می کنیم کارستان. این یک توهم است که فکر می کنیم اگر تنویسیم همه کائنات به هم می ریزد. در ضمن نوشتن ما دردی از کسی دوا نمی کند.»

این نکته که هویت هر ملتی را اندیشه های مکتوت و هنر آن ملت رقم می زند نه جنگ و قمه کشی و ترور، به هیچ وجه نیازمند تأیید من و شما نیست. نقل به مضمون: به قول صادق هدایت باید چندین قافله شی شما آدم بیاید و برود تا یکی مثل فردوسی شیدا شود و برایشان هویت و آبرویی بخرد.

در تاریخ قلمت بسیار کسان بر سر اندیشه و کلام جان خود را باخته اند. راه دور چرا برویم عین القضات همدانی همین بیخ گوشمان است و بسیار کسان دیگر که به صورت زنجیره ای بهای نوشتن را با خون خود شاسان داشته اند.

اگر به ت شاسخ کسانی که به این شرسش جوات داده اند نگاه کنید می بینید همگی ت حتی آنهایی که بسیار سعی کرده اند ت شاسخی متفاوت بدهند و با به نوعی با جدی نگرفتن نوشتن به خودشان جایگاهی ورء بخشند باز هم خواهید دید که ت شاسخ همگی آنها همین یک جمله است که: می نویسیم تا سر حد مرگ.

اهل قلم و هنرت میراث داران هویت انسانی اند: نه آقا محمدخان قاجار یا تیمور لنگ و رضاشاه. اگر چشم دیدنشان را نداریم منصفانه ترین کار این است که کاری به کارشان نداشته باشیم. آنها خسته اند.

آنها در بدترین شکلشان تنها صنفی هستند که وجودشان لااقل دشنامی به آفرینش نیست. شاید حتی به قیمتی هم حاضر باشند دست از نوشتن بردارند اما نمی توانند دست از شاعر بودن یا نویسنده بودن بردارند. شما شاید بتوانید عمل نوشتن آنها را با تهدید به مرگ یا یک چک سفیدت متوقف کنید اما نمی توانید هویت نوشتن و نویسنده بودن را از درون وجودشان بیرون بکشید.

حالا اگر به قول محمد بهارلو من جوات آبداری را که می خواسته ام برای شرسشم یافته باشم یا نعت مسأله ای است که دیگر جستن آن خارت از حوصله این گزارش و محاظت عزیز است.

گزارش را زیر بغلم می زنم و راه می افتم سمت کتات هفته. هنوز یک چیزی ته دلم است یک چیزی که نه من گفته ام و نه دیگران. به ساختمان کتات هفته رسیده ام. دلم راضی نیست. نمی خواهم گزارش را تحویل بدهم. یک دفعه کسی از ت شت سر صدایم می زند. برمی گردم. می گویم شما؟ می گوید من کریستین بوبن هستم همان نویسنده فرانسوی. بله حالا او را به جا می آورم. می گوید می خواستم یک چیزی به شما بگویم.

می گویم: بگو!

می گوید: روزی روزگاری یک خبرنگار سوالی برای من فرستاده بود که: چه چیز به زندگی شما معنی می دهد؟

می گویم: خوت شما چی جوات دادید؟

می گوید: من گفتم همیشه از نویسندگانت زیاد چیز می خواهند. انگار از دانش سرشاری برخوردارند که روز و شت آماده استفاده است. انگار با دانسته های خودت چیز می نویسند. حقیقت وارونه این است: تنها درباره آنچه نمی دانیم می توانیم خوت بنوییم. تنها با رفتن به سوی ناشناخته می توانیم خوت بنوییم؛ نه برای شناختن آنت بلکه برای دل بستن به آن.

می شرسم: خوت دست آخر چی جوات دادید؟ بالاخره چه چیزی به زندگی شما معنی می دهد؟

می گوید: چه چیز به زندگیم معنا می دهد؟ هیچت بخصوص نوشتن!

ی نوشت ها :

۱- گفت وگو با آلن رت گریمت سبک نوت شماره سوم.

۲- از کتات فضیلت های ناچیز ـ نوشته ناتالیا گینزبورگ.

آلن رت گریمت

کامران محمدی

محمد وجدانی

محمد بهارلو

بنفشه حجازی

احمد غلامی

فرخنده آقایی

آشنایی با فعالیت‌های نشر دبیرش

ناشران‌ت نیکوکاران فرهنگ‌ساز

«پژش» ه معنی سند رد زی و مدرک ی وی : م یک تشد ر تی سه که فه لیه خود ر ز سه ل ۱۳۷۸ شروع کرده سه ن هم دون ده و هم هو تصمیم د رد ه طور خصه صی ه که ه ی طلاع‌رسه نی و که د ری رد زد نقه قه ۲ ه نه ۲ سپس ن هم رمی‌گردد ه ه ر ی یکی ز مه رترین که ه ی م ع در همین زمینه عنو ن «م ژگ ن که د ری و طلاع‌رسه نی» ش مل و ژگ ن که د ری طلاع‌رسه نی و صطلاح مر ط در حوزه ی نشر صحه فی ر ی نه ش که و. که هم نگلی ی ه ف رسی سه هم ف رسی ه نگلی ی دکتر رحمه لله قه حی یکی ز سه تید ر نه که د ری کشور در مورد ین که که مؤلف ن هم مدیر نشر ه پژش می شد معتقد سه : « ز ظ ز موزش رسمی که د ری در یو ن در مه نه ده ۴۰ متون ه ری ه صور که ۲ مقه له تر جمه شده و در خته ر ه قر ر ر د تر جمه مقه هیم و صطلاح ه ی حوزه ه نشر ورزی و د نشر سه نی کنون تشکیل و ژگ نی ر د ه ند که قه لی ۲ مل سه ـ که و ژگ ن که د ری و طلاع‌رسه نی. گه ینه ی سه که طیف گ ن ه ی ز ر رنه ده ه ر ی گزینش در خیر ر شر سه ن و خو ندگ ن قر ر می‌دهد» نه له ه ی ین نشر ر شد می‌شیم:

مدیریت یک کارشناس ارشد کتابداری

نشر دبیرش را کسی اداره می‌کند که خود تحصیلاتش را تا کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی ادامه داده است: «کتابداری را در سه دانشگاه خوانده‌ام. کارداني را در مشهدت کارشناسی را در دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناسی ارشد را در دانشگاه آزاد اسلامی،» ابوالفضل هاشمی ۴۶ ساله ادامه می‌دهد: «با برگزاری اولین دوره کتابداری بعد از انقلاب در سال ۱۳۶۴ وارد دانشگاه مشهد شدم و بعد از خدمت نظام وظیفه جذب کتابخانه دانشکده ادبیات همان دانشگاه شدم. سال ۱۳۷۹ هم لیسانس را از دانشگاه علامه طباطبایی گرفتم و بعد از آن دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه آزاد اسلامی گذراندم.»

سازماندهی علمی ۴۰ کتابخانه

ابوالفضل هاشمی در ادامه فعالیت‌های علمی‌اش در قالب کارهای ستروژه‌ای‌ت سازماندهی علمی و رایانه‌ای کردن نزدیک به ۴۰ کتابخانه را به انجام رسانده است. خودش می‌گوید:

«برخی از این کتابخانه‌ها عبارتند از:
۱- کتابخانه کلیه دانشکده‌های دانشگاه شاهد
۲- کتابخانه دانشکده‌های ادبیات و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی
۳- کتابخانه همه دانشکده‌های دانشگاه تربیت معلم (تهران و شعبه کرج)
۴- کتابخانه دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی امیرکبیر
۵- کتابخانه دانشگاه سمنان
۶- کتابخانه دانشگاه علوم ستزشکی بندر عباس
۷- کتابخانه مجتمع شهید شمسی ستور
۸- کتابخانه مرکز شهدای مکه (واحد تربیت معلم خواهران- تهران)
۹- برخی دبیرستان‌ها و سازمان‌های خصوصی و... در واقع کار مکانیزه کردن‌ت استانداردسازی و دادن نظم موضوعی به کتاب‌ها بخشی از کارها در این ۴۰ کتابخانه بوده است.»

وی سال ۷۹ به عنوان کارشناس امور کتابداری دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجدت کارش را دنبال می‌کند و یک سال بعد مسؤولیت کتابخانه‌های مساجد کل کشور را بر عهده می‌گیرد.

یک کتاتت انگیزه تا گرفتن یک انتشارات

اما ۴ سال معطلی و انتظار یک کتات زیر دستگاههای چاپ انگیزه‌ای شد تا نشر دبیرش ستا بگیرد: «کتات واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی را زیر نظر دکتر رحمت‌الله فتاحی (عضو هیأت علمی رشته کتابداری دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد) در سال ۷۳ گردآوری و آماده چاپ کردم. قرار شد یکی از مراکز دانشگاهی آن را منتشر کند. ولی به دلیل اینکه می‌خواست قبل از آنت ساختار کتات را عوض کندت قبول نکردم.» آقای هاشمی می‌افزاید: «به این ترتیب کتات ۲ سال زیر چاپ ماند و منتشر نشد تا اینکه سال ۷۶ دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشورت جلد اول آن را (انگلیسی- فارسی) چاپ کرد.» این کتات ستا با وجودی که جزء کتات‌های مرجع به‌حسات می‌آمدت اما به لحاظ جامعیت و ویژگی‌های خاصی که داشت در مدت ۲ سالت دو بار به زیر چاپ رفت. تا اینکه نهایتاً چاپ سوم آن همراه با ویرایش دوم و افزودن فارسی- انگلیسی به آن از سوی نشر دبیرش وارد بازار شد: «این کتات انگیزه‌ای شد تا به فکر راه‌اندازی یک انتشارات بیفتت اینکه کتابی ۴ سال در انتظار یافتن یک ناشر ماندت انگیزه‌ای شد تا با تأسیس نشر دبیرش‌ت کارهای کسانی را که مثل خودم اثری آماده می‌کنند ولی کسی ریسک چاپ آن را نمی‌ستذیرد‌ت منتشر کنم.» ابوالفضل هاشمی می‌افزاید: «سال ۷۷ مجوز نشر را گرفتم و سال بعد کار اصلی را در قالت انتشار ۷ کتات آغاز کردم.»

هر ۷ کتا در حوزه کتابداری و طلاع‌رسانی وتند

نمت ۲ کتات در مورد کتابداری بود و ۵ کتات دیگر در حوزه کامپیوتر و اینترنت. ستس از آن سیاست ما بر این قرار گرفت که اختصاصاً کتات‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی را چاپ کنیم.

کتات‌های درسی دانشگاهی

نشر دبیرش در مدت کوتاه فعالیتش موفق شده است کتات‌های ارزشمندی را منتشر کند به گونه‌ای که هم‌اکنون بیش از ۵ کتات آن جزء کتات‌های درسی دانشگاهی (در رشته کتابداری) هستند. هاشمی در مورد

کتات‌های منتشره دبیرش می‌گوید: «در ابتدا کار را با چاپ کتات‌های کامپیوتری شروع کردیمت بو، ه کار کسانی که اسم نداشتند ولی اثرشان ارزنده بود. بعدها دیدیم این دسته آثار زیاد هستند و کار را سترد‌یم به دست یک هیأت سه نفری از ویراستاران هر کتابی را که آنها تأیید می‌کردند‌ت چاپ می‌کردیم.

البته هر کتابی که می‌رسیدت صفحه عنوان را برمی‌داشتم بعد ارجاع می‌دادم به ویراستاران تا تحت تأثیر نام نویسنده (مشهور یا گمنام) کتابی تأیید نشود بلکه تنهات معیار محتوای خود کتات باشد.» وی می‌افزاید: «البته چند کتات ستزشکی هم داشتیم که دو عنوان آن هم‌اکنون در دانشگاهها تدریس می‌شوند.»

هیأت ویراستاری ۶ نفره

«بعدها که طبق مصوبه آموزش عالی تکالیف کتات جزء امتیازات اعضای هیأت علمی دانشگاهها شدت تصمیم گرفتیم یک هیأت ویراستاری ۶ نفره از اساتید دانشگاه تشکیل دهیم که کتات‌ها را قبل از انتشار بررسی کنند. معیار ارزشمند بودن یک کتات جهت چاپ برای ناشران بزرگت دولتی و دانشگاهی مشکل نیست ولی ناشران کوچک مثل ما مجبورند به خاطر امتیاز هیأت علمی هر کتابی را چاپ نکنند.»

مدیر نشر دبیرش به همراه کتات‌هایش دو سال در نمایشگاه بین‌المللی کتات تهران شرکت کرده ولی امسال به‌خاطر مسائل اداری و شغلی نتوانست در این نمایشگاه حضور یابد ولی امیدوار است که سال آینده با قدرتت جزء ناشران شرکت کننده در نمایشگاه باشد.

نگاهی به لیست و محتوای برخی کتات‌های نشر دبیرش

چاپ ۲۷ کتات در کارنامه فعالیت ۴ ساله نشر دبیرش قرار دارد: ۱- آموزش کامپیوتر و ه نظام بهداشتی و درمانی (مهندس رامین مهدی قلی خان) ۲- آموزش کتابداری در کشورهای حوزه خلیت فارس (دکتر احمد شعبانی) ۳- آینده دیجیتال کتابخانه‌ها (عباس گیلوری) ۴- اصول عملی و نظری آزمایشگاه بیوشیمی (دکتر بطحائی‌ت رزمی‌ت خیاطیان) ۵- ایمونولوژی ستزشکی (دکتر مهدی غفوریان) ۶- اینترنت در علوم ستزشکی (مهندس رامین مهدی قلی خان) ۷- اینترنت و کاربرد آن در کتابخانه‌ها گزیده مقالات (دکتر حسن کیانی) ۸- تحلیل هزینه‌ها در مراقبت‌های بهداشتی (مهدی قلی خانت صدر ممتاز) ۹- تکامل کتات (دکتر علی شکویی) ۱۰- جست‌وجوی اطلاعات علمی و ت وهشی در منابع چاپی و الکترونیکی (دکتر محمدرضا داورت‌پناه) ۱۱- حفاظت و نگهداری از مواد و اسناد کاغذی (دکتر علی شکویی) ۱۲- روش احیای قلبی ریوی و کمک‌های اولیه (دکتر عباسرادت عرت‌نیا) ۱۳- رهنمودها و استانداردهای کتابخانه‌های عمومی (علی حسین قاسمی) ۱۴- رنالیسم و ت وهش تربیتی (دکتر شعبانی‌ت شجاع رضوی) ۱۵- فوریت‌های اکسل ۲۰۰۰ (عباس گیلوری) ۱۶- فوریت‌های اینترنت (موسی جعفر بیگلو) ۱۷- فهرست‌نویسی توصیفی در کتابخانه‌ها (عباس گیلوری) ۱۸- فهرست‌نویسی و رده‌بندی برای کمک به کتابداران (ابوالفضل هاشمی‌ت داریوش مطلبی) ۱۹- کاربرد لیزر در ستزشکی و ایمنی (دکتر عباسرادت دکتر چنگیزی) ۲۰- کتابخانه‌های دیجیتالی‌ت گزیده مقالات (دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی) ۲۱- گام به گام با اینترنت (محمود حافظیان) ۲۲- گامی در ادبیات کودکان و نوجوانان (سعید غفاری) ۲۳- گامی در سوادآموزی (سعید غفاری) ۲۴- مبانی کامپیوتر (مهندس رامین مهدی قلی خان) ۲۵- مدیریت نشریه‌های اداری (دکتر رحمت‌الله فتاحی) ۲۶- مدیریت و ایمنی در اتاق عمل (دکتر عباسرادت دکتر عابدی) و ۲۷- واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی‌ت ویرایش دوم (ابوالفضل هاشمی) البته سه عنوان از این کتات‌ها کار مشترک دبیرش‌ت فرم بند و اندیشه فرزانگان است و تعداد تدکی نیز زیر چاپ هستند و تا شهریور امسال وارد بازار کتات خواهند شد.

کتات «کتابخانه‌های دیجیتالی» گزیده مقالات همایش سراسری به سوی کتابخانه‌های دیجیتالی: تغییر یا تحول کتابخانه‌های سنتی است که به همت انجمن علمی- دانشجویی کتابداری دانشگاه الزهرا در اردیبهشت ۱۳۸۰ برگزار شده است. کتابداری دیجیتال‌ت فناوری اطلاعات و اطلاع‌رسانی و تأثیر آن بر روند توسعه کتابخانه‌ها مرور بر نقش کتابداران در کتابخانه‌های عصر دیجیتال‌ت مفهوم کتابخانه دیجیتالی‌ت جهان سوم و دنیای دیجیتال و حق مؤلف در عصر دیجیتال‌ت عنوان برخی از مقالاتی است که در هر فصل کتات آمده است.

جست‌وجوی اطلاعات علمی و ت وهشی در منابع چاپی و الکترونیکی کتات دیگری است که نشر دبیرش بهار سال گذشته برای نخستین بار آن را منتشر کرد. این کتات در ۶ فصل و ۳۳۰ صفحه شامل مباحثی چون ت وهش و منابع اطلاعات‌ت چگونگی دسترسی به منابع اطلاعاتی چاپی‌ت منابع الکترونیکی و شیوه‌های جست‌وجوی اطلاعات‌ت جست‌وجوی اطلاعات در اینترنت‌ت منابع اطلاعاتی فارسی و منابع اطلاعاتی خارجی می‌باشد. اما یکی دیگر از کتات‌های نشر دبیرش را که هم‌اکنون جزء متون درسی دانشگاهی است‌ت دکتر رحمت‌الله فتاحی با همکاری یزدان منصوریان (کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی) نوشته است با عنوان: مدیریت نشریه‌های اداری‌ت (جنبه‌های نظری و کاربردی گزینش‌ت فراهم آوری‌ت سازماندهی و ارائه خدمات اداری‌های چاپی و الکترونیکی. این کتات ارزنده ستا پیز سال گذشته منتشر شد که برخی مباحث مطروحه در آن عبارتند از: تاریخچه نشریه‌های اداری در جهانت تولد نشریه‌های اداری در ایرانت اصول مجموعه‌سازی و گزینش نشریه‌های اداری‌ت معیارها و ابزار گزینش و خرید و دریافت این نشریه‌هات نظام رایانه‌ای مدیریت و کنترل اداری‌هات استانداردها و نظام‌های توصیفت شناسایی و سازماندهی اداری‌هات نشریه‌های اداری الکترونیکی و منابع مدیریت اداری‌ها در اینترنت.

ناشران‌ت خیّرین فرهنگ‌ساز

هاشمی معتقد است: «در نشر سودی وجود ندارد‌ت انتظار هم نداریم به این زودی از این کار سودآوری داشته باشیم مثل کسانی که مدرسه یا مسجد می‌سازند و به آنها خیرین مدرسه‌ساز یا مسجدساز می‌گویند‌ت ناشران هم خیرین فرهنگ‌ساز هستند که در واقع از جیت خود می‌زنند تا به فرهنگ مردم خدمتی کرده باشند.» وی می‌افزاید: «به غیر از کتات‌های سیاسی و کمک‌درسی (یک بار مصرف)‌ت ناشران بخش علمی‌ت سود آنچنانی از کتات‌ها نمی‌برند. ما هم انتظار سود نداریمت بخصوص که جامعه کتابداری کوچک است و بازاری نداره ولی امیدواریم بتوانیم همین جامعه کوچک را راضی کنیم. هر ناشری سعی می‌کند که موقعیت آینده‌اش را مستحکم کند. هر کتابی که الان چاپ می‌کنیم خشتی است برای ساختمانی که خواهیم زد تا به لحاظ موضوعی و اعتبار علمی مستحکم باشد. به نحوی که هم استفاده‌کننده هم ستدید‌آورنده به این انتشارات اعتماد کنند.

مدیر نشر دبیرش درباره توسعه فعالیت‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی مثل انتشار یک نشریه می‌گوید: «در حال حاضر انتشاراتمان جوان است ولی در نظر داریم که اگر امکاناتش مهیا شود آن را وسعت بدهیم بنا داریم با توجه به شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اینترنت یک سایتی راه‌اندازی کنیم که مقالات و کتات‌ها در آن قابل دسترس باشند تا خیلی‌ها که نمی‌توانند کتات‌ها را تهیه کنند از آن طریق بتوانند استفاده کنند.»

برخی ناشرانی که اختصاصاً کتات‌های رشته کتابداری را منتشر می‌کنندت در کنار کار نشر اقدام به برگزاری برخی دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی هم می‌نمایند‌ت شما در برنامه‌های آینده‌تان این موارد را ستیش‌بینی نکرده‌اید؟

می‌شود این کلاس‌ها را برگزار کرد ولی در حیطه کار ما نیست. معتقدم اگر ما آموزش عالی را قبول داریم نباید چنین کلاس‌هایی را بگذاریم و سودآوری کنیم. کار نشر سودآوری نیست بلکه نوعی فعالیت فداکارانه فرهنگی است. هر کس باید در حیطه و چارچوت خاص خودش عمل کند. ضمن اینکه تدریس و آموزش باید همراه با سواد و اطلاعات کافی باشد که معلوم نیست خیلی از برگزارکنندگان چنین صلاحیتی را داشته باشند.

یادداشت

محمد فرجزاد

تیرامون نقدنویسی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی

رسی که (Book Review) به‌منظور بیان اطلاعیه‌ی تخصصی یک حوزه‌ی رد. ز دیدگاه که در زن و اطلاع‌رسانی که حوزه‌ی نقل اطلاعات محتوی می‌شود و بین گروه‌درفرهم وری سازمندی و شعبه اطلاعاتی نقش سی‌دارند به‌طرح یک حوزه‌معرفی نقد و رسی که در بین حوزه‌ز همه‌وه‌ی رخورد رسی.

نشر و ناشران ایران با هدف ترویت و گسترش جامع و کامل هر یک از شاخه‌های علوم خویش به سوی نشر تخصصی می‌روند. نشر در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی هم از این رویکردی بی‌بهره نیست و با شدیدار شدن چند ناشر که آثاری مختص این حوزه منتشر می‌کنند این شدیده نمایان‌تر شده است.

آثاری که این ناشران در برنامه انتشاراتی خود قرار می‌دهند و برخی را هم به زیور طبع می‌رسانند بی‌تردید بی‌نیاز از نظام سالم نقد و بررسی نیستند.

باز خوران FeedBackاین نظام نقد و بررسی به جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران بر خواهد گشت. از این رو نشریه‌های تخصصی این حوزه نقش اساسی در فراهم‌آوری بستر لازم برای انتشار نقد و بررسی کتاب خواهد داشت.

به زعم نویسنده این سطور اگر انجمن نویناد «کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران» برخی از نشست‌های تخصصی خود را صرف نقد و بررسی آثار تازه انتشار یافته کند به استواری و تقویت نشر متون معتبر در این حوزه کمک خواهد کرد.

نکاتی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد برخی از شیوه‌های رایت در نگارش نقد و بررسی آثار مکتوب است:

شمه‌ای از کارهای نقدنویس

- انتشار کتاب به عنوان رویداد و حادثه‌ای فرهنگی در بخش «بررسی کتاب» با ذکر اطلاعات کتاب‌شناختی شرایطی که طی آن اثر شدید آمده و توصیف ظاهری اثر آغاز می‌شود.

- اظهارنظر در باب هر کتاب با مرور کامل «مقدمه» که هدف از انتشار اثر را بیان می‌دارد همراه است. بررسی «فهرست مندرجات» دیگر دست‌افزار نقدنویس خواهد بود.

- مرور کامل متن کتاب و یا بخش‌هایی از آن از ضروریات کار نقدنویسی است. با این کار او به توصیف محتوایی اثر دست خواهد یافت.

- برای ارزشیابی محتوایی قطعاً مقایسه اثر با دیگر آثار هم‌ردیف و هم‌تراز به برخی از نواقص و نکات قوت کار را روشن خواهد کرد.

- با مرور کامل اثر علاوه بر سنجی بردن به برخی از نارسایی‌های کار به اثبات یا نادرستی وعده‌های مؤلف در مقدمه سنجی خواهیم برد.

- هدف اصلی از نگارش نقد و بررسی هر اثر کمک به اصلاح کار و اطلاع‌رسانی به مخاطبان کتاب برای تصمیم‌گیری درست در باب تهیه و مطالعه کتاب خواهد بود.

- بیان و شیوه ارائه نقد و بررسی اثر می‌تواند در تکوین و تکمیل کار نقش بسزایی ایفا کند. از این رو ارائه نظام‌مند و تنظیم درست نقدها از اهمیت فراوانی برخوردار است.

- ارائه سنجشنهادهای مؤثر و دست یافتنی برای تکمیل و اصلاح کار در شتابان می‌تواند به شدیدآورندگان اثر یاری رساند.

- بیان شفاف و با وضوح و تأکید بر مسائل اصلی اثر از دیگر کارهای نقدنویسان با تجربه است.

- بررسی استنادات و ارجاعات اثر از این حیث که درست و بجا در متن از آنها بهره برده شود و همچنین بررسی منابع استفاده شده از این رو که ناقص و ضعیف نباشد.

- در بررسی‌ها به این مطلب اشاره خواهد شد که آیا هدف مؤلف و ناشر اثرت سنجر کردن خلأ اطلاعاتی در باب «موضوع به بحث نهاده شده» است؟

در مبحث «ناشرشناسی» به راه و رسم ناشر در انتخاب مؤلفت میزان توفیقش در این کارت چند و چون انتشار اثر و حوزه تخصصی ناشرت‌رداخته می‌شود.

دامنه موضوع

جای تردید نیست که حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی‌ت با توجه به ماهیت و مباحث نظری و عملی آن‌ت با دیگر

حوزه‌های دانش بشری داد و سند علمی دارد. از این رو برخی از دانش‌های نزدیک چون ارتباطات انفورماتیک‌ت نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی از مباحث اصلی مطرح در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. برخی مباحث دیگر چون زبان‌شناسی‌ت و زبان‌شناسی‌ت آموزش و نشر و دانش‌ت محظوظیت فلسفه‌ت تاریخ علمت ریاضیات و... جزء مسائل ثانوی مطرح هستند.

در «بررسی کتاب» هم به گمان راقم این سطور ت باید به مباحث اصلی مطرح در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی توجه جدی شود. قطعاً نقد و بررسی متون مرتبط با این حوزه‌ها می‌تواند چشم‌انداز و روزنه‌های تحقیقاتی وسیع‌تری ت‌پیش روی محققان حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بگشاید.

نقدنویسان

ناقدان در نقد و بررسی کتاب به ارزشیابی محتوایی اثر دست خواهند یازیدت از این رو کسانی توانایی نگارش نقدها و بررسی‌های مؤثر را خواهند داشت که به موضوع کتاب و چگونگی تدوین و ارائه اثر مسلط باشند.

بنابراین بایستی متناسب با اثر انتخاب شدت نقدنویس قابل اطمینان یافت. قطعاً مشاوره و رایزنی برخی نقدنویسان با صاحب‌نظران و متخصصان حوزه‌های یاد شده در بخش گذشته می‌تواند راه‌گشای کار باشد.

از دیگر سو دوره‌های آموزشی در باب چگونگی نگارش نقد و بررسی کتاب به همت برخی نهادهای مرتبط با کتاب و تدوین شیوه‌نامه‌هایی برای نقدنویسان می‌تواند نقش مؤثری در توفیق کارشان ایفا کند.

مراجع:

عبدالحسین آذرنگ‌ت «مبانی نشر کتاب»ت تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)ت ۱۳۸۱.

جابی حویت اَیْن نگارش علمی»ت تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور»ت ۱۳۸۰.

اِیْلین رمدلی«ت «وشتن نقد و بررسی: در سهایی که با درد و رنت آموخته شد»ت ترجمه عبدالحسین آذرنگ»ت کتاب ماه ادبیات و فلسفه»ت ش ۱۶ (آذر ۱۳۸۰).

گستره

حترم هدی

کتابخانه اسکندریه

Alexandrina Bibliotheca

چه وجه تشابهی بین بطلمیوس منجم یونانی و تیم برنرز لی (Tim Berners Lee) هست؛ در حالی که یکی از آنها (بطلمیوس) از افراد برجسته مصر قدیم و کاشف یک موزه تاریخی و دیگری یک شهروند معمولی آمریکایی و مخترع شبکه جهانی وت است. یکی در آرزوی دستیابی و جهانگیری و جمع‌آوری همه اطلاعات دریک جا و دیگری گردآورنده گنجی باارزش امانه گنجی مادی بلکه علمی و فکری است. در حالی که اینترنت ما را به این قله رفیع که در انتظار رسیدن و دیدن آن هستیم خواهد رساند. ما می‌دانیم که بطلمیوس به این مهم بسیار نزدیک شده بود اما سرنوشت به او مهلت نداد و در مقابل او قد علم کرد.

استفاده عموم از کتابخانه جدید بیبلیوتیکا آلکساندرینا (Alexandrina Bibliotheca) در سواحل اسکندریه مصر در سال ۲۰۰۲ آغاز شد. این شروزه ۳۲۰ میلیون یورویی به منظور بادبودی از عزم و اراده شکوه روزهای گذشته است. در هیچ مکان و هیچ زمانی هیچ کتابخانه‌ای این همه شگفتی را به همراه نداشته است. بعداز کتابخانه بطلمیوس که ۲۳۳۵ سال پیش در اسکندریه ساخته شدمت این دومین کتابخانه‌ای است که باعث این همه شگفتی و تحسین شده است. این شهر ۶ سال بعد از اسکندر کبیر شدیدا شد و از آن به بعد به شایگاهی علمی و منطقی تبدیل شد.

برای این مرکز مناسب‌ترین و بهترین نامی که می‌توان انتخاب کردت «یک اندیشگاه و مرکز ت وهش» است. در چند صد متری این کتابخانه در سمت دیگر بندرت فانوس دریایی فاروس با ارتفاع بیش از ۴۰۰ متر ساخته شده که یکی از عجایت هفتگانه به‌شمار می‌آید. نور این فانوس هم کشتی‌ها و هم دانشمندان زیادی را به سمت اسکندریه جذت کرده است و باعث انتخاب این شهر به عنوان ت‌اینخت شده است. قبل از اینکه این کتابخانه در آتش سوخته شودت متجاوز از ۳ قرن ت‌پی‌درتپی به‌عنوان مرکزی برای تمام علوم مدیترانه محسوت می‌شده است. تاریخ‌نویسان در مورد محل شروع آتش‌سوزی و علت وقوع آن مطمئن نیستند اما این را می‌دانند که مسؤولیت این آتش‌سوزی بر عهده ژنرال رومی سزار است. تئوری از این قرار است که وقتی ارتش او قصد حمله به کشتی‌های دشمن را داشتند آتش‌سوزی گسترش یافتت به سمت کتابخانه کشیده شدمت باعث از بین رفتن آن شده و بیش از ۷۰۰ طوماری را که در آنجا بوده به خاکستر تبدیل کرده است.

۲۰۰۰ سال بعدت به مردی به نام لوفتی دوایدار (Lofty Dowidar)- مردی که همیشه لبخند شادی بر لت داشت- برمی‌خوریم که جراح و معاون اسبق دانشگاه اسکندریه و نهایتاً فردی ت‌رتلاش و خستگی‌ناتذیر است. وی و دوستانش بیش از ۳۰ سال برای بازسازی این کتابخانه تلاش کردند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ت سازمان یونسکو قدم به میان گذاشت و به دنبال آن معماران بسیاری برای شرکت در مناقصه‌هایی دعوت شدند و از میان ۱۴۰۰ نفر کار به فردی از نروژ به نام اسنوهیتا (Snohetta) سترده شد. طی کنفرانس آسوان در سال ۱۹۹۰ عربستان صعودیت امارات و عراق حمایت مالی خود را از این کار بزرگ اعلام کردند و کشورهای غربی نیز قول همکاری در زمینه‌های علمی و تجربی را دادند و کار از ۱۵ می ۱۹۹۵ آغاز شد.

سنت اکسوپتری (Saint- Exupery) داستان‌نویس (رمان‌نویس) فرانسوی و نویسنده کتاب شازده کوچولو (le Petit prince) می‌نویسد: اگر می‌خواهید یک کشتی بسازید افراد را برای جمع‌آوری چوت جمع نکنید بلکه کار را میان آنان تقسیم کنید و دستور بدهید. به جای اینکه به آنها بیاموزید که در حسرت و افسوس دریای بی‌کران باشند. برای اینکه این شروزه با موفقیت به اتمام رسد و باعث تحریک افراد در کست دانش ت تفکر و اکتشافت در علومت فناوری و گفت‌وگوی تمدن شوندت این سخن می‌تواند آغازی خوت و مؤثر باشد.

ساختمان این کتابخانه بسیار باابهت است. یک صفحه کامپیوتری درخشنده و غول‌تیکر که به طلوع خورشید در دریای مدیترانه شباهت دارد. این صفحه که ۱۶۰ متر قطر دارد دو کاربرد دارد: یکی اینکه ما را به یاد خدای خورشید مصر قدیم را (Ra) می‌اندازد و دیگر اینکه سمبلی از یک روز جدید است و به علاوه این صفحه خورشید مانند دریچه‌ای از مصر رو به جهان و دریچه‌ای از جهان به روی مصر است.

این ساختمان ۳۳ متری به‌وسیله دیواری احاطه شده است و این دیوار خود شامل ۴۲۰۰ سنگ گرانیت است که بر روی این سنگ‌ها حروف الفبای همه کشورها همراه با زبان تصویری مصر باستان تراشیده شده است. افرادی که برای مشاهده این مکان داخل این محوطه می‌شوند با هر قدمی که به پیش می‌گذارند این حقیقت را در می‌یابند که زندگی غنی‌تر و جالت‌تر از آن چیزی است که ما می‌خوانیم و می‌نویسیم.

از عجایت دیگرت اتاق مطالعه در زیر سقف خورشید است. اشعه خورشید با عبور از فیلترهای خاص باعث ایجاد یک نور ملایم در داخل فضای ساختمان می‌شود. حدود ۲۵۰۰ ایستگاه کاری وجود دارد که در ۳۰۰ ایستگاه استفاده از کامپیوتر و امکانات کامپیوتری مهیاست و کتاب‌های فلسفی‌ت تاریخی‌ت مذهبی‌ت ادبی‌ت هنری‌ت علمی و زبان مختلف در آن به چشم می‌خورد. این کتابخانه قصد دارد که تا سال ۲۰۲۰ تعداد کتاب‌های خود را به ۸ میلیون برساند. هم‌اکنون ۲۵۰ هزار کتاب در این کتابخانه موجود است؛ کتاب‌های بسیاری از نویسندگان برجسته مانند کافکات گونت ویرجینا ولف و کتاب‌هایی از فروید جانگ و میشل فوکو (MichelFoucault) و کتاب‌هایی در زمینه یهودیت مسیحیت بودات اسلام و بسیاری کتاب‌های ارزنده دیگر.

اما هنوز افرادی هستند که می‌ترسند در دوره اینترنت چه کسی به چنین کتابخانه‌هایی نیازمند است. چه سؤال تفکرانگیزی! کمتر از ۰/۱ درصد از کل کتاب‌ها و ژورنال‌های موجود در سراسر دنیا وارد شبکه اینترنت شده و ارزش فوق‌العاده این کتاب‌ها به‌خاطر قدمت آنهاست. به‌غیر از اینکه هر کسی که در اتاق مطالعه مطالعه می‌کرده است به این مسأله واقف بوده که جدا بودن از سایرین در هنگام مطالعه به تمرکز حواس کمک می‌کرده است.

زنانی که در این مکان کار می‌کنند مترجمان فوق‌العاده‌ای هستند و آنچه موجت شگفتی است شوق بسیار آنها در انجام کار برای کتابخانه است. آنها هنوز بر این عقیده هستند که تحصیل و دانش هنوز بهترین مقصد و هدف برای به‌دست آوردن استقلال و مساوات است. بیش از ۵۰۰ مرد و زن سخت‌کوش هر روز برای ارائه خدمات در این مکان آماده هستند. در ورای این ۱۰ طبقه از کتاب ۱۱ طبقه هم شامل ادارات آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌هاست. این اتاق مطالعه مجموعه‌ای از صبر و حوصله بسیار در تعمیر و بازسازی آن کتابخانه تلاش کرده‌اند و این کار در واقع به آنان زندگی دوباره‌ای داده است.

اگر هنگام غروت کنار دریا قدم بزنید منظره رومانتیکی نظر شما را جلت خواهد کرد. چشمان کهربایی (زرد) میکروچیف در یک طرف و در سمت دیگر نور آبی گنبد (فلاک‌نما) که از انواع جدید است و بین این دو مکان شنلی که باعث ارتباط این دو نقطه است که از خود نوری سفید ساطع می‌کند.

یکی از متصدیان این کتابخانه می‌گوید: این محل به «مرکز علمی» ت‌رهاهویی تبدیل شده و این عبارتی زیبا از فردی شایسته است. نگاه مصر به دنیا و نگاه دنیا به مصر است؛ با چشمانی باز و ت‌ریصیرت.

نکره

ژیلا: سری - سری

تکلیف ذوق‌های سرکوت شده چیست؟

ژ مه محـ میزخ نم: سری که کـ هفته و شور و شیق یش ن ری ژ رهمد لانش قدرگفتنی د رد که تو زی ه مقدمه ند شه شد. مطـ رسـ لی یش ن رخلاف نچه ت کنون ز دوست ن دیگر شهرست نی درو ق کرده یم کنده ز میدو ری و ه گفته خودش ن خوش شـ ی سـ .

مدت‌ها بود می‌نوشتم. سرانجام تصمیم گرفتم برای عینیت بخشیدن به نوشته‌هایم آنها را به چاپ برسانم. ـتس از گرفتن مجوز به چند ناشر در شهرمان مراجعه کردم برایم جالب بود. هیچ کدام نوشته‌ام را نخواندند. فقط با خط کش ابعاد کار را اندازه گرفتند ـت محاسباتی انجام دادند و گفتند فلان قدر... هزینه فیلم و زینک و کاغذ و چاپ. هزینه چاپ از شما چاپ از ما. در خصوص ـتبخش تعهدی نداریم.

به چند ناشر در تهران فکس فرستادم تا در صورت تمایل نمونه کتابم را برایشان بفرستم. اما هیچکدام جوابت ندادند. چند ماه بعد (اردیبهشت ۸۱ بود) که برای آزمون ارشد به تهران آمدم. همان وقت با ناشران زیادی تماس تلفنی گرفتم شاید حدود ۳۰ تا ۴۰ ناشر (کودک و غیره) اما بعد از سلام و احوال ـترسی کل مکالمه این بود.

-ـتذیرش برای چاپ دارید؟

در چه خصوص؟

- کودک.

-ترجمه یا تألیف؟

تألیف.

تا حالا کار چاپ شده داشتید؟

-نه.

بیخشید. متأسفانه ـتذیرش برای چاپ نداریم. بعضی‌ها تا سال آینده جای خالی نداشتند و صحبت‌هایی از این قبیل.

حضوراً به چند ناشر مراجعه کردم. آن هم خیلی فرق نداشت.

خانم منشی‌ها هم خانم منشی بودند. هم مسؤول امور فرهنگی و گویا با حفظ سمت مدیر نشر هم بودند چون جای همه ـتاسخگو بودند. یکی دو جا از من ـترسیدند کسی شما را معرفی کرده...؟

نمی‌دانم که کاش می‌دانستم اگر کسی مرا معرفی می‌کرد اوضاع چقدر فرق می‌کرد.

تصمیم گرفتم دیگر به چاپ کتابم فکر نکنم. شت ـتپش از بازگشتم به ـتبازرگرفته بود بهت دیر وقت بودت آقایی در ـتبادله در وسایط کتاب داشتت به کتاب‌ها نگاهی انداختیم و یکی را خریدم تا در راه بازگشت بخوانم. به حست عادت آن چند وقت بلافاصله نگاهی به ناشر کتاب انداختم. از آنجایی که به نشانه‌ها اعتقاد دارم. صبح روز بعد با آن ناشر تماس گرفتم. برای عصر آن روز با من قرار گذاشتند. ـتس از مراجعه و دیدن نمونه کتابم برای مطالعه و بررسی ـت ۳ روز مهلت خواستند اما صبح روز بعد با من تماس گرفتند و قرار بعدی را گذاشتند و... سرانجام کتابم به چاپ رسید.

به همان قشنگی که فکرش را نمی‌کردم.

مدتی بعد برای انجام کاری به اداره ارشاد شهرمان مراجعه کردم. در آنجا از من خواستند تا نسخه‌ای از کتابم را برای آرشیو اداره ببرم. من هم نوشته‌های چاپ نشده را برایشان بردم. دو سه روز بعد هم تماس گرفتند و از من دعوت شد تا در مراسم تقدیر از خادمان کتاب ناشران و نویسندگان شرکت کنم. در ـتپایان برنامه ناشر برتر مازندران معرفی شد و بعد اسم مرا به عنوان نویسنده برتر استان اعلام کردند. من خوشحال شده بودم اما خوشحالی‌ام میان ناباوری‌ام گم شده بود.

نامه باید کوتاه باشد. من همه سختی‌ها و دوندگی‌هایم برای چاپ کتاب و همه موانع که بارها و بارها ذوقم را برای چاپ نوشته‌ام سرکوت کرده بود برایتان ننوشتم. یک نویسنده در ابتدا باید رستم باشد تا بتواند این مراحل را طی کند. خلاصه گفتند نویسنده برتری و لوح دادندت سکه هدیه کردند. روزنامه و هفته نامه‌های استانی عنوانم را مطرح کردند. از صدا و سیمای استان برای برنامه نوجوانان دعوت شدم. این‌ها مهم نبود من می‌خواستم نوشته‌ام چاپ شود که به خواست خدا چاپ شده بود من به شما نامه ننوشته‌ام که بخواهم عنوانی را عرضه کنم. من نویسنده نیستم که بخواهم برترین باشم من تنها می‌نویسم و هنوز اول راهم. الان که برای شما می‌نویسم می‌خواهم بدانم تکلیف ذوق‌های سرکوت شده چه می‌شود؟ تکلیف نوشته‌هایی که فقط ابعادشان اندازه‌گیری می‌شود و چست؟ تکلیف برترین‌هایی که می‌دانیم داریم اما به جرم نوـتبایی محکوم‌اند چیست؟ من می‌خواهم بدانم تکلیف همه آنها که مثل من خوش شانس نبوده‌اند چه می‌شود؟ من به شما نوشتم تا به آنهایی که مثل من اند بگویم صبوری کنید از آنهایی که فرصت می‌بخشند ممنونم و با آنها که فرصت‌ها را می‌گیرند حرفی ندارم.

از شما و از فرصتی که برایم ـتپش آوردید ممنونم.

این هفته با ستاره چگینیان سراینده مجموعه «از تو زنده‌ام»

سخت است شاعر ماندن

گام اول

نچه که مروزه ید بیشتر ز خود شعر ه ن رد خته شود نحوه رد ختن ه مخ ط ین رشته د ی سـ . ه عنو ن یک ش عر و ن گویید ر شعر مروز مخ ط ند رد و گونه ید ین ز رسـ ی ر ز ین رد

ـتراهمیت‌ترین مطلبی که باید در شعر نو به آن توجه شود به نظر من وجود صداقت و جسارت است. متأسفانه در شعر امروز صداقت کمرنگ شده است و شجاعت و جسارت افراد نیز برای بازگو کردن حقایق چه در موضوعاتی که شخصی است و چه اجتماعی کمتر شده است. خیلی از حرف‌های واقعی را که نشان از واقعیت زندگی داردت در شعر کمتر می‌بینیم. ما باید صادقانه حرف بزنیم که البته باید بدون هیچ سانسوری به ـتبیرامون خود و حتی خودمان بنگریم و با شجاعت و جسارت ـت آنچه را می‌نگریم و در می‌یابیم با هنر درآمیزیم و بنویسیم.

ز ن مروز ز نکتیک سـ خودشه قدر ه عنصر تکنیک مخصوص شعر مروز و ندید وز ه ند زه ه محو همیه می‌دهید

من همواره معتقدم که شعر مانند ـتزنده‌ای‌ست که برای اوت گرفتن در آسمان ادت نیاز به دو بال نیرومند اندیشه و تکنیک دارد. این دو از ابزار مهم شعر و شاعری محسوت می‌شوند. همانقدر که نداشتن اندیشه زیبات جذابت و قدرت فکری قوی و ذهنیت موسیقایی به اساس شعر لطمه وارد می‌سازد بهره نبردن از صنعت شعر و تکنیک صحیح و متناسب روز موجت دلزدگی مخاطب از شعر می‌شود. لازم است هر کسی در این عرصه چارچوت خاصی برای خودش داشته باشد که او را از دیگران متمایز کند و لزوم خواندن شعر او را برای تمایز داشتن از شعر دیگران روشن سازد.

ز دیدگ ه شمـ د ی زه نه و مرد نه و ود د رد

بسیار مایلم در ـتاسخ به این سؤال هم

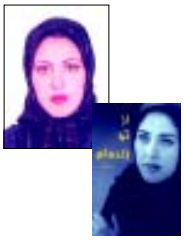

بگویم بله و هم خیرت زیرا معتقدم شعر من همواره زنانه است. زیرا فریادزن بودن من است. من یک زنم ـتس زنانه می‌نویسم از نوشتن این مطلت هیچ ابایی هم ندارم اگر غیر از این بنویسم ـتبس از اصل خود جدا افتاده‌ام و شعر یک آواز صمیمی و صادقانه از جوشش واقعی غرایز و افکار من است که از جسم و روحم سرچشمه گرفته است اما چرا خیر؟ زیرا شعر و نویسنده و خواننده آن را نمی‌توان به این عناوین محدود کرد. شعر خوت و ارزنده برای همه است. من هم شعر مردانه را دوست دارم و هم شعر زنانه را چون شعر زنانه را کاملاً درک می‌کنم با تمام وجودم و افکار مردانه تکمیل کننده نگرش‌های کلی من نسبت به وجود انسانی من است. ـتس شعر یکی هست و دو تا نیست ـت شعر یعنی جوشش فکر و روح انسان با نگارشی ظرافتمندانه و آهنگین.

ز ژ هم: لان خود مط لعه می‌کنید، خیر

بدیهی است که بسیار مشتاقم شعر جدید بخوانم. راستش از خواندن شعرهای قدیمی البته در همین حیطه شعر نو گاهی خسته می‌شومت به سراغ کتابفروشی‌ها می‌روم و هرچه کتاب جدید که به نظرم جالت می‌رسد خریداری می‌کنم اما متأسفانه مقدار کمی شعر خوت نظرم را جلت می‌کند: شعری که در من تحول‌ت انگیزه و شوق ایجاد کند. گاهی مأیوس می‌شوم آخر به خواندن شعر تازه مثل هوای تازه به قول شاملو نیاز دارم یا نمی‌یابم یا به سختی. آنوقت است که برای هزارمین بار به سراغ شعر شاعران معاصر اما قدیمی‌تر می‌روم و همان شعرها را زمزمه می‌کنم. البته این روزها بیشتر دغدغه شعرهای خارجی را دارم در این زمینه گاهی خودم دست به ترجمه برای استفاده شخصی می‌زنم یا از ترجمه دیگران استفاده می‌کنم.

و حرف خر

حرف آخر اینکه وضعیت شعر امروز بسیار غم‌انگیز شده . عوامل بسیاری وجود دارد که به این وضع دامن زده است: ت از کمی مخاطت گرفته تا وضع چاپ و مسائل دیگر. امروزه فقط در یک جمله می‌شود گفت که شاعر بودن و شاعر ماندن کار سختی است. بیشترین ناشران یا از به خطر افتادن سرمایه‌های خود در هراس هستند که البته شاید آنها برای خود دلایلی دارند یا ترجیح می‌دهند از شاعران با سابقه‌تر و با اسم و رسم کتابت چاپ کنند. در این میان با وجود مشکلات فراوان انگیزه شاعران جوان برای نوشتن کارهای ارزشمند کمتر می‌شود و اگر بخواهی ـتبابدار بمانی و خودت را محک بزنی و اگر معتقدی که می‌توانی خدمتی انجام دهی باید از خیلی مشکلات ترسی به دل راه ندهی و خلاصه اینکه دل را به دریا بزنی. امیدوارم شاهد ـتپیشرفت شاعران فعلی و بروز شاعران بهتر همچون یک ـتدیده در عالم هنر مثل آنچه که قبلاً در ادبیات ما بسیار اتفاق افتاده است: باشیم و این عرصه که به نظر می‌رسد کمی خالی است به مدد نویسندگان برجسته کم‌کم ـتسرورونق‌تر شود.

از نسل خودمان

نگاهی به رمان لکه‌های ته فنجان قهوه نوشته رضا ارژنگ

این کروکودیل‌های کله‌گچی!

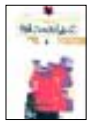

لکه‌های ته فنجان قهوه تکنیک دندانگیری ندارد و به لحاظ ساختاری نمی‌توان در زمره کارهای امروزی به حسابش آورد اما دغدغه نویسنده که می‌توان آن را در کلمه به کلمه رمان ـتبدا کردت خواننده را به دنبال خودش می‌کشاند؛ دغدغه آنچه که امروز به عنوان جدال سنت و مدرنیته از آن یاد می‌شود. تأکید نویسنده بر فروت‌اشی اساس یک خانواده که به گونه‌ای نماد جامعه بزرگتر است با فلاکتی نامحسوس روایت شده و رابطه‌های دور از لحاظ حسی و به گونه‌ای تحمل همدیگر را می‌توان از زاویه‌های مختلف شاهد بود. دنیای بی‌انگیزه و ـتنهان کردن حتی حرف‌های بی‌ارزش از همدیگر و جدال صمیمیت بیرونی و بی‌اعتمادی درونی که نمونه بارزش را می‌توان در بسیاری از خانواده‌ها شاهد بودت رمان را تا حدودی به یک کار قابل تحمل تبدیل کرده است.

واقعیت این است که موت کتاب‌های تازه از نویسندگان جوان و شنیدن عجز و لابه مربوط به آن دیگر دارد به یک عادت تبدیل می‌شود و جدی گرفته نشدن بسیاری از این آثار کم‌کم دارد به یک سنت تبدیل می‌شود. اینجاست که خواننده مجبور است هر کار تازه‌ای از یک نام تازه را با اکراه شروع کند و در این سال‌ها کم بوده‌اند آثاری از این دست که یقه خواننده را بگیرند و به دنبال خود بکشند. البته لکه‌های ته فنجان قهوه هم تا حدودی از این امر مستثنا نیست. اگر ارژنگ نگاه اجتماعی و حس همدلت ـتداری شخصیت‌هایش را مانند بسیاری از کارهای دیگر نادیده می‌گرفت و در میان زمین و آسمان معلق می‌ماندت بی‌گمان همان بلایی را به سر خودش می‌آورد که بر بسیاری از دوستان دیگر رفته. نویسنده در این کار حول محور یک خانواده مانور داده که ادا و اصولشان دهها برابر بزرگتر از حد اجتماعی‌اشان است و این بحث تازه‌ای است و مربوط به بشر مفلوک این دوران.

ـتس ارژنگ خودش و جامعه‌اش را می‌شناسد. نماد کروکودیل کله‌گچی که در همان ابتدا و بموقع به‌طور هنرمندانه‌ای در لابه‌لای متن به کار رفته‌ت از تمامی مناسبات ـتبرده برمی‌دارد: «بادش نیامد که او و بهروز چند کروکودیل گچی درست کردند. کروکودیل هایی بی‌قوارمت گله‌گچی و درست شکل یکدیگر. تنها این را می‌دانست که آن همه کروکودیل کله‌گچی بعد از آن سال‌ها برایش یک مفهوم خاص را تداعی می‌کردت مفهومی که می‌توانست هر چیز عادی‌ت عادت‌ت رفتارهای قالبی و یا حتی غریزه نات را توی آن جا داد...»

در آخر باید گفت که لکه‌های ته فنجان قهوه را می‌شود برای یک بار خوانش انتخابت کرد و حداقل حس تلف شدن دو ساعت وقت را نداشت.

برگزاری مسابقات معصوم‌شناسی در کتابخانه‌های کرمان

برای آشنایی قشرهای مختلف مردم بوی ه دانشجویان و دانش‌آموزان با زندگی معصومان (ع)اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان اقدام به برگزاری مسابقه معصوم‌شناسی در کتابخانه‌های عمومی این استان کرده است که نخستین مرحله از این مسابقات با حضور بیش از ۵هزار نفر برگزار شد.گفتنی است که این مسابقه حول محور زندگی امام حسین(ع)بوده و تاریخ برگزاری مرحله دوم آن متعاقباً اعلام خواهد شد.

۱۴ کتابخانه چهار محال و بختیاری در آستانه تعطیل

۱۴ کتابخانه عمومی چهار محال و بختیاری به دلیل نبود اعتبار لازم در حال تعطیل هستند. مدیر کتابخانه‌های عمومی اداره کل ارشاداسلامی چهار محال و بختیاری‌ت نبودن اعتبارات لازم برای تأمین نیازهای ضروری کتابخانه‌ها و نیروی متخصص برای اداره این کتابخانه‌ها را از دلایل رکود و تعطیل این کتابخانه‌ها دانست.

کتابخانه دانشگاه آزاد نجف‌آباد دیجیتالی شد

باموافقت شورای‌ت وهشی دانشگاه آزاداسلامی‌ت امتیاز شبکه سراسری کتابخانه دیجیتالی به دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد واگذار شد.

برتابی اولین نمایشگاه تصویرگران کتات کودک در شیراز

اولین نمایشگاه تصویرگران کتات کودک در شیراز برگزار خواهد شد. دکتر همائر مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس با اعلام این مطلت افزود: «این نمایشگاه در مهرماه سال جاری در محل دائمی نمایشگاههای فارس برت‌ا خواهد شد.»

عرضه دو هزار جلد کتات در نمایشگاه آزادشهر استان گلستان

به مناسبت هفته وحدت و سالروز آزادسازی خرمشهر،ت نمایشگاه کتات در شهر آزادشهر استان گلستان برگزار شد.

در این نمایشگاه بیش از ۲ هزار جلد کتات در زمینه‌های سیاسی‌ت دینی‌ت ادبی‌ت تاریخی‌ت قرآن کریم و نهت البلاغه عرضه شد.این نمایشگاه که به همت سازمان تبلیغات اسلامی گنبد کاووس برت‌ا شد و تا ۵ خرداد ماه برای بازدید علاقه‌مندان دایر است‌ت ده درصد تخفیف برای خریداران کتات قائل شده است.

جشنواره مطالعه‌ت تحقیق و ادبیات دانش‌آموزی در کرمان

معاون فرهنگی و هنری دفتر برنامه‌ریزی وزارت آموزش و ت‌ررورش گفت: جشنواره مطالعه‌ت تحقیق و ادبیات دانش‌آموزی تابستان امسال در کرمان برگزار می‌شود. اصغر تقی‌زاده شکیا در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا افزود این جشنواره با حضور یک هزار و ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان برتر استان‌های مختلف برگزار می‌شود. وی هدف از برگزاری این جشنواره را هدایت و شکوفایی استعدادهای نسل آینده و نهادینه کردن تحقیق و ت وهش در میان دانش‌آموزان عنوان کرد.

مسابقه کتابخوانی معلمان اردکان

مسابقه کتابخوانی با شرکت بیش از ۴۰۰ نفر از معلمان شهرستان اردکان برگزار شد. محمد افخمی مدیر آموزش و ت‌ررورش اردکان با بیان این مطلت هدف از برگزاری این مسابقه را بالا بردن توان علمی و توسعه فرهنگ کتابخوانی بین معلمان یاد کرد. در این مسابقه کتابخوانی که با موضوع کتات حماسه حسینی شهید مطهری برگزار شدت به ترتیبت فاطمه افتخاری‌ت فاطمه‌السادات انصاری و عصمت ت‌ورروستایی مقام‌های اول تا سوم را به دست آوردند و به ۱۲ نفر از برترین‌های این مسابقه نیز لوح تقدیر و هدایایی اهدا شد.

گفت‌وگو با فاطمه ولیانی‌ت مترجم کتات تاریخ جنون

جنون در عصر کلاسیک ؛ دوباره با میشل فوکو

گفت‌وگو

ح ن ظهوری

فوکو در ین پهره ی شد خته‌شده س و فر د هل مط لعه که رو نشت سی وفا قی کم و پش ین فیا وف -رو نشت س قرن ی تم شد یی د رند. ین شد یی ه خ طر و ود تر همه ی رخی ز ژ ر فوکو م ند م ر ژ وتد یه تولد زند ن ررسی یک روند ه قبل نظم گفت ر ین یک ت ن ت و ی ژ ری که در ره فوکو نوشته شده س م ند فوکو در وته نقد میشل فوکو فر سوی س خت رگ یی و هرمنوتیک و ندین مقا له ی س که در ین ه رسیده س . میشل فوکو در ۱۵ که ر ۱۹۲۶ در و تیه فر ن ه ودر خ تو ده ی ورژو ه دتو مد و در س ل ۱۹۶۱ ر ه که ی تحت عنو ان: ریخ نون ر س له دکتر ی خود ر تقدیم نمود که ت ریخ نون ولین که مطرح فوکو س که ه ررسی تر ژدی نون در عصر کلاسیک می رد زد ین که ت ژگی زسوی کشف ر هرمس و تر جمه ف طمه ولو نی ه رسیده س در ین خصوص متر م که ت ریخ نون: ف طمه ولو نی مصه ح ه ی کرده یم که می‌خو نید خ نم ولو نی صر رزه دی د شتند که ه عنو ان متر م که یث ن مصه ح ه شود نه یک متخصص فوکو.

که ت ریخ نون ندمین ک ر تر جمه شمه س

به عنوان کتات دومین کاری است که از من چاپ شده است؛ ولی به صورت مقاله تا به حال چند کار در نشریات و همچنین در کتات هایی که به صورت مجموعه مقاله بوده است‌ت از ترجمه‌های من چاپ شده است. اما به صورت کتات اولی افسون‌زدگی جدید بودت نوشته آقای داریوش شایگان‌ت و دومی هم که همین کتات تاریخ جنون است.

ر س ژتر جمه که ف ونزدگی دید که ی ر مضمون‌ومحتو ی ت ریخ نون ر ی تر جمه تنخ گردید

تاریخ جنون را من قبل از افسون‌زدگی جدید ترجمه کردم و تصور را نکنید که در فاصله بین چاپ کتات افسون‌زدگی جدید و تاریخ جونت یعنی از سال ۸۰ تا ۸۱ بشود کتابی مثل تاریخ جنون را ترجمه کرد. چنین چیزی غیرممکن است. ترجمه این کتات دو سال طول کشیدت البته جدای از بازبینی و دخل و تصرف که آن هم وقت دیگری گرفت. تاریخ جنون برای من خیلی جالت بود. نگاهی که فوکو به نهادهای آن فرهنگ و تمدن خودش دارد و اینکه چگونه از تحلیل گذشته حال را نقد می‌کندت بسیار قابل توجه است. افسون‌زدگی جدید کتابی بود که به دلیل نگاهی که به مدرنیته داشت برایم جالت بود. البته در کتات افسون‌زدگی جدید با تمام نظریات آقای شایگان موافق نیستمت ولی چیزی که برای من جالت بودت نگاه ایشان به مدرنیته بود و اینکه آقای شایگان مرعوت آن جمع روشنفکری که در فرانسه حاکم است نشده بود و یک نوع نگاه مستقل خود را داشت و در کنار اینها بحثی که آقای شایگان روی سطوح متعدد آگاهی و همبستگی متقابل دارد نیز خیلی جالت است. در ترجمه آن کتات این‌طور فکر کردم که می‌تواند خیلی به درد جامعه ما بخورد. ولی تاریخ جنون داستان دیگری دارد. در درجه اول این خود فوکو است که به عنوان یک فیلسوف برای من خیلی جالت است و در درجه دوم باید بگویم کتات تاریخ جنون اولین کتات مطرح فوکو بعد از کتات بیماری روانی و شخصیت است؛ و در واقع فوکو نقطه نظرات مارکسیستی را که در آن کتات داشتت تجدید نظر می‌کند و این تجدید نظر به عنوان رساله دکتری آغازگر راه فوکو می‌شود. این کتات نثر بسیار زیبایی دارد و در واقع یکی از دلایلی که این کتات‌ت من را مجذوت خودش کردت همین نثر فوکو بود و برگرداندن همین نثر به یک زبان دیگر.

فکر می‌کنید: ه حد در ین ک ر موفق ودید

شاید نتوانم بگویم که ترجمه خیلی خوبی است‌ت اما به نظرم ترجمه قابل قبولی است و می‌توان گفت که به متن اصلی نزدیک است.

گوئ تر جمه نگلیی ت ریخ نون: ه متن صلی

ک ستی‌م ی د شته س ی شم ز روی متن فر ن ه تر جمه کردید

من این کتات را از روی متن فرانسه یعنی متن اصلی ترجمه کردم. ولی آن را با متن انگلیسی هم مقابله کردم و متن انگلیسی را تقریباً کامل دیدم. باید بگویم قسمت‌هایی از متن من با ترجمه انگلیسی فرق دارد. زیرا متن انگلیسی به نظرم درست نبود و بعد وقتی نقدهایی را که روی ترجمه انگلیسی شده بود خواندم‌ت دیدم آنها هم به این مسأله اذعان داشتند که این ترجمه کاستی‌هایی دارد.

ی ر ی تر جمه که ت ریخ نون سر خ مط لعه دیگر ژ رفوکوهم‌رفتید ی ه ه ر دیگرمی‌خو هم د نم ه مقد ر گ هی ز نوی نده‌متر م ر در تر جمه که ی وی می‌کند

قطعاً هر چقدر که بیشتر خوانده باشید موفق‌تر هستید. من برای ترجمه این کتات نه تمام آثار فوکو بلکه اکثر آثارش را مطالعه کردم و هنوز در حال مطالعه فوکو هستم. به خاطر همین هم به شما گفتم که من به عنوان متخصص فوکو با شما مصاحبه نمی‌کنم و یک چنین ادعایی اصلاً ندارم. منتها در مورد تاریخ جنون علاوه بر مطالعه بقیه آثار فوکوت کتات‌های زیادی درباره خود تاریخ جنون خواندم و اینکه می‌توانم بگویم برای ترجمه این کتات عصر کلاسیک را یک دوره نسبتاً کاملی کردم. زیرا تاریخ جنون به صورت خیلی موجز وقایعی را که در این عصر اتفاق افتاده مطرح می‌کند و اگر راجع به این مسائل آشنایی کامل یا حتی نسبی وجود نداشته باشدت قطعاً ترجمه ناقص و بدی خواهد بود. البته سعی کردم که یکسری یادداشت‌هایی را هم بیاورم زیرا این کتات برای خواننده ایرانی بدون این یادداشت‌ها مفهوم نبود. ولی احساس هم می‌کردم که بعضی اوقات زیادی از حد شده است. ولی تمام یادداشت‌ها از خودم بود و از منابع مختلف آنها را استخرات می‌کردم و برای خیلی از این یادداشت‌ها جست‌وجوی زیادی در منابع مختلف انجام دادم‌ت که این هم به نوبه خود وقت زیادی گرفت؛ واگر کسی با جریاناتی که فوکو درباره آنها صحبت می‌کرد آشنایی نداشت مطالعه کتات مطالعه جالبی نمی‌شد. من گاهی اوقات احساس می‌کردم که خواننده شاید به این موضوع فکر کند که مترجم خیلی دارد به متن اصلی اضافه می‌کند اما برای من این مهم بود که اگر برای بعضی‌ها خوشایند نباشدت به بعضی‌های دیگر کمکی بکند.

ر روی که ت ریخ نون نقدهی زه دی ز نوی ندگ ن و فیا وف ن ظر ی نوشته شده س . ت ه حدی ین‌نقدهر مط لعه‌کرده یدو ر ر ی ین‌که هیچ مقدمه ی ز خودت ن نکردید

من مقدمه‌ای نوشته بودم ولی به چاپ نرسید و دلیلش هم این بود که من و ناشر ارتباطمان یک مقدار کم شد و زمانی این مقدمه آماده شد که اوزالید کتات هم آماده شده بود. ولی طبیعتاً همانطور که گفتم برای ترجمه این کتات خیلی درباره فوکو خواندم و نقدهایی را که بر روی تاریخ جنون بود هم مطالعه کردم که بهترینش از نظر من همان نقدی است که دریدا نوشته است. فوکو معتقد است که جنون را از زبان خود جنون روایت کرده است در حالی که اینگونه نیست؛ و نقد دریدا هم همین است. دریدا می‌گوید که چگونه شما می‌توانید وارد بحث جنون بشوید و آن را از حیطه عقل نگاه کنید. طبیعتاً بدون شناخت آن نقدها ترجمه چنین کتابی کار دشواری می‌شد. اگر شما متن اصلی این کتات را بخوانید متوجه می‌شوید که چقدر مؤلف زحمت کشیده و به چه دشواری این کتات نگارش شده است. این کتات جزء دکترای دولتی فوکو بوده که در واقع یکی از بالاترین مدارک فرانسه است. به همین دلیل هم می‌گویم که حجم کاری که ت‌شت این ۳۰۰ صفحه ترجمه است شاید غیر قابل تصور باشد. واقعاً یک حجم سنگینی از کار ت‌شت این ترجمه خوابیده است.

که هدی که در دسه تر جمه د ر ید ی

در دست ترجمه که نمی‌شود گفت اما به عنوان کتابی که بخش‌هایی از آن را در دست ترجمه دارم یکسری مجموعه مقالاتی است درباره فوکو و در نقد فوکو که آن را هم انتشارات هرمس چاپ خواهد کرد.

نشر اختر؛ ناشر نمونه آذربایجان شرقی

«انتشارات اختر» ناشر فعال استان آذربایجان شرقی‌ت شهر تبریزت برای سومین سال متوالی در شانزدهمین نمایشگاه کتات تهران (۲۴-۱۴ اردیبهشت) با ۱۷۰ عنوان کتات حضور داشت.

صمد محمدی آسیابی در مورد سوابقش گفت: با کار انتشارات از کتابفروشی و انتشارات مرحوم ت‌شدرم از سال ۱۳۵۸ به نام انتشارات قدس محمدی فعالیت داشت و به علت فوت ت‌شدرم تعطیل گردید. در سال ۱۳۷۰ با ویرایش چند کتات ت‌شزشکی مجدداً کار انتشارات را با نام «نشر اختر» شروع کرده و در سال ۱۳۷۳ ت‌شروانه نشر دریافت کردم.

وی در زمینه موضوع کتات‌ها اضافه کرد: با توجه به اینکه فوق دیت‌لم خود را در رشته علوم آزمایشگاهی دریافت کردم لذا در ابتدا رده انتخابی فعالیت انتشارات‌ت کتات‌های ت‌شزشکی بود که بتدریت موضوع‌های عمومی، ادبیات و تاریخ آذربایجان نیز به عناوین چاپ‌ت اضافه گردید.

مدیر انتشارات اختر در مورد فعالیت‌هایش اظهار داشت: در طی سال‌های اخیر توفیق چاپ بیش از ۱۴۰ عنوان کتات را داشته‌ایم و در حال حاضر با عناوین تجدید چاپ‌ت ۱۷۰ عنوان کتات داریم.

صمد محمدی ضمن بیان اینکه در طی سه سال متوالی از نظر تعداد و کیفیت عناوین چاپ‌ت ناشر نمونه استان معرفی شده‌اند‌ت افزود: در نمایشگاه امسال بیشتر کتات‌های عرضه شده در این غرفه مربوط به تاریخ و ادبیات آذربایجان است و فکر می‌کنم غرفه‌مان از این نظر منحصر به فرد باشد و اکثر بازدیدکنندگان نیز به این موضوع اشاره دارند.

مدیر نشر اختر مخاطبان اصلی کتات‌های خود را علاقه‌مندان و محققان تاریخ و ادبیات آذربایجان معرفی کرد و در مورد انگیزه حضور خود در شانزدهمین نمایشگاه کتات تهران گفت: امسال با ۲۲ عنوان چاپ اول و جدید و با انگیزه معرفی این آثار و بازاریابی در این نمایشگاه شرکت کردیم.

صمد محمدی آسیابی‌ت در ت‌ایان جدیدترین کتات‌های نشر اختر را اینگونه معرفی کرد:

- فرهنگ ترکی به فارسی
- کتات شعر مهندت شاعر آذربایجان
- تاریخ دبرین ترکان ایران.

کتات‌خوانی یا کتات‌نخوانی

جماعت؛لطفاً کتات نخوانید. هی می گویند چرا مردم نمی خوانند... چکار کنیم مردم بخوانند... اصلاً چرا مردم باید بخوانند؟ خواندن کدام نیاز آنها را تسلیح می دهد؟ در ثانی مگر خواندن یا نخواندن آنهات تأثیری در زندگی اجتماعی ما دارد؟

امروز موتورسواری به خلافت خیابان یکطرفه را می تیمودت رو در روی هم قرار گرفتیم. بدون مکث گفت: «حواست کجاست؟ مگه جلوتو نمی بینی؟» وقتی دید من ترمز دستی نکشیدم و فحش هم ندادمت جمله مگر مرض داری را هم اضافه کرد!

به دلیل ترافیکی که داشت ایجاد می شد و من فکر می کردم دارم حقوق دیگران را ضایع می کنمت فرصت توضیح خیابان یکطرفه‌ت آیین نامه رانندگی‌ت قواعد موتورسواری و فرهنگ شهرنشینی را برای ایشان نداشتم و دست از سا دراز‌تر فرمان را کت کردم تا راه موتورسوار خلافکار را باز کنم. فکر می کردم اگر این برادرمان کتات آیین نامه را خوانده بود که یاد بگیرد نه اینکه فقط گواهینامه بگیرد باز هم این کار را می کرد؟

وقتی انتظار داریم همه کتات بخوانند بدون آنکه تربیت کتابخوانی داشته باشند؛ هر کسی از ظن خود یار کتات می شود و همین است که به سود خود از آن استفاده می کند و اینجاست که کتات و کتابت به حداقل ممکن تنزل ت یدا می کند.

راستی آیا زیر بنات کتات خواندن است؟ یعنی کتات خواندن‌ت هدف است و یا هدف چیز دیگری است که باید تعریف شود و برای رسیدن به آن کتات بخوانیم؟

دو روز قبل رفته بودیم مدرسه ابتدایی دخترانه که فقط ت ابه‌های تحصیلی اول تا سوم ابتدایی را در آن شیفت داشت.

با قرار قبلی برای راه‌اندازی کتابخانه به آنجا رفتم. در بدو ورود و انتظارت زیر نگاه فراش که انگار گرگ به گله زده‌ت احساس کردم مدرسه وضعیت طبیعی ندارد و آشفته است. البته بعداً فهمیدم که کل این به هم ریختگی‌ها به خاطر وجود یک ت دیده ت بیجیده و ناشناخته به نام مرد (بنده) و البته خانم‌های همکارم بوده و مسؤولان مدرسه ابتدایی مشغول خالی کردن راهرو از دخترب چه‌ها بودند که بتوانند ما یعنی در واقع من را از راهرو تا محل در نظر گرفته شده برای کتابخانه هدایت کنند. ده دقیقه‌ای طول کشید تا مدیره محترم ما را در جلو در ورودی مدرسه ت دیرفتند. با سلام و صلوات و اسکورت فراش‌های عزیزت رفتیم کتابخانه. کتابخانه که چه عرض کنم. انتظار داشتند فضای ۸ متری انباری زیرت له با سقف کوتاه را کتابخانه کنیم.

البته مدیره محترم گفتند می خواهیم با این کارت این انباری تمیز شود! در صحبت‌ها معلوم شد در جلسه اولیا و مربیانت یکی از والدین‌ت نطقی در بات فرهنگ و ارتقای فرهنگ جامعه ایراد فرموده‌اند و اینکه کتات چه چیز خوبی است و لازم است.

همکاران که وارد بحث‌های کارشناسی شدند‌ت متوجه شدیم که فقط اجازه داریم کتات‌های مذهبی آن هم اگر موردداز نباشد به کتابخانه بیاوریم و مسؤولینش هم با خودمان است. قفسه‌ها هم باید حتماً شیشه‌ای و قفل‌دار باشد و کلیدش در دست فراش مدرسه باشد.

یادم رفت بگویم در راه که برای بازدید از مدرسه ابتدایی می‌رفتیم‌ت در ماشین با همکارانم صحبت از اهمیت کتابخوانی در دوران کودکی و نوجوانی بود که در این دوران ساختار شخصیت شکل می گیرد و اگر در این دوران‌ت خانواده و مدرسه بتوانند کتات را وارد زندگی مردم کنند‌ت شاید در مراحل بعدی دغدغه کتابخوانی یا نخوانی مردم را نداشته باشیم و هی حرص نخوریم که چرا مردم کتات نمی خوانند.

صحبت‌های آکادمیک داخل ماشین و آنچه در دبستان دیدیم باعث شده بود که همکارانم هات و وات و ت رسشگرانه و اندکی مأیوسانه مرا نگاه کنند.

سعی کردم برای مدیره محترم و حضارت چند جمله‌ای از بیانات مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری ارجمند در برخورد با جوانان و نوجوانان و اهمیت مطالعه جامع و گسترده بگویم که مدیره محترم وسط حرفم ت بریدند و گفتند: «میشه تعداد کتات‌هایی را که می‌خواهید به ما بدهیدت بیشترش کنید؟» (البته ما راجع به تعداد کتات قبلاً هیچ صحبتی با ایشان نکرده بودیم!)

در راه برگشت سکوت کرده بودم که دیدم همکارم راجع به دختر دبستانی‌اش صحبت می کند و می گوید اختلاف نظام تعلیم و تربیت در مدرسه و اجتماع خیلی زیاد و متفاوت است.

او به‌عنوان «خانواده‌ت خودش را گرفتار بین این دو می دانست و می گفت یکی از گرفتاری‌های من و همسرم‌ت توجیه رفتارهای متناقض مدرسه و اجتماع با فرزندمان است و اینکه در خانه با او چگونه رفتار کنیم که تربیت سومی برای او نباشد. چون به اندازه کافی این رفتارهای متضاد او را درگیر کرده است.

می گفت جامعه به کتات مذهبی ارت نمی‌نهد و مدرسه‌ت دخترم را به خاطر همراه داشتن کتات قصه تنبیه می کند. من و همسرم هم سعی می کنیم به دخترمان یاد بدهیم که هر دوی اینها خوت و لازم هستند.

دخترم می گفت «مامان حالا که میگن این کتات بده و خانم معلممون منو دعوا کرد که باید درس بخونی نه کتات قصه‌ت من دیگه کتات نمی خونم‌ت اصلاً مامان چرا من باید کتات بخونم. چرا هی تو و بابا می گید باید کتات بخونی؟ به بابا بگو این کتابخونه رو از اتاقم ببره بیرون و به تلویزیون برام بخره. من دیگه نمی خوام کتات بخونم!»

کتات: خانواده: تارک

جایگاه کتات در خانواده

هفته خ ن و ده س ومن دن ل سوژه ی که ین
من س ه ه ح همیشگی ین م له یعنی که
همخو نی د شته شد.

در روز تعطیلی م ل همه حتم می‌شود ه لی
خ ن و دمه ر در رکه و مر کزتفریحی ید کردو
گ ی زه یر مون که وکه خو نی در خ ن و ده.

شاید یک کتات در ماه!

خانواده‌ای هستند ت‌تت‌نقره روی چمن‌های ت‌تارک نشسته‌اند و مشغول خوردن چای هستند.

سلام.

سلام.

شمه هل که خو ندن ه تید

نه!

ر نه

کتات خواندن را دوست ندارم. وقت این کار را هم ندارم.

چه‌مه یز ن هل که ه تند

نمی‌دانم.

(ز دخترش می رسم) ول خودت ز ر معرفی کنید.

بهنوش مسافری‌ت ۱۵ ساله.

شمه که می‌خو تید

زیاد نه!

م لا در طول یک م ه ند که می‌خو نی

معلوم نیست‌ت شاید یکی.

که می‌خری

نمت از دوستانم می‌گیرم.

م نوعی که ه یی می‌خو نی

رمان.

سم دو رم نتویس ر می‌تو نی بگویی

«ر- اعتمادی‌ت ف‌سرین ثامنی»!

هیچ‌وق ز ر مر نخو ستی ر ی که خرد

نه.

گر خو ه می‌خرد

نمی‌دانم.

(ز مرش می رسم) ر یش می‌خرید

اگر خواهمت بله.

راهنمایی‌اش کردم

روی نیمکتی نشسته‌اند و مشغول صحبت هستند؛ ت‌مدرت مادر و ت‌سر. به سراغ این خانواده کوچک می‌روم.

خودت ن ر معرفی می‌کنید

محمدرضا صالحی.

شمه هل که خو ندن ه تید

بله.

خ ن و ده ت ن هم که می‌خو ند

بلمت همسرم و ت‌سرم هر دو اهل مطالعه هستند.

ر ی رت ن شمه که می‌خرید ی خودش

اگر کتابی بخواهد می گوید و ت‌تولی در اختیارش قرار می‌دهم که بخرد.

ت ه م لغی ر ی‌خرید که در خیر رش می‌گ رید

هر چقدر که احتیات داشته باشد.

ه رت ن که هدیه می‌دهید

گاهی اوقات.

ر ی مط له و تخ که فرزندت ن ر هنه یی می‌کنید

گاهی به او ت‌پیشنهاداتی برای مطالعه می‌کنم.

می‌د ند که ه ی مورد علاقه و ی

بلمت تاریخی و روانشناسی.

ولین رشمه رت ن ر ه خو ندن که تشویق کردید ی خودش سر ع که خو ندن رو

من کتابخانه نسبتاً بزرگی دارم. ت‌سرم چند سال ت‌پیش از سر کنجکاوی یک کتات مصور را از کتابخانه‌ام برداشت و مشغول نگاه کردن آن شد. وقتی او را در این حالت دیدم‌ت با او صحبت کردم و فردای آن روز برایش کتابی مناسبت سنش خریدم. بعدها بیشتر علاقه‌مند شد و خودش کتات‌های مورد نیازش را انتخاب می‌کرد.

گر رت ن هل مط له ت ود ه ه حه س د شید

احساس خاصی نداشتم. شاید سعی می‌کردم به سمت کتات راهنمایی‌اش کنم.

خانواده اهل کتات درست زندگی می‌کنند

کتات را در دست گرفته‌ت روی چمن‌هالم داده و مشغول مطالعه است. همسرش لیوانی چای برایش می‌ریزد. هر دو جوان هستند و در شروع زندگی.

ه که ی می‌خو تید

«جهالت‌ت رمانی از میلان کوندرا.

همیشه در رک که می‌خو تید

از هر فرصتی برای مطالعه استفاده می‌کنم.

فقط ره ن مط له می‌کنید

بیشتر رمان می‌خوانم. گاهی هم کتات‌های تئوری ادبی.

در طول روز قدر مط له می‌کنید

دو- سه ساعت.

همه رت ن هم هل مط له س

بلمت ایشان معلم است و همیشه با کتات سر و کار دارد.

شغل خودت ن ی

دانشجوی فوق لیسانس ادبیات هستم و فعلاً به صورت حق‌التدریسی‌ت درس می‌دهم.

د نش موز ت ن ر ه که خو ندن تشویق می‌کنید

بلمت سعی می‌کنم آنها را به مطالعه علاقه‌مند کنم.

طور نه ر علاقه‌مند می‌کنید

از تجربیات خودم و مزایای مطالعه برایشان صحبت می‌کنم.

فکر می‌کنید که در خ نو ده ه نقشی د رد

درست فکر کردن و درست زندگی کردن را به خانواده‌ها یاد می‌دهد. یک خانواده اهل فکر و کتات‌ت مشکلاتشان را به صورت منطقی حل می‌کنند.

سخ ن

رحمان کاژرونی.

کتات‌های درسی را هم با زور می‌خوانم

با فرزندانش نشسته‌اند و تخمه می‌خورند. مادری است با ت‌تت فرزند. بچه‌هایش احتمالاً همه دانش‌آموزند.

خ نم شمه که می‌خو تید

نه.

ر

کتات را دوست ندارم.

چه‌مه یز ن که می‌خو تند

کتات‌های درسی‌اشان را می‌خوانند.

ه غیر زکه ه ی درسی که ه ی دیگر نمی‌خو تند

نه.

شمه هیچ‌وق ر یش ن که نمی‌خرید

نمت نخواستند که بخرم.

(رو ه ر زرگتر می‌کنم و ز و می رسم) ر هیچ‌وق زه درة ن نخو سنید ر ید ن که خرد

نمی‌خواهمت کتات دوست ندارم.

ر که ر دوسه ند رید

حوصله کتات خواندن ندارم‌ت درس‌های خودم را هم با زور می‌خوانم!

یادداشت

حمید هنر و

ضرورت تیوند ناشران و مؤلفان شهرستانی

تورق آثار شهرستانی ها و کتاب هایی که محتوای آن‌ت زاییده قلم دورستانی است که در شهرهای دور و نزدیک‌ت سکنا گزیده‌اند‌ت با لطف خاصی همراه است. قریت به اتفاق این کتاب‌ها‌ت حرفی از جنس محیطی دارند که نویسنده‌ت ت وهنگر یا شاعر شهرستانی در آن اقامت دارد‌ت لابلای نوشته‌ها یا اشعار مندرت در کتاب‌ت حال و هوای نات و قابل استشمام یافت می شود و در خنکای لطیف واژه‌های اثرت مخاطب فرصت خوبی برای تنفس و تأمل ‌ت‌یدا می کند.

نشانه های بومی و منطقه‌ای را نیز می توان در تألیف شهرستانی ها دید. ‌ت‌دید آورندگان این کتاب‌ها‌ت متأثر از فضای بومی‌ت تاریخی و فرهنگی شهر خود هستند. هر چقدر محیط زندگی‌شان از نظر جغرافیایی محدودتر می شود‌ت این نشانه ها که برآیند نوعی زیبایی هستند دو چندان می شود. در واقع هر چقدر که تعامل مؤلف و ‌ت‌دید آورنده با فرایندهای زندگی شهری و جوامع بزرگ‌ت بیشتر می شود به همان اندازه از اصالت و طراوت بومی آثارشان کاسته می گردد.

اما نکته قابل توجهی که در این اثنا وجود دارد‌ت اصرار ‌ت‌دید آورندگان و مؤلفان شهرستانی برای اتصال با بدنه نشر در مرکز است. البته نباید بدون کسب آگاهی از دلایل این موضوع‌ت به اظهار نظر یا قلم فرسایی ‌ت‌ردا‌ت‌ت شاید واقعاً حق با اهل قلم شهرستانی است. ممکن است ناشران فعال در شهرستان ها‌ت بیشتر به انتشار آثار چهره های شناخته شده و کسانی که در تهران‌ت صاحب آوازه‌ای هستند‌ت تمایل نشان دهند. یا اینکه اصولاً نمی توانند از جنبه های مختلفی چون حساب و کتاب مالی‌ت کیفیت چاپ‌ت توزیع و... رضایت مؤلف را برآورده سازند که نکته بعدی بیشتر قابل رؤیت است.

اما رجوع اهل قلم شهرستانی به ناشران تهرانی گزینه صحیحی برای حل مشکل نیست. این امکان هم وجود دارد که اثر آقا یا خانم نویسنده و شاعر شهرستانی لابلای صدها کتاب رنگی به رنگی که ناشر مقیم مرکز از زیر چاپ بیرون می آورد‌ت اصولاً دیده نشود!

و...

در حال حاضر و با توجه به ‌ت‌رس و جوهایی که نگارنده از برخی مراکز طبع و نشر در شهرستان ها دا‌ت‌ت تعامل ناشران شهرستانی با نویسندگان و مؤلفان دیار خودت در سطحی ناچیز و غیرقابل قبول است. تمرکز بیش از حدانتظار ناشران به برگشت سرمایه از راه فروش کتاب و نگاه خالی از اعتماد مؤلفان شهرستانی به عملکرد مراکز نشر در شهری که زندگی می کنند یکی از عوامل مراجعه اهل قلم شهرستانی به ناشران مرکز برای انتشار کتاب است.

به نظر می‌ت ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی در سطح استان ها و شهرهای کشور با برنامه ریزی های مدون و اعمال سیاست های حمایتی قادر خواهند بود تا اندازه‌ای درصد این تفاهم و تعامل را بالا ببرند و ‌ت‌یوند قابل قبولی بین ناشران و نویسندگان شهرستانی ایجاد کنند. باید به این نکته اذعان داشت که شرط فراگیر شدن یک اثر مکتوت در سطح کشورت محتوای آن است نه آنکه صرفاً یک ناشر مقیم تهران‌ت به انتشار آن اقدام نماید. گسترده توزیع یک کتاب خوب‌ت می تواند تمام کشور باشد‌ت در عین اینکه ممکن است یک ناشر تازه کار و گمنام شهرستانی‌ت کتاب فوق‌الذکر را منتشر کرده باشد به قلم نویسنده‌ای گمنام تر!

گفت‌وگو

لیلا صفی

وضعیت نشر در کرمانشاه در گفت‌وگو با محمدجواد محبت

کتاب خوب‌ت روی دست مؤلف نمی‌ماند

«کی یی گریه‌ی دل: صور ن» و «ارگ رکله » ز ز رمترین که هی منتشر شده ش عرمه صر محمد و مه س که در کرمه نشه قه ده رد در سه له ی خیر : هگو هی هل‌نظر یش هرتو: نه س هر هی و: ن هل‌قلم کرمه نشه قه‌مه ی لمتدی در رهفرهنگ زی در ین شهر رد رد که حه صل ن ظهور پهره ی متعدد و موفق در عرصه ده یه و فرهنگ وده‌ود مته ین توفیق گه ه تهر ن هم کشیده شده سه .

قی مه ! زوضیه که وکه خونی در کرمه نشه ه گوید

کرمانشاه ۲۷ کتابخانه عمومی دارد که قدیمی‌ترین آن در محل ساختمان شهرداری کرمانشاه دایر است.

همین کتابخانه در آغاز کار در خیابان سه‌نه قدیم (حیاط دوم ساختمانی که از سطح خیابان چند ‌ت‌نه می‌خورد‌ت قرار دا‌ت‌ت. وقتی من سال اول دبیرستان بودم‌ت عضو این کتابخانه شدم و در آن روزگار چاپ اول خیمه‌شب‌بازی صادق چوبک را در همین کتابخانه خواندم.

تعداد کتابخانه‌های رسمی ایران آنچه وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه است‌ت کلاً ۱۳۷۴ ثابت است که نسبت ۲۲۲ درصد آن از آن کرمانشاه می شود.

جز این تعداد‌ت کتاب‌های معلم در ساختمان خانه معلمت کتابخانه ناحیه ۲ آموزش و ‌ت‌رورش‌ت کتابخانه‌های خصوصی مسجد جلیلی در نزدیکی مسجد جلیلی نیز فعال‌اند.

در کرمانشاه تعداد کتابخانه‌های معتبر و خصوصی نیز کم نیستند‌ت این کتابخانه‌ها هم از نظر تعداد کتاب و هم به تنوع کتاب‌ها و بعضاً دارا بودن میزان قابل توجهی از کتب خطی‌ت حائز اهمیت‌اند‌ت از جمله کتابخانه معتبر هنرمند گرانقدر معاصر جناب آقای سیدمرتضی نجومی و کتابخانه مرحوم دکتر کوشکی و کتابخانه آقای ملکی دبیر بازنشسته آموزش و ‌ت‌رورش و کتابخانه استاد بدالله بهرادکرمانشاهی‌ت در مرکز آموزش عالی کرمانشاه واقع در خیابان شهید جعفری نیز کتابخانه‌های خوبی دایر است. دانشکده ادبیات هم کتابخانه خوبی دارد که کتابخانه خصوصی مرحوم مرتضی مهدوی نیز به آن افزوده شده است. همچنین بنابر وصیت استاد کیوان سمیعی که کرمانشاهی الاصل بوده‌اند‌ت سر بروم‌ندشان کتابخانه شخصی ایشان را به دانشگاه کرمانشاه‌ت واگذار کردند.

تنوع موضوعی غذ ری که توسط مؤلفان و: شرن شهرستانی ه زر ر ه می‌شود ز ه‌ق‌ق‌ل‌ق‌و ه س م رخی‌نیز ه ن نقه ده رند نظرشمه ی

به نظر می‌ت در ارزشیابی این نوع کتاب‌ها باید محتوا به عنوان ملاک و معیار بررسی کنندگان مورد توجه باشد نه تعداد و ظاهر و مسائل دیگر. انصافاً صد کتاب بی‌ارزش یا کم‌ارزش و ضعیف‌ت نمی‌تواند جای خالی یک کتاب خوت و ارگذار را ‌ت‌ر کند.

اگر مسئولین فرهنگی کشور بتوانند سیاست های تشویقی را در جهت حمایت از مؤلفان و ناشرانی که نسبت به ‌ت‌دید آوردن کتاب خوت همت می‌گمارند‌ت اعمال کنند‌ت می‌توان گفت که شاهد وضعیت مناسب‌تری خواهیم بود.

ین کو ر ید زکی شروع‌شود

از همین امروز ‌ت‌اثری که اساس کار خود را انتخاب درست اثر مؤلف قرار می‌دهد‌ته دریافت حق نشر‌ت مستحق

تشویق و ‌ت‌شیاتی است. در صورت شروع این کارت کم‌کم تعات مثبت آن به بدنه شهرستانات تسری می‌یابد و ناشران سخت‌کوش و کیفی‌ت انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت ‌ت‌یدا می‌کنند.

ی‌تردید یکی ز عرصه‌ی ته مل مخ ط ن که که فروشی‌ه‌ی ز وسیو ر سه کرمه نشه در در ین‌زمینه ظهور می بیند

کتابفروشی‌های کرمانشاه کم نیستند‌ت منتها این کتابفروشی‌ها در کنار مجلات کتاب‌ت به فروش ابزار نگارش نیز به صورت گسترده اشتغال دارند و این شغل دوم‌ت رفته رفته‌ت جا را بر کتاب‌ها‌ت تنگ و تعداد آنها را روز به روز‌ت کاهش می‌دهد.

باسابقه‌ترین کتابفروشی کرمانشاه در حال حاضر کتابفروشی علمی است‌ت که آقای جلالیان مدیریت آن را به عهده دارند‌ت آقای جلالیان را می‌شود یکی از خادمان فرهنگ کرمانشاه‌ت به شمار آورد.

کتابفروشی‌های کتیبه شریعت‌ت امیرکبیرت سعدی‌ت دانشمند و نیما هاشمی را که در واقع ‌ت‌انتوی روشنفکران کرمانشاه است از جمله کتابفروشی‌هایی هستند که اختصاصاً به کار فروش کتاب می‌ت‌ردازند. در این میانت کتابفروشی دانشمندت کتب دانشگاهی را عرضه می‌کند.

در بازار کرمانشاه‌ت نیش یکی از سراهای بازارت کتابفروشی ‌لهوند دایر است کتابفروشی ‌ت‌ایبوند که از ابتدا یکی روزگار بچگی و نوجوانی نگارنده در همین محل بودمت تابلو ندارد و به نام صاحب کتابفروشی معروف است. این کتابفروشی مخصوص ‌ت‌شخص کت مذهبی است و از سال‌ها ‌ت‌پیش این کار انجام می‌داد.

همین روزهای ‌ت‌پیش خودم برای خرید کتاب لاله ملکوت و در محضر لاهوتیان‌ت که هر کتاب شرح احوالات و کرامات عارف شهیر معاصرت حضرت جعفر آقای مجتهدی است‌ت سری به کتابفروشی ایشان در بازار زدم و دست خالی هم بر نگشتم.

مردم ست ن ه ند زه ی زکه هی‌که‌در رگیرنده فرهنگ وی سه ستقل می‌کنند

استقبال خوبی می‌شود‌ت مجموعه شعرهای شاعران کرد استان‌ت همیشه فروش چشمگیری دارد. چراکه در کرمانشاه لهجه‌های کردی گوناگون از جمله لکی‌ت کردی کلهری و کردی سورانی مورد استفاده عمومی قرار می‌گیرد.

کتابی نیز چندی ‌ت‌پیش از سوی انتشارات صبح روشن فرهنگ لغات کردی را در برگرفته بود و توانست آغازگر راهی سترگ باشد...

این انتشارات خاطرات سبز مرا در آغاز فعالیت خود منتشر کرد که مجموعه شعری برای نوجوانان بود و اکنون به چاپ سوم هم رسیده است.

ته مل مؤلف ز: شر در کرمه نشه گونه سه

عده‌ای از مؤلفان جوانت غالباً تلاش می کنند کتاب‌هایی را به دست چاپ بسپارند که از نظر محتوات به دور از عارضه چشمگیر ضعف تألیف نیست. آنها با اخذ وام و ستردن تا به هنگام کار خود به ناشرت در واقع قدم در وادی آشفته حالی می گذارند. از سویی دیگرت به دلیل نبودن موزع فعال کتاب در کرمانشاه‌ت مؤلفان مجبورند بخشی از کتاب‌های خود را به دوستان و آشنایان هدیه کنند و بقیه کتاب‌ها روی دستشان می‌ماند و هنگامی که موعد ‌ت‌رداخت اقساط وام فرا می‌رسد‌ت کشمکش ناشر و مؤلف آغاز می‌شود.

این در حالی است که درصد متوسطی از کتاب‌های مؤلفین این سامان را صاحبان ذوق سلیم و ارباب شعر و قلمت به دست چاپ می‌سپارند و این آثار از استقبال نسبتاً خوبی در استان برخوردار می‌شود که می‌توان به مجموعه شعر خانم «شهروز دانش‌ت وه باعنوان تو را امروز می‌خواهم که دلتنگم...» اشاره کرد. اگر کتاب به مرحله‌ای از ‌ت‌خگی رسیده باشد‌ت حتماً مورد استقبال مخاطب قرار می‌گیرد.

گزارش

رضه نوری

تبریز و کتاب

کتابفروشان سیار و موزعان کتاب‌های تاریخی و رمان که در حاشیه خیابان‌های تبریز بساط می‌کنند‌ت نسبت به فروشگاههای ثابت کتاب در این شهر فروش بیشتری دارند.

این مطلب را اما‌ت‌ی فروغی که از کتابفروشان باسابقه و شناخته‌شده تبریز است‌ت می‌گوید. وی معتقد است که مخاطبان عمومی باید به‌صورت مستقیم با کتاب‌ت ارتباط بصری ‌ت‌پیدا کنند.

فروغی می‌گوید: کتاب را نباید در قفسه‌ها و فروشگاههای مهجور و دور از انظار مردم نگاه داشت و رؤیای فروش به موقع آن را در سر ‌ت‌رورانده. او که در یکی از خیابان‌های اصلی شهر تبریز‌ت به کتابفروشی مشغول است و سالهاست به عرضه کتاب اشتغال دارد‌ت در ادامه صحبت‌هایش با خبرنگار ما می‌گوید: البته در چند سال اخیر‌ت مردم با ذهنیت قبلی به سراغ بعضی از کتاب‌ها می‌آیند و عاریتی را خریداری می‌کنند‌ت اما در سال‌های گذشته‌ت از این کتاب‌هایی که در معرض نمایشی مخاطبان قرار می‌گرفت‌ت آثاری برای خرید انتخاب می‌شد.

یک دانشجو وارد کتابفروشی می‌شود‌ت از قرار معلوم‌ت از مشتریان شناخته شده این فروشگاه کتاب است. از ناهید سلمانی می‌ت‌رسیم: در محیط‌های دانشگاهی‌ت چه نوع کتاب‌هایی مورد استقبال قرار می‌گیرد؟ ‌ت‌اسخ می‌دهد: در دانشگاهی که من در آن به تحصیل مشغول هستم‌ت دانشجویان‌ت به‌خاطر موقعیت خاص تحصیلی‌شان‌ت بیشتر علاقه‌مندند که کتاب‌های علمی بخوانند‌ت اما عده‌ای هم نسبت به کتاب‌هایی با درونمایه موسیقی ابراز علاقه می‌کنند و خود را با خواندن زندگینامه و فعالیت‌های هنری بزرگان موسیقی جهان و ایران‌ت سرگرم می‌سازند.

این دانشجوی زبان و ادبیات انگلیسی‌ت در ادامه صحبت‌های خود با خبرنگار کتاب هفته می‌گوید: مشکل نخواندن کتاب و حضور ناشئن کالای مکتوت در زندگی روزمره‌ت فقط به دانشجویان و دانشگاهیان مربوط نمی‌شود بلکه عامه مردم نسبت به کتاب‌ت کم‌توجهند. سلمانی با تأکید بر ضرورت مطالعه و تلاش برای ایجاد ‌ت‌یوند بین مردم و کتاب می‌افزاید: تا آنجایی که من دیده‌ام‌ت درباره کتاب‌های تازه و آثاری که در تهران سر و صدایی ایجاد می‌کنند‌ت در تبریز هیچ تبلیغی صورت نمی‌گیرد و فروش کاستی‌ت به‌عنوان کاری ساده و معمولی معرفی شده‌ت در حالی که در جوامع اروپایی‌ت کار یک کتابفروش‌ت اهمیت خاصی دارد.

وی با توجه به سابقه فرهنگی تبریز به‌عنوان شهری که نامش‌ت یادآور خاطره استاد شهریار است‌ت می‌گوید: ادبیات و شعر آذری رونق خوبی در استان دارد و شاعران و نویسندگانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند‌ت بر این رونق می‌افزایند.

اصغر یلمه‌ت از موزعان فعال کتاب در تبریز می‌گوید: معمولاً همه از توزیع نامسامان کتاب‌ت گله دارند که این موضوع‌ت تا اندازه‌ای قابل ‌ت‌ذیرش است اما در مواقعی دیده‌ام که مشتری‌ها کتاب مورد علاقه خود را اصلاً ‌ت‌پیدا نمی‌کنند!

یلمه‌ت در ادامه صحبت‌هایش‌ت می‌گوید: ناشران تبریز‌ت کمتر به نیازهای بازار توجه می‌کنند و آثارشان اغلت در تبریز با کم‌توجهی عمومی روبه‌رو می‌شود. این موزع کتاب ادامه می‌دهد: کتابفروشی‌هایی که در خیابان‌های اصلی شهر قرار دارند‌ت بیشتر از سایر مراکز عرضه کتاب‌ت می‌توانند کتاب بفروشند و هنگامی که این عرضه موفق‌تر است‌ت بیشتر از ما توزیع‌کنندگان‌ت سراغ گرفته می‌شود.

او کتاب‌هایی را که زمینه‌های دینی‌ت تاریخی و ادبیات دارند‌ت نسبت به سایر کتاب‌های دیگرت ‌ت‌رفروش‌تر ارزیابی می‌کند و تبریز را شهر فرهنگ و شعر می‌داند.

البته این گزارش کوتاهت قادر نیست همه مسائل مربوط به حوزه کتاب و نشر را در تبریز بروز دهد‌ت احساس می‌کنیم که ناشران تبریزی هم حرف‌های بسیاری برای گفتن دارند و قطعاً در سال‌هایی که به حرفه نشر‌ت روی آورده‌اند‌ت به تجارت فراوانی دست یازیده‌اند که باید در فرصتی مناسب تبریز به مصاحبت با آنها ‌ت‌رداخت. امیدواریم این فرصت‌ت برای ما ایجاد شود.

تای حرف های سیامک زمانی مترجم کتات عکاسی دیجیتال و ویرایش تصویر

کلیک ! کلیک ! عکس دیجیتال

سیامک زمانی متولد ۱۳۴۹ تهران است و تا شش سوخته رشته طراحی صنعتی در دانشگاه وسترن سیدنی سترلیا سپری کرد. وی که خبرنگار (ازدیک ۱۸ سال) سابقه وطن نگشته هاد زغم ه کرمند وم رورو کی زنام نگ (Tom Ang) عنوان عکاسی دیتال و ویرایش تصویر ترجمه ی گوهر هنر صفحه رییز ر تزگی ه علاقمند ان هنر عکاسی را کرده است (که کاغذ گلاسه و تصویر و رنگی ه رسیده) ازدیک ه دو ترم در دانشگاه محل تحصیل خود عکاسی را عنوان و حد تخت می گرانده است و نگونه که خودش می گوید طراحی صنعتی رشته ای است که خیلی زشت خدمه ی هنری از مله عکاسی در رتاط است. این حرفه ی در زمینه عکاسی حرفه ای قم لیتی ند شته تهه هاد زیه ان تحصیلاتش در یکی زشرکاه ی سترلیایی ه نمیشن است زی رد خته و درک ران ه صور نیمه حرفه ی گاهی عکاسی کرده است.

کتاب ویژه
مرتضی ریری

قبل از پنکه عکاس رد زیم در ه مؤلف ان غرمه ید.

تام انگ استاد ارشد عکاسی در دانشگاه Westminster لندن است. او همچنین به عنوان ویراستار فنی و تصویری با چندین مجله تخصصی از جمله British Journal of Photography و What Digital Camera همکاری دارد و در حال حاضر یکی از مقاله نویسان دائم مجله Macuser است. نمونه کارهای اوت هم سنتی و هم دیجیتال است به طور گسترده ای به نمایش گذاشته شده اند. عکس های او اخیراً جایزه اول Thomas Cook Travel Book Award در مسابقه Marcopolo Expedition را که مربوط به عکاسی از اروپا است با چین از طریق آسیای میانه است به خود اختصاص دادند. از دیگر آثار تام انگ می توان به کتات های «فرهنگ عکاسی و تصویرپردازی دیجیتال» «تیکسل های نقره ای» و «ویرایش تصویر و فتوشاپ برای عکاسی» اشاره کرد.

برای خود من به عنوان مترجم جالت است که وی بدون تخصصت عکاسی دیجیتال را در کتات معرفی می کند.

مهمترین نقاط و هایی عکاسی دیجیتال نسبت به عکاسی سنتی چیست؟

عکاسی دیجیتال بدون فیلم است و مهمترین مزیتش آنی بودن نتیجه است. اما در سنتی کار چاپ عکس شاید چند روزی طول بکشد و به این ترتیب کم هزینه بودن کار با دوربین های دیجیتال چون نه تحول فیلم باید تحمل داخت آن.

در ورست خت روحی کی غرمه ید.

ابتدا درباره فنون عکاسی دیجیتال و فیلم که مشترک است توضیحاتی ارائه می کند. البته عکاسی در این دو سبک آنقدرها با هم متفاوت نیست بلکه تفاوت بیشتر در تکنولوژی آنهاست. بیشتر دوربین های دیجیتال الان از لنزهای دوربین معمولی استفاده می کنند.

اما مهمترین ارجحیت این کتات نسبت به دیگر کتات های انگلیسی عکاسی خسته کننده نبودن آن است. با توجه به زمانی که مردم وقت کمتری برای کتابخوانی دارند این کتات هر مبحث را در دو یا چهار صفحه به صورتی جامع و مصور ارائه کرده است.

وی گی دیگر این کتات مربوط به فروتنی نویسنده است. در خیلی از کتات های عکاسی عکاسان فقط عکس های خوت خود را به نمایش می گذارند اما تام انگ این کار را نکرده است و خود این نشان دادن خطا و روش های جلوگیری از آن خطات بهترین روش آموزش است. نکته دیگر در کتات روش عملی آموزش آن است. در حالی که خیلی از کتات های دیگر به تکنولوژی صرف تحمل داخته اند.

نوینده در مقدمه شاره ی ه مقرون ه صرفه ودن عکاسی دیتال ه ود.

از دیگر آثار تام انگ می توان به کتات های «فرهنگ عکاسی و تصویرپردازی دیجیتال» «تیکسل های نقره ای» و «ویرایش تصویر و فتوشاپ برای عکاسی» اشاره کرد

این مقرون به صرفه بودن بیشتر مربوط به عکاس های حرفه ای است. در سال یک عکاس حرفه ای باید معادل یک دوربین دیجیتال تحول فیلم و چاپ بدهد. و این برای یک عکاس آماتور شاید توجیهی نداشته باشد. در کار حرفه ای و با شمارگان بالاتر عکاسی دیجیتال توجیه دارد.

شاره ی هم در ه نقطه قوی کار دوربین هایی دیتال در این مورد هم لطف توضیح دهید.

در عکاسی دیجیتال تحت شما نقطه سفید دوربین را براحتی می توانید تنظیم کنید با بالا فاصله از محلی تاریک به روشن بروید و عکس بگیرید ولی در عکاسی سنتی ایزوفیلم و رول حلقه آن باید برای دو فضای متفاوت عوض شود. البته مهمترین ضعف دوربین های دیجیتال در حال حاضر آن است که بزرگ کردن یک عکس دیجیتال بسیار مشکل است ولی فکر می کنم این مشکل را در آینده تکنولوژی حل خواهد کرد.

این در حالی که دیتال خطری برای عکاس حرفه ای محسوب می شود؟ ه حد درست است

فکر می کنم تا حد زیادی درست باشد چون دوربین دیجیتال ابزار قدرتمندی است برای کسانی که طبع و استعداد عکاسی را دارند و می توانند با آزمون و خطا سریع یاد بگیرند. نیمه آماتورها با دوربین دیجیتال می توانند حرفه ای شوند. هر چند از یک دیدگاه دیگر این امر آسیبی به حرفه ای ها وارد نمی کند و اگر آنها هم کار با دیجیتال را یاد بگیرند می توانند جایگاه خودشان را حفظ کنند. به هر حال عکاسی سنتی جذابیت های خاص خودش را دارد.

در مقدمه ای هم که خودتان ذکر کرده نوشته اید از محدوده های عکاسی سنتی یاد کرده اید غیر از موردی که تا کنون مطرح شده خودتان هم در تجربه تان به این مورد رخورده اید

بله. در تجربیات خودم در تاریکخانه عکس دانشگاهت برای رسیدن به یک کنتراست خاص مجبور به صرف هزینه بالایی بودم. در کل تکنولوژی دیجیتال به آن چیزی که ما به طور طبیعی می بینیم نزدیک تر است. بخصوص با توجه به محدودیت هایی که در بازار برای دستیابی به فیلم های حرفه ای عکاسی سنتی وجود دارد.

دوربین های دیجیتال نیمه حرفه ای که در کتاب ه تهیه شده ه وی گی های یاد رنده

این دستت به لحاظ ظاهر غیر قربنه ای هستند و چیزی مابین دوربین های دیجیتال آماتور و حرفه ای هستند.

همگی هم لنز سرخود دارند که قابل تعویض نیست و تقریباً در تمام موارد هم لنزهای زوم هستند. اما در کلاسیک ت ما دوربین نیمه حرفه ای نداریم و فقط دو رده حرفه ای و آماتور داریم. البته این مورد را هم باید اضافه کنم که در دوربین های حرفه ای دیجیتال چیزی سد راه لنز و سنسور نیست و در واقع فضایی خالی وجود دارد. بنابراین خیلی باید دقت کرد که هنگام تعویض لنزهات آسیبی یا خشی وارد نشود و این یک مشکلی است که خیلی از شرکت های سازنده دوربین های حرفه ای هنوز با آن مواجه هستند.

در بخش مربوط به ویرایش تصویر هم نگونه که خودتان هم اشاره کرده اید نوینده خوانندگان به منوه ی یک نرم افزار خاص که ظاهر من کاملاً وسردرگمی است نمی کشاند.

بله. در خیلی از کتات های نرم افزار گرافیکی ت به نوعی با ترجمه نرم افزار مواجهیم ت به علاوه چند مثال که کار را هدفدار نشان نمی دهد. اما در این کتات هدف رسیدن به جلوه های خاص تصویری و عکاسی از طریق نرم افزار به عنوان یک وسیله مطرح می باشد.

تا فراموش نکرده ام بد نیست اشاره کنم که من ت یک وت سایت کوچکی برای کتات درست کرده ام با این آدرس:

www.Geocities.com/AKASIDIGITAL

که در آن مقداری از مقدمه نویسنده آمده همراه با فهرست مندرجات و چند صفحه از کتات.

در مورد ویرایش تصویر شاره ی هم ه ویرایش عکس های سنتی شده یا تهیه مربوط ه عکاسی دیتال است

بله. در این مورد هم بحث کرده و خیلی جالت است که نویسنده هیچ حساسیتی روی دوربین های دیجیتال ندارد و راجع به هر دو تقریباً به گونه ای متوازن صحبت می کند. نکته دیگر اینکه هر چند خود نویسنده هیچ اشاره ای نمی کند ولی به نظر می رسد راجع به فنون چاپ هم مطلع است. مثلاً در جایی اشاره می کند برای چاپ انبوه یک عکس چه شرایطی لازم است. بنابراین به نظر ت این کتات برای چات خانه ها و لیتوگرافی ها هم خیلی مفید خواهد بود و من کمتر کتابی درباره ویرایش تصویر با این وی گی ها دیده ام.

کتاب ویژه
مهر رشیدیان

گفت وگو با فریدون خسرویان (عکاس) به بهانه آینه های کاغذی (مجموعه ۲۲۰ عکس از هنرمندان تئاتر و سینما)

دیدن؛ بلی- خواندن؛ خیر

فریدون خسرویان متولد ۱۳۴۶/۶/۶ در شهر تهران متولد می شود. و در سال ۱۳۶۱ به قصد گذراندن دوره طراحی در هنرهای یک عکاسی سفر نامی شود که صحت و شنیدن از زشک سوری یاد گرفتن عکاسی سفر نامه نمی شود که صحت و شنیدن از زشک بیگونه ای دمی کند» ولش که به ریخته نه رفتم هاد زظهور عکاس مطلق شد لبر نشد نبود دوگانه: روز بین نوروحی ری ردوم به سومین روز عکاس هر تنبید»

خود روان هاد زیه ه ی کاغذی که در دو نفع به نه گذ وگوی به نیز همین کاس است کون به شگرمی قلم طی داد شی مشغول عکاسی زنون بدگذان یر ان است. اه بیگونه که شنیده یم و زسه ستمد ران یه دنیز عکاسی کرده که فعلاً گذ وگوی به در لا ۸ لای قد ۲۰ یک که هم بی که حتی رنگ دیو رر هم وشد نده تند در دفتر طی داد شی و حضور سرکار خانم نوطی بی است طبی صور گرفتن و خود روز نگه شمش می داخت وین کت هم می دوید گفت: «ل یه که هش کت به قیامن رعکاس»

بگذریدید زیر طاقشه سوژه شروع کنیم شه مدلر سوژه رمی دید پنکه سوژه حال تعیین می کرد

اصولاً کل عکس های کتات حسی است. عکاسی این مجموعه با خانم ستوان درخشنده شروع شد و با عکس مسعود کیمیایی به تایان رسید. در واقع از یک کارگردان شروع شد و به کارگردان دیگری ختم شد. عکس خانم درخشنده در آتلیه کار شد و از آقای کیمیایی در منزلشان عکس گرفتیم.

خوبست همه اینها بر حالتت حس و فضایی که بر عکس حاکم است تأثیر می گذارد. البته اگر من تمام عکس ها را به شما نشان دهم این تغییر و تکامل حس کاملاً مشهود است.

زنوع روطان سوژه بگیید یا بخشهای دیگر زندگی شان هم تو ه شته اید مه لاً در مورد زیگزان و نقشه ی که تا کنون یاد کرده اند

حشر و نشر با بعضی از این آدم ها تأثیری بسیار عالی داشت. اصولاً نوع ارتباط برقرار کردن من و سوژه است که کیفیت عکس را تعیین می کند. در جاهایی که ارتباط برقرار شده مثل عکس های فرهاد اصلانیت محمدرضا فروتنت امین حیایی یات مان بازغیت به گمان خودم عکس ها عالی کار شده. مثلاً در مورد آقای مهرجویی این ارتباط سخت برقرار شد و عکس هم نتیجه دلخواهی نداشت.

در پنکه کار «فلاش تر» عکس کرده اید و قطعه می دنید که فلاش تر مفهوم و فضایی تخت تک هدی و حتی تیز عمق و ید وری می کند. قصد شما زکار فلاش تر بوده

این در واقع شروع کاری بود با نور مصنوعی. در ضمن در این کتات تنها عکاسی چهره کار شده و در واقع این نیاز به فلاش چتر بیشتر برای حجم دادن به چهره ها صورت گرفته است. چون شرایط نوری می بایست مساعد با حالت های صورت باشد. شما مثلاً عکس خانم سلیمانی را ببینید تنها حس مشهودت ترس است.

کدرم یکه نه بید؟ ه سوژه ی مختلف تغییر می کند. ملاً یک سوژه در کلوز شده و سوژه دیگر در مدیوم کلوز. دلیل این تغییر کدرم؟

ابتدا قرار بود که تنها از کادر کلوز آب استفاده شود اما جایی که مدیوم کار شد مت دلیلش این بوده که ما از دیگر عکس ها راضی نبوده ایم. ببینیت از هر سوژه ای بین ۲۸ تا ۱۰۸ عکس گرفته ایمت یعنی کلاً ۲۵۶ هزار فریم عکس بوده.

معصومه انصاری و دوران دانش‌آموزی

ساعت ۱۰ت قصه شت در سکوت

د نش موز ـ لـه ی دوره ـ در ین هفته معصومه نصـ ری یکی ز پهره ی رملاش عرصه که ـ د ری وکـ خو نی ـ سـ که ـ لـ ن د ری د ر کـ نون ـ ورش فکری کودکـ ن و نو ـ ن ـ ر ی کـ خو ن کردن گروه فر ـ و نی ز کودکـ ن و نو ـ و ـ ن تلاش ـ م ـ نمروع ـ شفـ ـ ه صور ـ د ده ـ سـ ـ وی صفحه د نش موز ـ لـه ی دورکـ هفته ـ ر می خو ـ ند و در یکی ز روزه ـ ی نه پشگـ ـ ه ـ ین لمللی کـ تهر ـ ن وقتی ـ ی صح ـ نش ـ نـ ـ تم دو ـ قیم که ـ خ ـ طر ـ ا و خو ـ ندنی ز ـ ن دور ـ ن د ـ د ر دکـ ه ـ پشه ـ دم ـ ن ـ ر نوش که ـ ندکی تلخیص ز نظر شم ـ گر ـ م ـ ن می گ ـ ر د

اولین مدرسه‌ای که درس خواندم اسمش ۱۷ دی بود. ساختمان قدیمی بود که از طرف یکی از اهالی خیر شهرستان ملایر در اختیار آموزش و پرورش گذاشته شده بود.

از اولین مدرسه‌ام آنچه که بیشتر یادم می‌آید بازی‌های متنوع مدرسه بود و اینکه فضا برای تمام بازی‌ها و شیطنت‌های ما وجود داشت.

حیاط مدرسه آنقدر بزرگ بود که من تا کلاس سوم قسمت نشست آن را ندیده بودم. درس خواندن هم آن روزها مثل بازی برایم شیرین بود.

یادم می‌آید به اینکار معلم کلاس سوم برای اینکه جدول ضرب را بهتر و زودتر یاد بگیریم دست‌هایمان را به هم داده بودیم و دور حیاط می‌چرخیدیم و بلند بلند و با هم جدول ضرب را تکرار می‌کردیم و به سرعت هم حفظ می‌شدیم. از سخت‌گیری و ترس و زر و زر و تنبیه مدرسه‌ای آن‌طور که از همسن و سالان خودم می‌شنوم چیزی به یاد نمی‌آورم. شبیه در مدرسه ما کم اتفاق می‌افتاد اما ترس از تنبیه وجود داشت. چیزی که زیاد رایج بود حبس بود. تهدید همه معلم‌ها و مدیر و ناظم حبس در انباری نشستن حیاط مدرسه بود که به ندرت اتفاق می‌افتاد ولی ترسش در جان همه بچه‌ها بود.

کلاس دوم دبستان که بودم اولین درس کتاب فارسی امان اگر درست یادم مانده باشد اسمش «تابستانی که گذشت» بود. روزی که قرار بود از آن درس معلممان برایمان دیکته بگوید واقعاً من نمی‌دانستم دیکته یعنی چی؟ صبح آن روز از شدنم شترسیدمت نشستد چند دنداله دارد و گفتم که بلد نیستم. شدرم گفت دختر جان از رویش بنویس تا یادبگیری من هم همان کار را کردم. موقع دیکته هم همان صفحه را که توی خانه نوشته بودم جلویم گذاشتم و همانطور که معلممان دیکته می‌گفت من کلمه‌ها را شترنگ می‌کردم و دنداله‌های نشستند و تابستان را می‌شمردم که درست باشند وسط‌های کار معلممان دید. یک دفعه دفتر را از زیر دستم کشید و گرفت بالا و گفت: بچه‌ها دز کلاس معلوم شد بگویید خفت. بعد هم فریاد بلند بچه‌ها که مرا دز کلاس خواندندت همه چیز به سرعت اتفاق افتاد شوکه شده بودم دزدی‌ت خفت‌ت حس بدی داشتم. آن لحظه بیشتر از آنکه خودم را گناهکار بدانم از رفتار غیرعادی معلممان بهت‌زده بودم. بعدها فهمیدم کار من اسمش تقلت بوده است. تقلت هم یعنی دزدی شاید بدترین سال دوران تحصیلم کلاس دوم دبستان بود و حس بدی که به آن معلم داشتم مدت‌هام آزارم می‌داد. رفتار او مرا از درس دیکته بیزار نکرد بلکه از خودش بیزار کرد و تا مدت‌ها از رنگ سبزت که این هم خودش قصه‌ای دارد. آن سال‌ها دانش‌آموزان روبان به سرشان می‌زدند هر کلاس به یک رنگ. رنگ روبان کلاس دوم سبز بود و من از هر چه که مرا یاد کلاس دوم می‌انداخت بیزار شده بودم.

اجازه بدهید از یکی از معلم‌هایم که از اقلیت‌های مذهبی بود یاد نیکی بکنم. شاید تحت کنید ولی او که یهودی بود کاری کرد که من در کلاس چهارم قرآن را به درستی بخوانم و به قرآن علاقه‌مند شوم. اسمش خانم کاشه بود و اینه توی مدرسه و محل به مهربانی و انسانیت معروف...

◆ یادم است که کتات مناظره دکتروتیرنوشته شهیدهاشمی‌ن اد را توی خانه‌مان داشتیم. نمی‌دانم چندبار آن را خوانده باشم خوت است...

آن سال‌ها جزء سی‌ام قرآن را می‌خواندیم. معلم‌و. د قرآن هم نداشتیم. معلم خودمان هم که یهودی بود. یادم می‌آید که من و یکی دیگر از بچه‌ها به اسم سودابه سیروانی به بچه‌های کلاس قرآن یاد می‌دادیم. من از شدرم یاد می‌گرفتم و سودابه از مادربزرگش و با چه دقت و شوقی. معلممان صندلی‌اش را می‌گذاشت کنار شنجره و کلاس را می‌سترد دست ما دو نفر. من و سودابه به نوبت می‌خواندیم. بچه‌ها یکی‌یکی و گاهی با هم تکرار می‌کردند. البته حضور او در کلاس باعث می‌شد کلاس منظم و جدی باشد. درس دادن در حضور معلم به من احساس قشنگ مفید بودن و مسؤولیت دانش‌آموزی می‌داد و به دنبال آن یادگیری روخوانی قرآن بود. هنوز هم نگاه تشویق‌آمیز و اطمینان بخش خانم کاشه را فراموش نمی‌کنم. آنقدر زنگ‌های قرآن برای ما مهم شده بود که تمام هفته را توی خانه تمرین می‌کردم تا معلم خوبی باشم. البته شدرم هم از این اتفاق خیلی راضی و خوشحال بود.

یادم می‌آید که شدرم همیشه رمان می‌خواند فکر می‌کنم کرایه می‌کرد چون توی منزل کتابخانه نداشتیم. شدر همیشه یک کتات دستش بود و فقط خودش می‌خواند و البته دست ما به آن نمی‌رسید. کتات‌های شیلسی هم زیاد می‌خواند. چندتایش را خوانده بودیم کارآگاهش ملیک هام نامی بود و خیلی برایم جالب بود. رادیو آن سال‌ها خیلی رونق داشت. شت‌ساعت ۱۰ قصه شت بود. شدر هر جا که بود خودش را ساعت ۱۰ به قصه شت می‌رساند. خانه ما ساعت دشت‌ساعت شت بود اگر مهمان داشتیم. شدر رادیو را می‌داشت و می‌رفت توی یک اتاق دیگر و مادر از این بابت به او غر می‌زد که حالا اگر یک شت گوش نکنی چه می‌شود. نماز است که قضا شود و شدر می‌خندید و می‌گفت قضای نماز را می‌شود به جا آورد اما فوت قصه شت که بگذرد کاری نمی‌شود کرد.

چهارشنبه شت‌ها هم برنامه فرهنگ و مردم بود و یک شت دیگر هم قصه شت. لیسی جانی دلرک خیلی وقت‌ها معمایش می‌شد و می‌رفت توی یک اتاق دیگر و مادر از این بابت به او غر می‌زد که حالا اگر یک شت گوش نکنی چه می‌شود. نماز است که قضا شود و شدر می‌خندید و می‌گفت قضای نماز را می‌شود به جا آورد اما فوت قصه شت که بگذرد کاری نمی‌شود کرد.

دیگر هم قصه شت. لیسی جانی دلرک خیلی وقت‌ها معمایش می‌شد موضوع بحث خانوادگی. تابستان‌ها صبح قصه‌های مجید را از رادیو می‌شنیدم و صبح‌ها هر روز تا قصه خانم عاطفی را نمی‌شنیدم مدرسه نمی‌رفتم.

خواهر بزرگم زن روز می‌خرید که با هر اختصاصی بود. البته هر جا که قایمش می‌کرد شیطانیش می‌کردم و دزدکی بر سر دوراهی هایش را می‌خواندم و دلم لک می‌زد برای حل جدولش که حرأت نمی‌کردم چون می‌فهمید و آن وقت لابد جلی قایمش می‌کرد که دست فلک هم به آن نمی‌رسید.

خوت یادم است که کتات مناظره دکتر و ـ شیر نوشته شهید هاشمی: اد را توی خانه‌مان داشتیم نمی‌دانم چند بار آن را خوانده باشم خوت است. ۱۸ بار؟ آنقدر خوانده بودمش که همه ماجش را دیگر حفظ بودم. یادم می‌آید یک شت مدرسه را گرفت کتات را گرفت که نبود. برادرم گفت آن را به دوستش داده که بخواند. شدر عصبانی شد و گفت داشتن این کتات جرم دارد و همین الان بروبگیر که با واسطت مادرم آن شت. شدر از خیر کتات گذشت.

یادم می‌آید تهاجمی‌ای که شدرم همیشه می‌خرید و به خانه می‌آورد مکتب اسلام بود و من تهاترفرقش می‌کردم و از مطالب خشک و خط ریز آن خوشم نمی‌آمد. تنها از جلد رنگی‌اش خوشم می‌آمد. کتات نبود و نبودنش را من خیلی حس می‌کردم. تنها راه ارتباط ما دختران آن روز با جامعه مدرسه بود. توی مدرسه هم از کتابخانه خبری نبود.

کتات‌های درسی تنها مواد خواندنی بود که ما در اختیار داشتیم. کتات در دسترسمان نبود اما نیازش فراوان بود. برای همین کاغذهایی که لای آن سبزی و شنیر ـ شنجیده شده بود و به خانه می‌آمد با ولع می‌خواندیم و فردای آن روز ساده‌انگارانه توی کاغذهای سبزی و شنیر دنبال بقیه‌اش می‌گشتیم.

گاهی فکر می‌کنم این عطش که امروز برای مطالعه دارم نیازش در سال‌های جوانی به وجود آمده است و با خود می‌آوردیم نیاز درونی فرد به مطالعه به داشتن شرط اول کتابخوانی است. وجود کتات هم لازم است اما کافی نیست. چرا که امروز بعد از گذشت ۲۰ سال هنوز هم متولیان فرهنگ جامعه دغدغه‌شان روش‌های علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به مطالعه است. با وجود رشد و توسعه کمی و کیفی کتات‌های کودک و نوجوان سطح مطالعه مطلوب نیست. چرا؟ چه عامل و یا عواملی مانع رشد نرخ کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان است؟

به نظرم باید علت این مسأله بی‌نیازی کودکان به مطالعه باشد. آن روزها کتات اگر در دسترس نبود تفکر بودت تخیل بود. بچه‌های آن سال‌ها فراغت داشتند درباره مسائل زندگی فکر کنند و خیال‌ت‌ردازی کنند اما امروز فراوانی مواد خواندنی و رسانه‌ای تمام اوقات بچه‌ها را شتر کرده بچه‌ها امروز فرصت تفکر ندارند و این مسأله مهمی است.

یادم می‌آید که در دوران دبیرستان کلوپ ادبی داشتیم. عصرهای دوشنبه بعد از تمام شدن ساعت درس معلم ادبیاتمان که بعدها هم شد رئیس دبیرستانمان‌ت کلوپ ادبی را راه‌اندازی کرد خانم دبیران که خودش هم شاعر و بانوی بود و یادم می‌آید وقتی وارد کلاس می‌شدت بچه‌ها هنوز دزنات و تت شیطنت‌های قبل از آمدن معلم بودند تند تند قدم می‌زد شعر ـ ش را برای احمد شاملو را با احساس و از حفظ می‌خواند و بچه‌ها ساکت ساکت گوش می‌دادند.

توی کلوپ ادبی بیشتر شعر می‌خواندیم و کمی هم قصه و قطعه ادبی. شعرهای احمد شاملوت فریدون مشیری و سیمین بهبهانی بیشتر خوانده می‌شد. شعر ـ ش را با آن روزها همه‌مان حفظ بودیم از بس معلم ادبیاتمان آن را خوشگل و با احساس می‌خواند.

گفت‌وگو

مریم ـ ری

گفت‌وگو با مریم خیرالدین دانش‌آموز کتابخوان (کرمسار)

نمی‌توانم کلاس داستان‌نویسی بروم

نه پشگـ ـ ه ـ ین لمللی کـ تهر ـ ن فرصتی ـ ر فر هم کرده ـ د نش موز ـ ن کـ خو ـ ن ز قصی ـ ه ـ ط کشور شـ شویم ز حمله ـ ین ـ د نش موز ـ ن مریم خیر لدین د نش موز کـ خو ـ ن و کـ دوسـ ز شهر گرم ـ ر سـ که ـ ین همه ـ ر ـ و طی کرده ـ ز تردیک زرگترین رخد ـ د کـ سـ ـ ل شـ شـ شود

قدر کـ ـ می‌خو ـ نی

بیشتر وقتم را با کتابخوانی‌ت چه درسی و چه غیردرسی می‌گذرانم.

بیشتر ـ ز ـ ه ـ نوع ـ ندگ ـ نی ـ ر ـ می‌خو ـ نی

نویسندگان مشهور که در نوشته‌هایشان عواطف و احساسات کودکان و نوجوانان را براحتی بیان می‌کنند.

بیشتر ـ ه کـ ـ ه ـ یی می‌خو ـ نی

رمان. من حدود ۲۰۰ جلد کتات رمان در کتابخانه کوچکم دارم.

ـ ر ـ ه ـ ن

رمان خواندن‌ت به گفتار من کمک می‌کند. بر خی از رمان‌ها واژه‌ها و کلمات جالبی دارند که علاوه بر آن بعضی از رمان‌ها واقعاً ـ شند آمیز هستند ت از طرفی خواندن رمان به من کمک می‌کند تا در نوشتن انشا موفق‌تر باشم.

بیشتر ـ ه موضوع ـ ت ـ ر ـ ر ـ ی نشـ نخـ ـ می‌کنی

بیشتر از زبان حیوانات و اجسام می‌نویسم.

**سـ ـ ـ حتـ ـ ـ د سـ ـ ـ

گفت‌وگو

سیده سمیه نعیمی

گفت‌وگو با دکتر جواد حاتمی

برگزاری جشنواره کتات

فر خو ن شنو ره که طرحی سـ زسوی خ نه فرهنگ نیمرخ که ز کلیه نو و ز ذو و ز ذعو کرده: هد ی که ه: سیس که خ نه درمـ طق مختلف کشور ری کنند. ند مهذ رسـ ل ذر ی ن رد پشـ ود م قر ر سـ ین ز ریخ تغییر کند. دکتر و د حـ تمی مدیر بخش رز ط خ نه فرهنگ نیمرخ و م ؤول ین شنو ره گفت وگو کردیم که می خو نید.

م ری صلی ین طرح که و طور شد که ه فکر رگز ری نین طرحی قد دید

مجری اصلی این طرح مؤسسه رسانه‌ای وابسته به تلویزیون است که برای بچه‌ها کارهای تلویزیونی انجام می‌دهد. این طرح نیز یکی از برنامه‌های خانه فرهنگ است که با کمک شورای بینندگان انجام می‌شود و در آن از جوانان و نوجوانان خواسته شده تا کتات‌های اهدایی خودشان را برای ما ارسال کنند.

هدف شد ز ری ین طرح ه ودهو ی ر ی شد نیز سودی در رد رد

به‌صورت مشخص سودی برایمان ندارد. اما هدف ما از این کار ترویت و توسعه فرهنگ کتابخوانی است و فکر کردیم بهتر است به‌جای صحبت‌ت در این زمینه یک کار عملی انجام دهیم.

ین که خ نه در ه ست نه ی ی ر می‌شود

هنوز استان‌ها مشخص نشده اما اولویت با استان‌های محروم است. البته قرار بر این است که ابتدا کتات‌ها را جمع آوری کرده و سـتس استان‌ها را انتخاب کنیم و بقیه کارها را انجام دهیم.

ه نوع که ه یی تنه می‌کنید و ر در طرح شه که ه ی کودک ن قر ر نگرفته ند

در جمع آوری کتات‌ها از لحاظ موضوعی‌ت محدودیتی وجود ندارد. ولی چون خانه فرهنگ حیطه فعالیتش بیشتر جوانان و نوجوانان را در بر می‌گیرد ت کتات‌ها نیز در این رده سنی در نظر گرفته شده است.

ی در ز سیس ین که خ نه نه رگ نه ی دیگر نیز دخیلند

برای چگونگی تأسیس کتابخانه‌ها باید با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شورای محلی و شهری صحبت کنیم که البته این کار هنوز انجام نشده و بعد از جمع آوری کتات‌ها صحبت خواهیم کرد.

ی ز کودک که ی ر ی شد رسـ ل شد و ی گه ن نمی‌کنید مد مقر ر ی رسـ ل که ه محدود سـ

تاکنون کتابی دریافت نکرده‌ایم ولی دلیل انتخات این زمان برای انجام این طرح‌ت مقارن بودن با نمایشگاه بین‌المللی کتات بود. البته قصد داریم زمان ارسال کتات‌ها را تمدید کنیم.

کارنامه

افسانه شعبان‌ز اد

افسانه شعبان‌ز اد در سال ۱۳۴۲ در کرمان به دنیا آمد‌ت‌در و ت‌دربزرگ او نیز باسواد بودند. او تحصیلات ابتدایی‌ت راهنمایی و دبیرستان را در شهر کرمان به ت‌پایان رساند و ت‌تس از ازدواج به تهران آمد. شعبان: اد در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرد. او کار فرهنگی را در سال ۱۳۶۰ با یکی از نشریات امورتربیتی منطقه ۲ تهران آغاز کرد. سردبیری برنامه خردسالان و بچه‌های انقلات در رادیوت سردبیری مجلات رشد نوآموز و رشد دانش‌آموز و عضویت در شورای شعر کیهان بچه‌ها از مسؤولیت‌های قبلی او بوده است.

شعبان: اد در حال حاضر عضو شورای شعر کانون و کارشناس ادبی این مرکز است. از وی تاکنون بیش از ۴۰ عنوان کتات برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

از تألیفات وی می‌توان به کتات‌های زیر اشاره کرد:

«باغ هزار دخترون» برنده دیت‌لم افتخار از چهارمین جشنواره کتات کانون ت‌رورش فکری‌ت «بابا و باران» برنده دیت‌لم افتخار از ت‌نجمین جشنواره کتات کانون‌ت «شیشه آواز» برنده لوح تقدیر از کتات سال سروش‌ت برنده لوح تقدیر از انجمن اهل قلم کرمان و برنده لوح تقدیر کتات سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی‌ت «باغ فرشته‌ها» برنده لوح تقدیر و جایزه نقدی دومین دوره انتخات بهترین کتات سال مجله‌های سلام بچه‌ها و ت‌ت‌کت «زنبور و سبت قرمز» برنده رتبه نخست کتات سال سلام بچه‌ها و ت‌ت‌کت «هدیه خاله نگین» برنده لوح زرین جشنواره کتات کانون و رتبه نخست کتات سال سلام بچه‌ها و ت‌ت‌کت «موش موشی تندتر بره» و «ننه طلا و نازگل».

بر و بچه‌ها:

حسین و تطروس

افشین علا مشغول نگارش رمانی درباره زندگی حضرت زهرا(س) است که انتشارات کمک آموزشی (رشد) چاپ خواهد کرد.

وی همچنین یک مجموعه شعر به نام «عطر خنده امام» در به‌نشر و منظومه بلندی درباره شهید حسین فهمیده در انتشارات سروش دارد که بزودی چاپ می‌شود. نام این منظومه احتمالاً «حسین و ت‌طروس» خواهد بود.

چند کتات علمی و تخیلی

محمدعلی قصاع مشغول ترجمه یک مجموعه ۲۳ جلدی نوشته ت‌اب اسبورن است که اوائل سال آینده چاپ خواهد شد. این مجموعه تحت ت‌وشش داستان‌ت مفاهیم علمی‌ت تاریخی و فرهنگی را برای گروه سنی ۸ تا ۱۲ سال مطرح می‌کند.

از این مترجم‌ت همچنین سه مجموعه داستان علمی-تخیلی که یکی از آنها «نگهبان کهکشان» نام دارد‌ت توسط انتشارات محراب قلم چاپ خواهد شد. قصاع دو کتات «ماجراهای کازل اشتاین» و «دختر مرد ترقه‌ساز» و دو کتات علمی-تخیلی دیگر را نیز ترجمه کرده که بزودی در نشر آرنیده نگار چاپ می‌شود.

همزمان با نمایشگاه بین‌المللی کتات تهران‌ت انتشارات محراب قلم یک مجموعه ت‌نت جلدی از قصاع چاپ کرده است. این مجموعه «کارتن‌های والت دیسنی» نام دارد.

یادداشت:

نگ ر خر م

فرهنگ‌سازی بدون کتات؟!

فرهنگسرای کودک در سال ۱۳۸۰ با هدف آشنا کردن کودکان با فرهنگ شهروندی از سوی سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران آغاز به کار کرد.

از برنامه‌های این فرهنگسرا تحت ت‌وشش قرار دادن تمام فعالیت‌های فرهنگی و هنری مربوط به کودکان شهر تهران و شهرستان‌ها بود. اما به علت عدم تبلیغات مناست فعالیت‌های آن چندان در سطح شهر گسترده نشد و چه بسا بسیاری حتی نمی‌دانستند که چنین فرهنگسرایی تأسیس شده است.

در حال حاضر فرهنگسرای کودک در برنامه‌های آتی خودت کانون‌های آموزشی در حوزه‌های موسیقی‌ت ادبیات‌ت سینمات تئاتر و... دارد. اما این کانون‌ها هنوز به طور رسمی کار خود را آغاز نکرده‌اند. البته در این فرهنگسرا یک بانک اطلاعاتی راه‌اندازی شده که در آن اطلاعاتی در رشته‌های مختلف مربوط به کودکان آمده است، اما مخاطبان این بانک اطلاعاتی به طور مستقیم کودکان نیستند. بنابراین بهتر بود به جای آن‌ت هر چه زودتر کار نشر کتات این فرهنگسرا آغاز می‌شد. چرا که یکی دیگر از فعالیت‌های این فرهنگسرا قرار است نشر کتات و نشریات تخصصی در مورد کودکان و ت‌ابان‌نامه‌های دانشجویی مربوط به کودکان باشد.

آنچه که در ظاهر امر در مورد این فرهنگسرا وجود دارد‌ت این است که فرهنگسرا یک مکان فرهنگی بدون کتابخانه است. در حالی که از چنین نهادی که قرار است تمام فعالیت‌های فرهنگی و هنری کودکان را در بر گیرد‌ت انتظار می‌رود حداقل یک کتابخانه داشته باشد و برای تجهیز کتابخانه‌های کشور فعالیت کرده و یا در مجموع فعالیت‌های مربوط به کتات و کتابخوانی آن در اولویت قرار گیرد و نشست‌هات میزگردها و سمینارهایی را با موضوع کتات و ادبیات کودک برگزار کند. مثلاً به جای غرفه‌هایی که هر چند وقت یک بار به نفع امور خیریه برای فروش ابزار و وسایل مختلف راه‌اندازی می‌شوند‌ت غرفه‌هایی دائمی برای فروش کتات وجود داشته باشد. با حداقل کتات را ارزانتر از کتابفروشی‌ها در اختیار بچه‌ها قرار دهد. تا خانواده‌ها بهانه‌ای برای نخریدن کتات نداشته باشند.

کتات

من و بادبادک

ر لندترین نقطه یر ن محمدرضـ یوسفی تصویرگر: علی ع مه کن کشد ر شد ویژ ول: ۱۳۸۱ ۱۶۰ صفحه ۵۰۰ تومه ن

این کتات‌ت داستان بچه‌ای است که از بادبادکش می‌خواهد او را به بلندترین نقطه ایران ببرد. بادبادک ابتدا او را بر روی بام و بعد روی گلدسته و... می‌برد. در آخر بادبادک بچه را روی قله دماوند می‌رساند که بلندترین نقطه ایران است.

بر بلندترین نقطه ایران از سری داستان‌های تخیلی است که برای گروه سنی «ت» نوشته شده است. تصاویر کتات با رنگ‌های گرم و شاد و مناست گروه سنی مخاطب آن طراحی شده است. اما نام کتات که روی جلد نوشته شده چندان خوانا نیست. یکی از امتیازات کتات‌ت بیان قصه از زبان اول شخص است که با خواننده کودک راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند. انتشارات شباویز بتازگی چند کتات از محمدرضا یوسفی چاپ کرده که عبارتند از: «در عروسی چه می‌خورند؟» ت «از آینه‌ت ت‌هلوان‌ت نه» و «ماه‌تری‌ت ت‌نمایشنامه‌های مرغ قدقدی‌ت «آرزوی ت‌تیران‌ت «زیزی و درخت آسوری‌ت «بابد به فکر فرشته بودت ت‌من رنگ‌ها را دوست دارم» و «آواز در باران».

داستان‌های جدید

د ست نه ی دیدمد د دو لیلا فروگزلو تصویرگر: م یدا گری صفحه ر :علی‌ر تشور کشد ر مدرسه ول: ۱۳۸۱ ۲۴ صفحه ۵۰۰ تومه ن

کتات‌های داستان‌های جدید مداد جادو در دو جلد به نام‌های «کدو قل قله‌زن» و «بز زنگوله‌ت» و گرگ نافلا» نوشته شده است. داستان این دو کتات درباره مداد جادویی است که داستان «کدو قل قله‌زن» و «بز زنگوله ت» را تغییر داده و دوباره می‌نویسد. مثلاً در قصه کدو قل قله‌زن‌ت ت‌تیرزن برای رفتن به خانه دخترش داخل کدو می‌رود (چون داستان قدیمی کدو قل قله زن را حتی شیر و ت‌نگ هم می‌دانند‌ت) اما برای گول زدن گرگ و شیر و ت‌نگ از روش دیگری استفاده می‌کند. یا در قصه «بز زنگوله ت» و گرگ نافلا» این بار گرگ بزها را نمی‌خورد.

مجموعه کتات‌های «داستان‌های جدید مداد جادو» روایتی جدید از قصه‌های معروف قدیمی است که به‌طور غیر مستقیم به بچه‌ها می‌گوید که مجبور نیستند قصه‌های قدیمی را همانگونه که بوده و هست بت‌ذیرند بلکه می‌توان با تغییر در برخی از آنهات داستانی جدید با ت‌تابلی متفاوت خلق کرد.

این کتات از سری داستان‌های تخیلی است که برای گروه سنی ت نوشته شده و تصاویر آن مناست با متن است. این دو کتات اولین نوشته‌های لیلا قره‌گزلو است.

رونیات دختر یک راهزن

سترید لیندگرن متر جم: ز رین وکیلی تصویرگر: یلون ویکلند نشر شمه ول ۱۳۸۱ ۲۳۳ صفحه قیمه: ۱۹۰۰ تومه ن

رونیا دختر یک راهزن‌ت در سال ۱۹۸۱ به قلم آسترید لیندگرن نوشته شده و ایلون ویکلند آن را تصویرگری کرده است. ستس در سال ۱۹۸۳ خاتم ت‌اترپتیا کرمت‌ون کتات را از زبان سوئدی به زبان انگلیسی برگردانده است. نسخه انگلیسی کتات بدون تصویر است اما از آنجایی که کتات برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است و تصاویر زیبای آن در ذهنیت دادن به نوجوانان تأثیر بسزایی دارد‌ت لذا ایلون ویکلند که از جمله از تصویرگران بنام جهان است‌ت در نسخه سوئدی کتات را تصویرسازی کرده است تا جذابیت داستان دو چندان شود.

داستان درباره نوزادی به نام رونیا است که در شبی طوفانی به دنیا می‌آید. در آن شت رعد و برق کوه‌ها را در برگرفته و طوفانی سهمگین به ت‌اشده است. در همین هنگام در قلعه‌ت مت و گروه راهزن‌ها شورایی برت‌ا کرده‌اند. زیرا در آن شت مت صاحت دختر کوچک سرحال و ممکس مویی به نام رونیا شده بود. رونیا خیلی زود رقصیدن و فریاد برآوردن با راهزن‌ها را آموخت‌ت اما فقط در جنگل احساس راحتی می‌کرد.

ستس یک روز رونیات برک-ت‌ستر دشمن بزرگ مت-را دید. زمانی از آشنایی رونیا و برک ستری نشده بود که سخت‌ترین کشمکش‌های میان دو گروه حریف درگرفت و این رونیا و برک بودند که در میانه این کشمکش قرار داشتند.

با فؤاد حجازی آهنگساز تاپ

رو در رو با یک کتاب نخوان حرفه‌ای

فؤاد حجازی پیر موزیک تشابه صمیمانه‌ای دارم. در لحظه نخست هر بهر حرفه‌اش پیش شدیم. به دلایل و ری که نخواستن دادنی‌نخواستن دادنی سازهای حجازی در زمینه موسیقی و هنگ زی و بخصوص تو زندگی سازیکون پهره ی ذ م شد و زستعداد های کم‌نظیر موسیقی تدریس لخیر سازه.

موانه شد که مشکلی سر
خوت نیست.
یعنی که نمی‌خوتید
نمت اصلاً
نه اصلاً
اصلاًت اصلاً. خیالتون از گفت‌وگو راحت شد؟
نه نقاد ید دلش کوه ید. ز خرین کی که خوانده ید به مدتی می‌گرد
دوازده ساله بودم که هزار فرسنگ زیر دریا را خواندم.
منظورت ان همه ان «۲۰ هزار فرسنگ» ژول ورن سر
دقیقا یادم نیست.
سؤاله که هی علمی تخیلی علاقه‌ام رید
من از کودکی خیلی رؤیایی بودم‌ت تا بزرگ شدم. همیشه دنبال کتاب‌ها و قصه‌هایی با طرز تفکر خودم بودم.
یعنی مهد زنان مطالعه وکه تعطیل شد
جسته گریخته می‌خوانم. بیشتر از دوستانم فلان مطلب را از فلان کتاب می‌شنوم.
بین رو دودمتزل که بخانه‌ات رید
در خانه‌ت‌دارم کتابخانه هست. اما اینجا نمت نداریم. ت‌دارم دکترای ادبیات فارسی دارد.
خرین که یک‌خو ندیدکه خوی ود.
اتفاقاً درست می‌گویید.
سر رد مدت دید
بعد از آن هم چندتایی خواندم.
خوف
ماجرای دوازده سالگی که دروغ است. بعدها کتاب ماشاالله خان در دربار هارون‌الرشید و دایی جان ناتلمون را هم خواندم. آنها را هم جسته گریخته خواندم.
رسمی نکردید بامطالعه خودتان نظم دهید
چون من هرگز نتوانسته‌ام جولت بزنم‌ت‌سرش‌هایم را در دل کتاب‌ها ت‌پیدا کنم. عادت کرده‌ام از طریقه آزمون و خطا به زندگی نزدیک شوم. البته هر کسی نظر خودش را دارد. اهل کتاب چیز دیگری می‌گویند.
علیرغم اینکه شما یک کتاب نخوان حرفه‌ای هستید
بیشترین کتاب‌دار در دوره‌ای خوانده‌اید
بیشترین کتاب‌ها را در دوره دانشگاه خوانده‌ام. آنجا دریافتم که تمام نویسنده‌ها سعی در تزریق تفکر خود به دیگران دارند و کسانی هم که جنبه ندارند خیلی زود جذبت آنها می‌شوند.
ظاهراً مشکل شما بیشتر نوع نده‌هاست.
فرقی نمی‌کند. آنها آدم‌ها را قضاوت می‌کنند؛ این خوت است یا خوت بود. آن بد است یا بد بود. اصلاً چه کسی به آنها اجازه داده درباره دیگران قضاوت کنند.
من در رو که وی نوع نده خوانی رسم و صداقه یکی زمؤلفه‌های یک نوع نده خوانی است
فرقی نمی‌کند. تازه تعداد آنها هم زیاد نیست.
البته من در مورد جنبه با شما هم عقیده‌ام (با کمی اضافات) اما از نظر من مطالعه فقط ورق زدن نیست. می‌توانید نگاه کنید و مطالعه کنید ولی شیوه آزمون و خطا از نظر وقت و خیلی جهات دیگر به صرفه نیست و باعث می‌شود آدم همیشه روی نقطه صفر ایستاده باقی بماند و تعداد شکست‌ها خیلی بیشتر از ت‌پیروزی‌هاست.
مشکل از همین نقطه تجربه آغاز می‌شود که ما تجربه دیگران را به خودمان تعمیم می‌دهیم. تجربه شما مال شماست.
یعنی هدرده شما نمی‌خورد تا رهنقاط مشترک زده دند.
فرض کنید شما به یک کشور اروپایی سفر کنید‌ت دلتان برای مادرتان تنگ شودت بر می‌گردید. دوستتان به همان کشور سفر می‌کند و خوش می‌گذراند. آنگاه تجربه زیر سؤال می‌رود و این حرف‌ها در هیچ کتابی نوشته نیست.
شما که نخواندید باشد پذیرفته شد.
فکر نمی‌کنم.

شهرستان ها

مدیر عامل اتحادیه ناشران خراسان:

ناشران شهرستانی راهی برای ورود به شبکه تخش کتات ندارند

مدیر مسؤول انتشارات محقق مشهد یکی از دلایل تاپایین بودن فروش کتات را کم بودن تعداد مغازه‌های کتابفروشی عنوان کرد و افزود: در حال حاضر در مشهد نزدیک به ۴۰۰ ناشر به ثبت رسیده داریم‌ت در حالی که تعداد شبکه‌های تخش و کتابفروشی‌های مشهد به عدد ۵ نمی‌رسد.

زابلی‌ت‌ور در گفت‌وگو با ایسنات ادامه داد: اصولاً افراد ترجیح می‌دهند مغازه‌ها را برای یک کار ت‌ردرآمد اجاره کنندت در صورتی که باید تعداد شبکه‌های تخش بیشتر از ناشران باشد تا ت‌خش کتات بخوبی صورت ت‌ذیرد.

دیگر اینکه ناشران باید بدون واسطه کار کنند و هر ناشر برای خودش یک نمایندگی در شهرستان‌ها داشته باشد. ضمن آنکه برای بیشتر شدن فروش کتات باید فرهنگسازی کند و مردم جامعه با ضرورت وجود کتات در جامعه بیشتر آشنایی ت‌پیدا کنند.

مدیر عامل اتحادیه ناشران خراسان گفت: اتحادیه ناشران در مشهد‌ت هم اکنون فعالیت ندارد و ما در قالت تعاونی کار می‌کنیم و نیازی به وجود این اتحادیه نیست. در حال حاضر معضل فروش کتات وجود دارد؛ ولی به صورت یک مشکل اساسی مطرح نشده است. تعاونی هم هیچ اقدام خاصی برای بیشتر شدن فروش کتات انجام نداده است.

زابلی‌ت‌ور گفت: چند نفر از ناشران‌ت یک مرکز برای فروش کتات‌های خود به وجود می‌آورند و این طبیعی است که کتات‌های مؤلفان و ناشران دیگر را قبول نمی‌کنند.

اصولاً ناشران تازه‌کار و شهرستانی راهی برای ورود به این شبکه‌ها ندارند که در اصطلاح به همان «افیای کتات» معروف است.

برای مبارزه با این شبکه‌ت پیچیده‌ت تخش باید ناشران شهرستانی مراکزت تخش مجزا به وجود بیاورند و به رقابت با ناشران تهرانی بت‌ردازند.

وی در رابطه با کمبود مراکزت تخش در شهرستان‌ها گفت: چون تهران دارای وسعت بیشتری است و ناشران قدیمی و باتجربه آن نسبت به شهرستان‌ها فراوان‌تر است‌ت‌س تعداد تشکل‌های صنفی نیز بیشتر است. شایان ذکر است که در بعضی از شهرهای کوچکت این تشکلات اصلاً وجود ندارد.

سرگذر

سهیل محمودی

در خانه استاد علی تجویدی

عصر نخستین روز فروردین‌ت دست در دست نازنین دخترم و در اتومبیل علی‌رضا ستوراملیت راهی دیدار یکی از بزرگان هنر موسیقی این سرزمین علی تجویدی هستیم که یاد و خاطره آهنگ‌های ماندگارش در جان بسیاری از مردم ما ریشه دوانده، و علی تجویدی سخت بیمار. و حالا در خانه و ستر ستاری روز و شت همسر وارسته و والایش و فرزندانش. جمعی از دوستان و دوستداران تجویدی بزرگ در خانه او حاضر و هر یک گرم گفت‌وگویی با شوکت خانمت همسر استاد تجویدی. صحبت از محله های کودکی استاد شد و شوکت خانم هم درآمد که: من هم بچه خیابان ری هستم. و من داشتم به خودم می بالیدم که در همان حوالی و کوچه ها و خیابان ها بالیده‌ام. و صحبت رسید به بخش هایی از تهران هفتاد-هشتاد سال ت‌پیش که بستری برای رشد و شکوفایی فرهنگ ما بوده است. از خیابان ری و کوچه امامزاده یحیی و کوچه میرزا محمود وزیر و بازار چه نایت‌السلطنه و خیابان صاحت جمع و اسماعیل بزاز و بگیر بیا تا سه راه سیروس (چهارراه مصطفی خمینی حالیه) و ت‌امار و سرچشمه و بهارستان و سه‌راه امین حضور و عین‌الدوله و... و شخصیت هایی که در این مناطق تهران سال ها زندگی کرده اند و نام‌هایی جاودانه در عرصه هنر و فرهنگ و ادبیات و موسیقی ما محسوت می شوند.

یکی از میهمانان وارد گفت‌وگو شد؛ مردی که کمی بیش از شصت سال به نظر می آمدت آقای «گلبانگ». گفت: من بچه حوالی سه‌راه سیروسم و سال ها در همسایگی و مجاورت مرحوم حات میرزا ابوالحسن شعرانی زندگی کرده‌ام.

من با شنیدن نام آقای شعرانی ذکری از جامعیت او در علوم گوناگون به زبان آوردم. اینکه شعرانی از نوادر روزگار ما بود. فقیهت متکلمت فیلسوفت ادیبت ریاضیدان و هیأت شناس و زبان دانی توانا. تسلطش بر زبان های انگلیسی و فرانسه و ترجمه هایش از متون دینی به زبان عربی‌ت مثل صحیفه سجادیه. و خاطره هایی از بزرگان اهل علم که درباره این حکیم بزرگ شنیده‌ام و نقل اینکه یکی از شاگردان نامدارش نقل کرده است که:

ما جمعی از شاگردان آقای شعرانی هر روز صبح‌ت برای گرفتن درس به منزلش می رفتیم.(۱) یک روز صبح برف سنگینی تهران را ستوشانده بود. به حدی که عبور و مرور در کوچه های تنگ و باریک به سختی انجام می شد. گفتیم با این سرمای سوزنده و برف سنگین حتماً امروز درس تعطیل است‌ت سر جلسه حاضر نشدیم. روز یا چند روز بعد که به خدمت استاد رسیدیم‌ت ستوسید: چرا غیبت کردید؟ گفتیم: هوا سرد بود و برف

سنگینی نشسته بودت گمان کردیم که به خاطر سختی رفت و آمد درس تعطیل است. که آقای شعرانی به عتاب گفت: من می‌دانم که آن روز فلان گدای سر سه‌راه سیروس یا چهارراه مولوی‌ت کارش را رها نکرده و بر سر ت‌انوق همیشگی‌اش حاضر شده. حال که چنین است‌ت چرا من و شما کوتاهی کنیم؟ مگر ما از او کمتریم؟!

و گریزی زدم به وضعیت درس و مدرسه و دانشگاه در روزگار خودمان؛ که چقدر از این تعهد آموزشی و تحصیلی در این وانفسا باقی مانده است و چند نمونه اینگونه سراغ داریم؟

آقای گلبانگ‌ت نکته‌ای درباره آقای شعرانی گفت که حالا که ت‌سی از روزها این یادداشت را قلمی می کنم هنوز کلافه و ت‌ریشان آنم. صحبت از تلاش علمی و کوشش های این عالم وارسته روزگار ماست. می نویسم تا ثبت شود و آیندگان و روندگان دریابند مردان مردی در این «۵ آیین قرن دیوانه‌ات فرزانگی ت‌پیشه کردند و بی‌هیاهو و جنجال‌ت عمر و حیات متعالی خویش را نثار فرهنگ این مرز و بوم کرده‌اند.

نکته آقای گلبانگ این بود:

در اواخر دهه سی و اوایل دهه چهل شمسی‌ت من خود شاهد بودم که یکی از کارهای ت‌رمشقت آقای شعرانی‌ت فیش کردن قسمت هایی از اعلام فرهنگ دهخدا بود. وقت بسیاری از روز و شت شعرانی‌ت بر تحقیق و تفحص در این باره می گذشت و در همان ایام‌ت آقای شعرانی با آن تلاش بی‌مزد و منت‌ت نان خانه‌اش را به نسبه از دکان نانوایی شاطر حسین (یا شاطر عباس) سه راه سیروس به نسبه می آورد و به قولی چوت خط نسبه‌اش هم ت‌ر شده بود و بی شکوه‌ای و گلایه‌ای از روزگار و اهل روزگار‌ت لحظه‌ای در کار خود که همان خدمت به فرهنگ و دانش بوده کوتاهی نمی کرد و...

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

و من مبهوت کوچکی و حقارت خویشم و مات عظمت و علو شأن مردی از آن دست.

بس است دیگر.

یا علی مدد

نوشت :

۱- و یا شاید مدرسه علوم قدیمه مروی. فراموشی و تردید از طرف من است. و مدرسه و مسجد مروی در میانه همین کوچه مروی است در خیابان ناصرخسرو روبه‌روی عمارت شمس‌العماره که این محیط و فضای باعظمت علمی که سرشار از خاطره حضور بسیاری از بزرگان فقه و حکمت و ادبیت و عربیت در سده اخیر بودمت امروزه در میان راسته فروشندگان اجناس خارجی از لوازم آرایش و لباس و... و... غربت و مغموم مانده است.

راسته کتابفروش‌ها

نصر لله حد دی

به ت‌پایان آمد آن دفتر

نمایشگاه شانزدهمت هم ت‌پایان یافت و باید تا اردیبهشت سال دیگر به انتظار نشست و آنگاه به استقبال هفدهمین رفت.

استقبال دوستداران کتاب را می توان در مدت ۱۱ روز برگزاری نمایشگاه به سه بخش تقسیم کرد: یکشنبه ۱۴ الی چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ت استقبال و فروش هر دو کم بود. ت‌نجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ازدحام بیش از حد و فروش متوسط و از شنبه ۲۰ تا چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت کمیت خوت و کیفیت فروش مطلوت.

در مدت برگزاری نمایشگاه به اثبات رسید بسیاری از دوستداران واقعی کتاب از شلوغی و ازدحام در خارت و داخل نمایشگاه‌ت اجتناب کرده و در روزهای تعطیل ت‌تا به نمایشگاه نمی گذارند و حرکت لاک ت‌شتی خودروها در خیابان های اطراف نمایشگاه‌ت خود به تنهایی کافی است که هر اعصاب آرامی را متشنت سازد.

به رغم ازدحام و شلوغی و تنگی جا در نمایشگاه امسال‌ت چنان چه اطلاع‌رسانی کافی و صحیحی صورت می گرفت‌ت به یقین در ارتقا سطح کیفی نمایشگاه تأثیر بسیار زیادی را شاهد بودیم.

غرفه های اختصاص یافته به اطلاع‌رسانی همواره شلوغ بود و چه بسیار نشانی ها که به غلط در اختیار دوستداران کتاب قرار می گرفت و باعث سردرگمی آنان می شد. ارائه اطلاعات ناقص موجت هدر رفت اشتیاق و انرژی خواهان کتاب و عدم فروش کتاب از سوی ناشر اصلی می شد و در اینجا نقش اطلاعات مکتوت از سوی خانه کتاب مشخص می گردید.

من نمی دانم آیا می توانیم برای این کار «در صد خطا» فرض کنیم یا خیر؟

اما می دانم وقتی تمامی اطلاعات کتت چاپ شده از ابتدا تا انتها در وزارت ارشاد به ثبت می رسدت چرا این میزان غلط در آرشیو خانه کتاب راه می یابد؟

اطلاعات ارائه شده از سوی «خانه کتاب» به صورت CD و سه جلد کتاب قطور هم اکنون در دسترس است و چه بسا منبع و منشأ ارائه اطلاعات در نمایشگاه همین CD و کتاب ها باشند. به عبارت بهتر اغلاط این بار مکتوت شده و در دسترس دوستداران کتاب می باشندت آیا جای سؤال ندارد؟

شاید به علت حجم بالای اطلاعات بتوانیم خطای ناچیزی را در نظر بگیریم. راه حل رفع خطا آسان است. آیا نمی توان اطلاعات ثبت شده را برای هر ناشر ارسال کرد و از او خواست تا ضمن بازبینی اطلاعات ثبت و ارائه شده‌ت چنان چه غلطی را مشاهده می کندت نسبت به رفع آن اقدام نماید تا شاهد این میزان اطلاعات غلط نباشیم؟

شاید بگویید: برخی از ناشران از همکاری خودداری می کنند. در این باره باید گفت: اولاً این وظیفه ناشر نیست که اطلاعات را در اختیار گذاردت ثانیاً چنانچه ناشری همکاری نکردت می توان در ابتدای کتاب و CD این نکته را متذکر شد و گفت: برخی از همکاران‌ت همکاری لازم را به عمل نیاورده اند و یا اصلاً آنان را ملزم ساخت که اجباراً نسبت به رفع مشکل‌ت اقدامی عاجل به عمل آورند.

از همین امروز شروع کنیم. «کلاه چرخ دهیم» نمایشگاه هفدهم از راه می رسد و چنان چه امروز برای فردا اندیشه نکنیم باید «کاسه چکنم» دست بگیریم و فریاد برآریم که: جا تنگ است‌ت ناشران همکاری نمی کنندت ترافیک سنگین است و هزار و یک مشکل دیگر.

دفتر شانزدهم بسته شد و دفتر هفدهم را ت‌پیش رو داریم. هر آنچه که می خواهیم انجام دهیم‌ت از همین امروز به فکر آن باشیم. یادمان باشد سالیانه یک و نیم میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده می شود و امکانات ما همان امکانات ۲۰ سال ت‌پیش است. فرزندانمان ما را در آینده سرزنش خواهند کردت اگر به فردا نیندیشیم.

نگاه

حمید وند

این گول بین

سال ۸۰ برای من سال بسیار خوبی بود. در آن سال توانستم با ت‌یگری و البته کمی ت‌ررویی دو نشست برای نویسندگان حوزه ادبیات ت‌ایداری ترتیب دهم. در این دو نشست خیلی اتفاقات مبارکی شکل گرفت که تصورش را نمی کردم. از دیدار کسانی بگیر که سال ها بود از یکدیگر خبر نداشتند تا ایجاد زمینه برای برخی قول و قرارها.

چند نفر از دوستانی که دلگیری هایی از هم داشتند در جلسه اول خوت با هم مجادله کردند اما در جلسه دوم راحت کنار هم نشستند و...

چقدر دلم می خواست این کار را ادامه بدهم. راستش کمی هم مغرور شده بودم که بالاخره اتفاقی افتاده است و همه راضی هستند. برای آنکه خیلی از خودم تعریف نکنمت از تعریف و تمجیدها حرفی نمی گویمت اما باور کنید همه امور دست به دست هم داده بود تا من باور کنم که کاری کرده‌ام.

قرار بود که جلسات نویسندگان به شکل های مختلف ادامه ت‌یدا کند. سردار محسن رشید در ت‌ایان جلسه دوم وعده داد که سومین جلسه در موزه جنگ برگزار شود که البته نشد. در اردیبهشت سال ۸۱ مت مهندس چمران ت‌پیشنهاد کرد که به مناسبت سالگرد شهادت دکتر چمران‌ت جلسه‌ای در بنیاد شهید چمران برت‌ا شود؛ که البته این نیز نشد.

چند روز قبل آقای علی رضا کمری در یادداشت کوتاهی با یادکرد جلسات سال ۸۰ ت‌پیشنهاد کرده بودند که در حوالی سوم خرداد برنامه دیگری را تدارک ببینم‌ت البته اگر توانستم. راستش جز خجالت چه ت‌اسخی می توانستم داشته باشم. در سالی که بی هیچ نشستی گذشت‌ت تلاش های زیادی کردم. دوستان بسیاری را دیدم‌ت حرف های زیادی نقل کردم و البته وعده های فراوانی نیز شنیدم. اما دریغ از یک گام به جلو. انگار همه به نوعی می خواستند به من بفهمانند که نباید ساده باور بود. نباید به دنبال کار بی مزد و منت بود. انگار می خواستند بگویند این گول بین که با اتکا به ساعت شمانه‌دار خویش انکار روشنی آفتاب می کند.

نور

فروفرست دن ین‌کـ زسوی‌خد وندتو ن ی
یهت ود ن ی‌حکیم سـ .ا ی یـ م رئاه ین‌کـ ر
ه‌ر ستی‌ودرستی رتوفروفرست دیم. س‌خد وندر
رسـ درحـ لی‌که‌دین‌خودر ر ی و کـ و یر سته‌وخ لص‌کرده
شی

قرآن کریم‌ت سوره‌زمر (۳۹)آیت آیات ۲۰۱

ن‌که حدیـ رو یـ کند و د ر ی گـ ه‌ی و فهم عمیق در دین
شد هتر سـ زهتر رعـ ه‌دکه‌دین‌فهم‌ور وی‌حدیـ ن شد.
امام صادق(ع)ت گزیده میزان الحکمت حدیث ۹۲۰۰ت به نقل از
بحار الانوار

تبلیغ

یک نمایشگاه و تنت حکم

سید علی‌محمد رفیعی

دریکی از واتسین روزهای برگزاری نمایشگاه اخیر کتاب‌ت یکی از دوستان نویسنده را که در یکی از نشریات کتاب ماه نیز دارای سمتی است در خیابان دیدم و اظهار تأسف کردم که امسال هنوز فرصت آن را نیافته‌ام که به نمایشگاه کتاب سری بزنم با این که می دانم این کار برای ما واجب است.

آن دوست عزیز هم ضمن اظهار تأسف گفت که او نیز نتوانسته است تاکنون از نمایشگاه کتاب دیدن کند و ادامه داد:

«راستش سالهای قبل‌ت رفتن نمایشگاه نه تنها برای من واجب‌ت که از اوجت واجبات بود چون مرا به یکی- دو- سه میزگرد هم دعوت می کردند. امسال این دعوتها نبود. از بن کتاب هم که هر سال به ما می رسید امسال خبری نشد و خودت بهتر می دانی که در این شرایط اقتصادی‌ت خرید کتاب برای آدمی مثل من اگر مکروه یا مباح نباشد فوق فوقش مستحب است. وقتی کتابهایی را که لازم داشتم فهرست کردم دیدم که مبلغ خرید آنها چیزی حدود ۱۵۰ هزار تومان می شود. دل دل می کردم که مرتکب همه یا بخشی از خرید کتاب بشوم یا نه‌ت و این که در این شرایط‌ت قرض و قوله و مساعده برای خرید کتاب‌ت چه حکم شرعی دارد‌ت که از ناشر خبر رسید که کتاب جدیدم چاپ شده و چند جلد سهمیه اندک من هم کنار گذاشته شده است. فکر کردم اگر به نمایشگاه بروم‌ت هر کدام از دوستان توقع دارند که یک جلد کتاب جدید را به آنها تقدیم کنم. دیدم این تعداد به همه نمی رسد و باید مبلغ کلانی را برای خرید کتاب خودم و هدیه کردن به این و آن اختصاص دهم. این بود که نتیجه گرفتم که نه تنها امسال هیچ گونه تکلیف شرعی برای رفتن به نمایشگاه کتاب ندارم بلکه رفتن به این نمایشگاه بر من حرام است.»

و سنس ادامه داد:

«قدیمها رسم بود که دوستان نویسندمت او را کمک می کردند و کتاب او را می فروختند یا اگر می خواستند کتابی را برایشان ن‌شت‌نویسی کند‌ت نسخه‌ای را می خریدند و برای امضا به او می دادند.»

وقتی با آن دوست عزیز خداحافظی می کردم به او گفتم: «بادت باشد هر وقت خواستی برای اهل کتاب‌ت رساله عملیه بنویسی‌ت این احکام را هم بیاوری.»

خبر

بزرگداشت آیت‌الله بلادی

همایش بزرگداشت آیت الله بلادی در بوشهر برگزار شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ت‌یامی به کنگره بزرگداشت ت‌نجاهمین سالگرد ارتحال آیت الله سید عبدالله مجتهد بلادی بوشهری ت‌ت از این عالم دینی به عنوان عالمی جلیل القدر در ت‌ایگاه علم و اندیشه و تقوا یاد کرد.

در قسمتی از ت‌یام احمد مسجدجامعی که توسط معاون حقوقی و امور مجلس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خوانده شد‌ت آمده است:

از آنجاکه روحانیت بیدار و ت‌وپای شیعه همواره ت‌یشقدم در مسائل فرهنگی و اجتماعی بوده است‌ت مرحوم آیت‌الله بلادی بوشهری نیز آوازه‌ای بلند در سراسر خطه جنوب یافته است.

ایشان چه در مقام مراجعه عموم مردم و حل و فصل مشکلات و دعاوی آنان و چه در عرصه مبارزات دلیرانه مردم جنوب ایران با اشغالگران انگلیسی و چه در ت‌ایگاه علم و اندیشه و تقوات شخصیتی برجسته و عالمی جلیل القدر است.

همراهی و همگامی آن بزرگوار با مردم بوشهرت دشتی‌ت دشتستان‌ت تنگستان‌ت شیراز و کازرون در دفاع از کشور و نیز تألیفات متعدد ایشان حکایت از زندگی ت‌ربار و توأم با عمل و اعتقاد آن مرحوم دارد.»

گفت‌وگو

با دکتر مسعود درام به انگیزه انتشار «روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران ت‌س از انقلات»

روشنفکری دینی در ایران ت‌س از انقلات

دکتر م عود درام متولد ۱۳۳۵ در تهر ن سـ . کـ رشت سی علوم‌سـ سی زد تشگ ه‌علی (شهید بهشتی کنونی) در یش ز تقلا و ترتیـ زد تشگ ه‌دهلی و د تشگ ه و هرلعل نهرو در هندوست ن د رد. زوی یش ز ین تر جه‌کـ زندگی و زه نه دهوکر سی‌لی ر ل ترسی ی مکفرسن ز سوی نشر نی (۱۳۷۶) منتشر شده سـ . دیدترین کـ و: روشنفکر ن دینی و مدرنیته در یر ن س ز تقلا .که زسوی نشت ر گ م‌تو ه‌نه یشگ ه‌کـ م ل رسید ه نه ین گفـ و گوسـ .

موضوع کتاب «روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران ت‌س از انقلات» بررسی رویکردهای متفاوت روشنفکران دینی ایران در وات‌سین رویارویی آنان با مدرنیته است.

در این کتاب بررسیهایی در زمینه مدلهای رویارویی سنت و مدرنیته و ظهور روشنفکری دینی؛ بازاندیشی در مدرنیته؛ عقلانیت در جریانهای فکری اسلامی؛ زمینه های تاریخی اندیشه های مدرن اسلامی؛ تأثیر روشنفکران مسلمان عرت و هندی بر روشنفکری دینی در ایران‌ت‌ازخیزی اسلام سنتی؛ اسلام و مدرنیته تمام‌مدرنیته‌انتقادی و ت‌ساءمدرنیته در ایران‌ت‌س از انقلات صورت ت‌ذیرفته است.

مبحث کانونی این کتاب سه ت‌اسخ نظری است که در برخوردی آگاهانه با مدرنیته در ایران‌ت‌س از انقلات ارائه می شود. این سه موضع نظری متفاوت‌ت به ترتیت در اندیشه های شفاعی احمد فردید (که در آثار نوشتاری رضا داوری به صورت مکتوت تفصیل می یابد) و در آثار علی شریعتی‌ت و عبدالکریم سروش به اوت خود می رسد. داوری‌ت مدرنیته را به عنوان یک کل به چالش می گیرت‌سروش به نحوی نظام مند مبانی مدرنیته‌را می‌ت‌ذیرد‌ت و انگاره های بر جای مانده از شریعتی نگاهی انتقادی به مدرنیته می افکند. از این رو از خلال آثار این نظریه‌ت‌ردازان است که رویارویی اسلام و مدرنیته در این نوشتار تحلیل می شود.

هر یک از این سه متفکر‌ت به عنوان نماینده یک جریان فکری اسلامی‌ت بر آن اند تا دین را در وضعیت مدرن بازنمایی کنند. آنها از این واقعیت آگاه اند که نظریه ت‌ردازی آنان بخشی از گفتمان مدرنیته است. در تاریخ معاصر ایران‌ت این برای اولین بار است که درونمایه اسلامی در درون جنبش اجتماعی و سیاسی فراگیر مطرح می شود. به علاوه‌ت آثار شریعتی‌ت داوری‌ت و سروش‌ت هر یک وضعیت مهمی را از انقلات‌ت و بلکه از تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران بازمی تابند. انگاره های اجتماعی و سیاسی این اندیشمندان در ت‌اسخ به مدرنیته و از خلال گفتمان مدرنیته بنا می شود. به همین دلیل هم در این کتاب تلاش زیادی می شود تا چگونگی استفاده این سه تن از عناصر اندیشه های مدرن غربی‌ت برای تدوین نظریات اسلامی آنان‌ت و بازسازی اسلام در درون گفتمان مدرنیته نمایان شود. به بیانی دقیقترت این نوشتار نشان می دهد که چگونه انگاره های داوری و سروش همتای خود را در غربت‌ت به ترتیت در رویکرد هایدگری و فلسفه تحلیلی می یابند. اما با وجود آن که شریعتی به نحوی اعلام شده هگل‌ت مارکس و سارتر را به کار می گیرد‌ت انگاره های او کاملا بر یک رویکرد هگلی‌ت یا یک رویکرد مارکسی‌ت یا یک رویکرد اگزیستانسیالیستی منطبق نمی شود. بر داشتی نو از شریعتی در سالهای

این که لزوما نقد سنت باید از درون گفتمان مدرنیته صورت گیرد، یا از درون گفتمان سنت هم می‌شود آن را نقد کرد، بحثی قاطع و روشن نمی‌توان داشت

اخیر نشان می دهد که انگاره های او با نظریه انتقادی مکتت فرانکفورت همسازی بیشتری دارد. این تفسیر از شریعتی تنها در نیمه دوم دوره ت‌س از انقلات حاصل آمده و نتیجه یک بازنگری مطالعاتی در انگاره های اوست.

کتاب حاضر تلاشی است برای فراروی از دیدگاههای مسلط در غرت که همه اشکال اندیشه اسلامی را در عالم دوسویه سنت-مدرن تعریف می کنند. برای این فراروی‌ت همراه با توضیح و تحلیل ماهیت و عناصر تشکیل دهنده سنت و مدرنیته‌ت قلمرویی خاکستری در میان طیفهای سفید و سیاه مدرن و سنت گشوده می شود که دو امکان را فراهم می آورد. یکی امکان برقراری گفت و گویی سازنده میان سنت و مدرنیته؛ و دیگری امکان تعریف گونه ای از اندیشه اسلامی؛ و به بیانی دیگرت امکان مفهوم‌سازی روشنفکری دینی که هم عناصر سنت و هم عناصر مدرن را حمل می کند.

**تعریف شـ ز روشنفکری و روشنفکری دینی ـ ـ ـ

و رسوم قبیله‌ای‌ت هنجارهای اخلاقی یک جامعت متی مقدس چون انجیل یا قرآن‌ت یا سخن یک قدیس یا فردی فرهمند باشد.

نظر ه ین‌کدمر سلام هیچ‌کس‌ز ید صول‌عظ ید ر دون‌دلیل یردوه‌درمو رددیگر عظ دی‌نیز ید ورم یی‌م ندلد شه شد ؛ یزی ه‌ز م سلام تم م لشه ی فکری ن‌در صول و فروع می تو ند مصد ق تعریف غر ی سز - ه وه بخش ؛ هم ی رسش ن- شد ه خصوص که در سز سلامی درس و حد کلام و فا غه و فقه درسده‌ه ی‌متم دی‌ت ه مروز ش هد ستدلال نقد ردو رج و تعدیل در صول وفروع‌م لی‌کلامی‌وفقهی وده بمو ین ره ن تم م‌فر زم وفروده یش د مه ردد رو قع یزی مون رسش ز ن لی ه‌ز لی دیگر متقل نشده س و نمی شود و خلاف ین ه تصریح موزه‌ه ی سلامی‌م موم س . ن ر ین ؛ ه نظر نمی رسد که در سلام یزی ه‌ز م‌س تعریف غر ی ن‌ند ریم

نکت مهم و قابل تاملی مطرح گردید. یک زمان از اسلام راستین صحبت می کنیم و زمانی از اسلام سنتی. آن چه شما گفتید با تعریف اسلام راستین سازگار است که در حال حاضر دغدغه نواندیشان دینی هم هست. در گذشته هم فلاسفه و متکلمان برجسته ای به آن ت‌رداخته اند. اما آن چه در طول تاریخ غلبه ت‌یدا کرده است در تعریف عام و به زعم شما غربی سنت می گنجد. مخالفت با مواردی از آن چه در تعریفی که از سنت ارائه کردم می گنجد محدودیتهای زیادی برای برخی عالمان اسلامی در طول تاریخ ایجاد کرده است. برای نمونه می توان به مشکلات و محدودیتهایی که برای امثال سهروردی و صدرالمتالهین ت‌دید آمد اشاره کرد. بنابراین چنین برخوردهایی با ت‌رسنگری و نوآوری که در تاریخ اسلام کم سابقه نبوده است‌حکایت از شکنگیری و تسلط مفهومی از سنت می کند که در این کتاب مورد نظر من بوده است. البته در این مورد که لزوما نقد سنت باید از درون گفتمان مدرنیته صورت گیرد تنها از درون گفتمان سنت هم می شود آن را نقد کرد تنهجحتی قاطع و روشن نمی توانم داشته باشم‌تجراک ت‌یچیدگی این مطلت در آثار اندیشمندانی که در این مورد کار کرده اند کاملا نمایان است.

ر در ؛ ری‌مو رد ه‌نقدم و تحلیلم و نقل قولهی فر ه ز شخ ص‌ودر ره شخ ص ند کرده ید ی ن‌که ه‌مز یع‌دس ول‌مر هه م تقیم‌د شه شید

نه تنها این اشکال‌ت بلکه اشکالهای دیگری- همچون نگاه شتابزده به اندیشه های فلسفی اندیشمندان معاصر غرت- بر این کتاب وارد است. علت این کاستیهات چیزی نیست جز دور بودن از کانون قدرت سیاسی. تعجب نکنید. در نظامهای توتالیتر هنگامی که از قدرت به دور هستیت امکانات نیز از شما گرفته می شود و به دیگری داده می شود. با وجود استحقاق ورود به‌دوره کارشناسی ارشدت واعزام به‌خارت ،ماند بسیاری دیگر از افرادی که چنین استحقاقی داشتندت اما حق آنها ت‌یامال شد- کنار زده شدم. یا باید با برخی نهادها همکاری می کردم و از بورس دولتی بهرمند می شدم‌ت یا راهی را می رفتم که رفتم. راهی که به وسیله فروش هرچه داشتم و محرومیتهای زیاد خانواده‌ام هموار شد. با وجود مشکلات مالی و نبود تسهیلات‌ت توانستم این ماراتن سنگین و جانکاه را به انجام برسانم و دکتری خود را از دانشگاهی معتبر در هندوستان بگیرم. در چنین شرایطیت مجالی برای ت وهشی نوآم با تأمل بیشتر و مطالعاتی فراگیرتر و عمیقتر نداشتم.

زدکترم عود کرد م‌مذ لاتی درزمینه‌ه ی‌مط لعه فرهنگی‌تو تدینی‌دینی‌ونظریه‌سیر سی‌و شه عی در تشر؛ متعدد ه رسیده س . وی کت ه ی «شریحتی همر ه نظریه نقد دی» « ؛ ن‌ه‌ه ی ز مه‌سیر سی یر ن‌مه صر» و «نظریه سیر سی مدرن در یر ن» و در دس ؛ لیف‌د رد

کتاب کتاب

دولت رسول خدا (ص)

دولت رسول خدا (ص) نوشته صالح حسن لعلی ترجمه دی نصر ری ول قطع‌وزیری ۴۲۸صفحه ۲۶۰۰ تومان نشر وهشکده‌حوزه‌ود نشگاه قم ۱۳۸۱ بها: ۱۷۰۰۰ریال.

تأسیس حکومت و تشکیل دولت از جانت رسول خدا(ص) از اساسیترین برنامه‌های مورد نظر آن حضرت به‌وی ه‌ت‌س از هجرت به یثرت بود.

اهمیت این موضوع‌ت‌اندیشمندان‌ت مورخان ونویسندگان را بر آن داشت تا چگونگی تشکیل دولت رسول خدا (ص) را مورد توجه قرار دهند و از زوایای مختلف به بررسی آن بت‌ردازند.

کتاب حاضرت تحقیقی است که چگونگی شکلگیری دولت رسول خدا(ص) را مورد بررسی قرار داده است.

یثرت و نظام زندگی در آن‌ت عشایر عرت در مدینت ارتباط پثریان با رسول خدا(ص)‌ت هجرت به یثرت واستقرار در آن‌ت تشکیل حکومت در مدینت جهاد و به کاربردن سلاح‌ت برخی غزوات‌ت بامبر (ص)‌ت صلح حدیبیت گسترش اسلام در میانه حجازت گسترش اسلام در شبه جزیره عرت‌ت تحول نظم اداری در جزیر ةالعرت‌ت بام اسلام و مباحثی درباره رسالت اسلام‌ت دین و امنت اخلاق و روابط اجتماعی و خلق و خوی رسول خدا(ص)‌ت موضوعهای دیگری هستند که در این کتاب به آنها ت‌ردا خته شده است.

انسان کامل

انسان کامل نوشته عبدالکریم جیلی (ره) ترجمه و تحشیه صادق حسن‌زاده ول قطع‌وزیری ۶۱۴صفحه ۵۰۰۰ تومان نشر وهشکده تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) تهران ۱۳۸۱ بها: ۱۸۵۰۰ تومان

این کتاب‌ت مجموعه‌ای از همه ت‌پیچیده‌ترین مباحث عرفانی تا اجتماعی‌ترین مطالب را در موضوع خویش در بر می گیرد و از کتابهای مصباح الهدایه‌ت شرح دعای سحر آداب‌الصلوت‌تعلیقات علی شرح فصوص‌الحکمت‌ت چهل حدیث‌ت شرح جنود عقل و جهل‌ت تفسیر سوره حمد‌ت تعلیقات علی الفوائد‌الرضویه‌ت ره عشق‌ت سرالصلوت‌ت صحیفه امامت ولایت فقیه‌ت جهاد اکبرت کشف‌الاسرارت کتاب البیع و تقریرات اسفار گزینش شده‌اند.

در مواردی که نوشته‌های عربی امام (ره) با بخشهایی عربی در متن آمده است‌ت ترجمه آن بخش را در زیر صفحه کتاب می توان خواند. فهرستهای متعدد ت‌یابانبخش کتاب‌اند.

اسلام شیعی در بسیت مردمی

اسلام شیعی در بسیت مردمی نویسنده حیدرعلی خوانین‌مفرد ویراستهلام رضا ی ول قطع‌وزیری ۳۴۴صفحه ۲۰۰۰ تومان نشر وهشکده امام خمینی(س)و تبلیغات اسلامی تهران ۱۳۸۱ بها: ۱۸۰۰ریال.

ت وهش حاضرت تلاشی است برای رفع خلأ تبیینی از علت برتری اسلام شیعی در مقام ایدئولوژی مسلط بسیت مردمی در انقلابت اسلامی ایران و برطرف کردن کاستیهای موجود در ادبیات مربوط به این حوزه. نویسنده در این ت وهش تلاش می کند تا به این ت‌رسش ت‌اسخ دهد که: چرا و چگونه در بسیت مردمی منجر به انقلابت اسلامی ایران‌ت اسلام شیعی در وجه و قالب یک مکتت ظاهر و با اقبال عمومی رو به رو شد و به ایدئولوژی مسلط و غالب تبدیل گردید؟

این کتاب ت‌س از مقدمه‌ای‌ت به هفت فصل و یک نتیجه گیری می رسد. عناوین فصلهای کتاب که هرکدام زیرعنوانهایی بسیار دارند عبارت‌اند از: روایت انقلابت ایران از آغاز تا ت‌یروزی؛ بررسی آثار و ادبیات انقلابت اسلامی ایران؛ ایدئولوژی‌ت کارکرد و جایگاه آن در نظریه‌های انقلابت؛ تشیع‌ت تاریخ سیاسی و برداشتهای سنتی از آموزه‌ها و نمادهای آن؛ عوامل مؤثر در برداشت مکتبی از تشیع و روایت و نسری آن؛ عوامل مؤثر در هرمنوتیک شدن اسلام شیعی در فرایند انقلابت؛ و شرایط عینی مؤثر در ت‌دیرش عمومی ایدئولوژی تشیع در فرایند انقلابت.

این کتاب‌ت همراه با جامعیت و همه جانبه‌نگری خویش در کنار جدولها و نمودارهای متعددت می تواند نمونه‌ای از یک اثرت وهشی و مرجع در نوع خود باشد که بر اساس منابع مکتوت ت‌دید آمده است. منابع فارسی و لاتین و فهرست اعلام در انتهای این اثر آمده‌اند.

از کهنترین تفاسیر شیعی

دقائق التأویل و حقائق التنزیل نوشته ابوالمکارم محمود بن علی لمکارم حسینی واعظ ول قطع‌وزیری ۷۰۰ صفحه ۲۲۰۰ تومان مرکز نشر میراث مکتوب ؛ سازمان اوقاف و امور خیریه تهران ۱۳۸۱.

ابوالمکارم محمود حسینی واعظ از دانشمندان شیعی سده هفتم هجری است. وی افزون بر تفسیر دقائق التأویل و حقائق التنزیل تفسیرنامه فارسی دیگری به نام بلابل الفلاقل نوشته که موجود است و نیز کتابی به نام هدایة‌العوام فی عقائد الأنام که به دست ما نرسیده است.

ابوالمکارم در دقائق التأویل و حقائق التنزیل آیاتی از قرآن کریم را گزارش و تفسیر کرده و به وی ه با عنایت خاص به مباحث کلامی به دفاع از آرای امامیه - علی الخصوص در زمینه امامت - ت‌رداخته و احیاناً نقادیها و نظرات بدیعی را مجال طرح داده است.

این تفسیرت که ت‌س از تفسیر ابوالفتوح رازی از کهنترین تفاسیر شیعی قرآن در زبان فارسی است و با نثری ساده و روان و شیوا تحریر شده‌ت از حیث تاریخ زبان فارسی و سیر نگارشهای دینی شیعی حایز اهمیت فراوان است.

تازه‌های دنیای دین

www. Amazon. com

زهره رجبی

Traditions of Islam: Understanding the Hadith

سنتهای اسلام: درک حدیث

نویسنده: دکتر پاول هاردی Paul Hardy ۳۲۰صفحه ناشر: IB Tauris Co Ltd. ولای ۲۰۰۳ بها: ۶۵ دلار.

حدیث یا سنت‌ت‌س از قرآن مهمترین منبع و سرچشمه تعالیم و عقاید اسلامی به شمار می روند. این سنتها از زندگانی حضرت محمد(ص) مستنتات و استخرات شده و به صورت متنهای مقدسی در آمده‌اند که توسط نخستین مسلمانان‌ت با خلوص نیت به نگارش درآمده و به نسلهای بعد تا امروز انتقال داده شده‌اند. هم اکنون ت‌س از گذشت سالها این نوشته‌های ارزشمند به عنوان منابع بنیادی و اصلی در زمینه تاریخ اسلام و نخستین تعالیم اسلامی و توضیح و تشریح زندگی ت‌بامبر اسلام (ص) کاربرد دارند. این متون همچنین نخستین تفاسیر قرآن را در بیان احکام و قوانین اسلامی در بر می گیرند. این کتاب به اهمیت حدیث و شناخت آن می ت‌ردازد.

نویسنده کتاب ت‌مدرس دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی در دانشگاه لندن است.

World Religions

ادیان و مذاهب جهان

نویسنده: جان کر John Bowker ۲۱۶صفحه ناشر: DK Publishing نوامبر ۲۰۰۳ منتشر می‌شود بها: ۲۵ دلار.

این اثر منبعی مصور و لبریز از اطلاعات مفید و گرانبها درباره ادیان گوناگون و مذاهب مختلف دنیاست. نقوش و تصاویر رنگارنگ موجود در هر صفحه به تشریح بیشتر موضوعهای مطرح شده در کتاب و جزئیات آنها کمک می کند. هر بخش با مقدمه‌ای مختصر درباره یک دین آغاز می شود و سپس در یک یا دو صفحه دیگر که حاوی توضیحهایی درباره اصول عقایدت مناسکت نشانه‌ها و نمادهات وقایع تاریخی مذهبی‌ت بناهای مذهبی‌ت هنرها و صنایع دستی و تفاوتها شباهتها با دیگر ادیان است‌ت ادامه می یابد. معرفی و تشریح ادیان بزرگ دنیا نظیر اسلامیت مسیحیت یهودیت و نیز دیگر مذاهت هندوییسمت بودیسمت سیکیسم و... و حتی اعتقادات بومی مناطق دور در این کتاب گنجانده شده است.

نقشه‌های ارزشمند این کتاب محلها و مناطق مقدس و زیارتی را به خوبی نشان می دهند.

خبر

در دست انتشار است:

بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم

بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی‌ت اثری است از دکتر محمد منصور؛ ادکه از سوی ت وهشکده امام خمینی و انقلابت اسلامی در دست انتشار است.

در این اثر با مراجعه به آثار ت‌رشمار این دو اندیشمند اسلامی و آثار مربوط به آنهات موضوع ترابط و تعامل حاکم و مردم در اندیشه امام غزالی و امام خمینی به بحث و بررسی گذاشته شده است.

در تمامی این کتاب‌ت نویسنده به اثبات این مدعا می‌ت‌ردازد که اندیشه سیاسی امام خمینی از اندیشه سیاسی سنتی در جهان اسلام فراتر می رود. در ضمن اثرت نویسنده با بسیاری از متفکران اسلامی -ایرانی قدیم و معاصر به چالش می‌ت‌ردازد و مهمترین دیدگاهها را در این اثر به نقد و بررسی می نشیند.

دکتر محمد منصور: ادادعای در انداختن طرح نو در این موضوع دارد.

جانباز کربلا

عباس (ع)- بها لاکر کلاز زندگینامه قمر بنی هاشم و فضل له عباس(ع) تألیف عباس شاکری شرح: مقدمه صدق قدوسی؛ ویراسته سید زکی شریفی؛ ول؛ قطع رقعی؛ ۲۰۷ صفحه؛ ۳۱۰۰ نسخه؛ نشر روایت؛ تهران: ۱۳۸۱؛ بها: ۱۵۰۰ تومان

این کتاب در عین اختصارت مجموعه‌ای نسبتاً کامل از زندگینامه‌ت مشخصات نامها و لقابت خصایل‌ت مقامات و اقوال ابوالفضل العباس (ع) به همراه ماجرای عاشورات حکایاتی از کرامات و معجزات آن حضرت تا زمان ما و سروده‌هایی بسیار در مدح آن ولی خدا و جانباز کربلاست.

سـ یر محمدی

گفتگو با دکتر علی رامین

تـبیش درآمد هنر تـست مدرن

«ز ریخ هنر» ثر رز گ ه رو که نشر نی و منتشر کرد و هم کنون در مرحله سوم سـ ه قلم علی ر مین ه ه ف رسی ترجمه شده سـ علی ر مین در رشته قتصد د وعلوم سـ سی در د نشگ ه تهر ن تحصیل کرد و ر ی گ ر ندن دوره مدیر و ر ده د نشگ ه م رو ر دشد و فوق لیـ نس گرفـ و در رشته قتصد د زد نشگ ه لکه تر نگا د ن موفق ه ه دکتر شد و هم کنون در د نشگ ه تهر ن تدریس می کند. و «هنر مدرن» ثرنور و لیتن ر ترجمه کرده که در هفته ری ه ز رد مه سـ «ه نی قل غه هنر» « ی نی هنر» و «کو ک زه سـ » دیگر ثر رو ترجمه ی و سـ .دکتر و مین ترجمه که ه ی «اخد وند ن ندیشه سـ سی» « ز دی و سـ زه ن» و « ت ملانی در حکومو تخ ب» و نیز در کرز مه خود رد

می رسد. این کتاب از آن کتاب هایی است که در زبان انگلیسی بسیار مهم است و تا کنون شانزده بار بازنگری و منجاز از شصت بار تجدید چاپ شده است. این کتاب در زبان های فرانسه، آلمانی و ایتالیایی نیز سـ شرفروش ترین کتاب تاریخ هنر بوده است. شاید یکی از دلایل موفقیت این کتاب این بوده که نویسنده در ویرایـ سـ های متعدد کتاب به اظهار نظرهای منتقدان و استادان هنر توجه کرده و کتاب در واقع با مخاطب رشد کرده و تکمیل شده است.

گوه ز موضوع سؤ ل دور شدیم سؤ ل من در مورد کـ «هنر مدرن» ود که در روزه ی خیر منتشر شده سـ .

بلمت، می خواستم علت انتخاب کتاب «هنر مدرن» را توضیح بدهم که می تواند به گونه ای ادامه تاریخ هنر گامبریت به شمار آید. «هنر مدرن» ر هنر فرن بیستم تکیه می کند و زمینه را برای ورود به بحث های سـتـسـت مدرن بوء د ر سـه دهه سـ ثایلی قرن بیستم مهیا می سازد. سـ ر واضح است که بدون داشتن اطلاعات کافی و شناخت کافی از هنر مدرن نمی توانیم به شناخت درستی از هنر سـتـسـت مدرن برسیم. به همین دلیل تصمیم گرفتم که این کتاب را هم به فارسی ترجمه و منتشر کنم.

ه مد روی ین کـ ز ه ز ه کـ ر کرده ید

ترجمه این کتاب حدود یازده ماه وقت مرا به خود اختصاص داد و بعد به نشر نی سـ سـ رده شد. روی این کتاب هم خوشحاته نظرسـ مثل کتاب قبلی با جدیت کار کرده و زحمت کشیده و چند

روزی است که در کتابفروشی ها و نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه شده است.

ق ی دکتر طی ین سـ لـه کـ ه ی ـ ری در زمینه هنر ـ ریخ هنر و فلـ غه هنر تر جمه و منتشر شده سـ . علاقه مند ن ین حوزه گر خو مند طـ له در ین زمینه و شروع کنند و قه نمی د ند که ز ک بد شروع کرد.

من هم مثل شما یکی از دغدغه های اصلی ام این است که به گسـ ت های فرهنگی جامعه خود توجه کنم. مثلاً می بینم که در یک رشته کتاب های بسیاری منتشر شده که دنبال کردن مباحث آنها برای خواننده دشوار است. یعنی شاید لازم بود که یک کتاب اساسی و مقدماتی در آن زمینه ترجمه و یا تألیف بشود تا کتاب بعدی برای خواننده قابل استفاده شود. یا سـ چهار جلد کتاب به صورت متوالی و با یک نظم آموزشی تهیه شود تا خواننده فارسی زبان که دسترسی به منابع اصلی ندارد بتواند بسهولت موضوع را دنبال کند. این از آن چیزهایی است که خیلی مورد توجه من است. مثلاً در زمینه فلسفه هنر و زیبایی شناسی کتاب های بسیاری از دیرباز در جامعه عرضه شده است. از زمانی که اولین آشنایی ها با فلسفه غرب شـ پیدا کرد یمو آثار افلاطون و ارسطو به فارسی ترجمه و منتشر شد و کتاب امیر حکمت در اروپا ی فروشی تألیف و منتشر شدت حدود از آن همان زمان هم فلسفه هنر و زیبایی شناسی در جامعه ایران مطرح شد. در دوره دبیرستان که بودم کتابی را از مرحوم دکتر کاویانی به نام «زیبایی» خواندم که شاید اولین کتاب در این حوزه بود. ولی کتاب مدون و خوشخوان و جامعی که بتواند مدخلی برای ورود علاقه مندان به این حیطه ها باشد وجود نداشت.

درروزه ی خیر ـ دیگری در همین زمینه نشـ ر ه فته سـ ـ ک «هنر مدرن» ز نور و لیتن» که...

«تاریخ هنر» گامبریت در حقیقت یک تاریخ عمومی است و از مصر باستان و بین النهرین آغاز می شود یعنی از روزهایی که بشر تمدن و هنر ثبت شده ای دارد شروع می کند تا به دوره مدرن که با یک نظم آکادمیک کلیات زیبایی شناسی را در زبان فارسی مطرح کند خالی بود. به این دلیل در میان آثاری که جست و جو کردم کتاب مبانی فلسفه هنر «آن تـشـرد» را بهترین کلی تشخیص دادم که می توانست مدخلی باشد برای مباحث فلسفه هنر و زیبایی شناسی. بعد هم اجیستی هنر» هنلیگ را به فارسی ترجمه کرده که می توانست ادامه بسیار منطقی باشد برای کتاب «مبانی فلسفه هنر» در همین کتاب مبانی فلسفه هنر اشارات زیادی دیدم به کتاب تاریخ هنر» در آنجا راجع به نقاشی صحبت می شود ت راجع به مجسمه سازی صحبت می شود و به معماران بزرگ اشاره می کند. بنابراین به نظرم لازم آمد که یک کتاب تاریخ هنر در زبان فارسی وجود داشته باشد که ضمن تشریح جنبش های مختلف هنری در گذر تاریخ به مباحث نظری و استیک توجه بسنده ای داشته باشد. در زبان انگلیسی که جستجو کردم موفق ترین کتاب کتاب «تاریخ هنر» از سـت گامبریت بود. کسی که هیچ سـتیش زمینه مطالعاتی در حوزه تاریخ هنر و مباحث نظری مرتبط با آن نداشته باشد می تواند از این کتاب بخوبی استفاده کند.

من فکر می کنم در همه زمینه ه ه د ر گ ه ه تیم. ین گ ر در حوزه فلـ غه هنر و ریم در فلـ غه هنر هم د ریم. غرم ید قدم لازم سـ که متون کلاسیک فلـ غه هنر و.. تر مه ر خو نده شود حتی مکه ه ی ه ی هم که در غر طی دوره ه ی مختلف سر ر وردند در ید همه مکـ ز همزه ن ه ه رسیده...

این سؤال شما بسیار مهم است و در حقیقت این مباحث برمی گردد به برخورد ما با مدرنیته که الان در جامعه مورد بحث است و اینکه جامعه سنتی ما چگونه توانست با دستاوردهای مدرنیته ارتباط برقرار کند. همان طور که محصولات صنعتی و فناوری غرب توانست با سرعت زیاد به اجتماع و زندگی ما وارد شود. آثار و فرآورده های فرهنگی غرب هم در فاصله کوتاهی توجه ما را برانگیختند و تأثیراتشان را در هنرمندان و روشنفکران ما برجا گذاشتند. اما مکاتب هنری و ادبی و آثار ادبی که ترجمه و وارد ایران شدند و با مکاتب فلسفی که آشنا شدیمت طبیعتاً برخورد ما با این سـ شدیده ها برخورد یگانه و همسطحی نبود. افراد مختلف با ظرفیت ها و دیدگاههای مختلف این سـ شدیده ها را به جامعه ایرانی منتقل کردند.

حـ من ین سـ که وورد ین مکـ ه و نحله ه ی د ی و هنری ط ق یک رو ل ر ریخی و منطقی صور نگرفـ .

البته خیلی هم نمی توانیم انتظار داشته باشیم که این گونه امور با یک روال منطقی و تاریخی صورت بگیرد. بسیاری از افراد که دست به ترجمه این مکتب های ادبی ـ ت هنری و یا فلسفی زدند ـ ت براساس علایق و با برحسب تصادف آثاری را انتخاب و ترجمه کردند. جامعه ما هم جامعه ای است که به مسائل نظری خیلی علاقه دارد. به بحث ها و مسائل فلسفی هم بسیار علاقه دارد خیلی جست و جو و طلب می کند اما اینکه بجقدر به منظور خود می رسد و غایت آمالش چه اندازه حاصل می شود ت برای من بسیار جای سؤال است. بارها کتاب های فلسفی را دیدم که منتشر شده اما در مدت کوتاهی هم مورد استقبال علاقه مندان قرار گرفته است. ترجمه ای از کسانی که یک کتاب فلسفی را خریده اند توانسته اند بحث های مهمی از آن را بخوانند و در همان صفحات اول مانده اند و به دلیل شوق و علاقه ای که به مباحث نظری و فلسفی داشته اند به سراغ کتاب های بعدی رفته اند. در بین دانشجویانم و مخاطبان عام که در سخنرانی هایم داشته ام تـ ت طی سؤال و جواب ها فهمیده ام که تعداد علاقه مندان به مباحث نظری و فلسفی در کشور بسیار زیاد است. اما کتاب های سرراست و خوشخوان که بتواند افراد علاقه مند را با یک سیر منطقی جلو ببرد ت بسیار نادر است. بنابراین ت دغدغه شما در سؤال مطرح شده بسیار مهم است. من امیدوارم بزرگان این حوزه ها کسانی که زحمت می کشند و کتابی را برای ترجمه انتخاب می کنند در سایه کردن کتاب مناسب با زبان روشن و قابل فهم کوتاهی نکنند.

ا نه که ه ی ز لیفی هم ین مشکلاتی ر دردک و فهم مطلـ ر ی خو نده ء د می کنند. نجمی بید ،عنو ان: لیف ر ه می شود غ ،نوعی هم ن تر مه سـ و ه گر در ره موضوع غر ی شد ین: لیفـ د در پنرین حـ ا می تو ند فقط یک قد س ه شد ر ید گر ز ند سد ـ گ ریم-حکم کلی

نمی خو هم د شد شم- غ ین: لیفـ تر مه ه ی ه ند که سم نوء نده ش ح ف شده و مر مش مشخص تو ـ ـ ین ر ی ر ز ط فرهنگ غر زرگترین مکـ ن ه هم ن تر مه دقیق ز مه ر سـ . متو در تر مه ین ز ر ید حـ سر ه ؤولیی هم شد یعنی که ر ی ر که تخ می کنیم ز ید صرفاً شخص متر مو رف کند ید بش یش مغ ط خودر درنظر د شه شیم و ز خود سؤ ل کنیم که خو تدا گ ن ین ر ز دشو ر ی کند ز ن ه ی ه می کنیم ه که تی خو هند بود

تو ه ه حضور ز ط شه درحیطه ی د نشگ ه ی فکر می کنید که مروزه فضـ ی فرهنگی وء ه در د نشگ ه هم و می زه شد ش و ن د زمینه شد خ هنر و فلـ غه ه وضعی د رد گریز ز مط له م د م ی ز ه شد ش و ن گونه رزء ی می کنید

من نمی توانم بگویم دانشجویان از مطالعه گریزانند. دانشجویان خوبی هم الان داریم که بسیار اهل مطالعه اند. ولی به طور کلی در جنبه های مختلف زندگی دچار فقر کیفیت هستیم. همان طور که صنعت ما فاقد کیفیت است ـ ت فرهنگ ما هم فاقد کیفیت است. در همه این زمینه ها شاید از لحاظ کمی خیلی مشکل نداشته باشیم و از هر یک از نهادها ـ تـ یم ر ون فعالیتشان ـ بت ر ـ یست آمارهای فراوانی در اختیار شما قرار می دهند اما از کیفیت تهی اند. افت کیفیت در کارهای ت وهنـ ی و دانشگاهی هم بشدت محسوس است.

ء د نشگ ه هم تو ـ ـ ه نـ ه هنرمند ء موخ هنر و ء متقد هنر تر ـ ـ کنند

درست است که ما صدها هزار دانشجو داریم ت اما همانگونه که گفتم سطح تحصیلات متأسفانه خیلی نازل است. کیفیت تحصیل به طور میانگین در دانشگاههای ما ت ـ ایین است. وقتی چنین وضعیتی حاکم باشد ت در همه رشته ها اعم از هنری و غیرهنری انعکاس می یابد. ما متقد هنری نداریم ت محقق فلسفه هنر و تاریخ هنر و جامعه شناسی هم نداریم.

ق ی ر ین که «ریخ هنر» شه مروری ر هنر ز ه ز ـ مروز سـ ـ که «هنر مدرن» هم د مه که ق لی شه سـ ...

کتاب «تاریخ هنر مدرن» را به اسم «هنر مدرن» ترجمه کرد مت چون ـ ت ـ ار ای از صاحبنظران بر آنند که هنر مدرن هنوز به تاریخ نـ ت ـ یوسته است. بسیاری از صاحبنظران تاریخ هنر و زیبایی شناسی اعتقاد دارند که از آفرینش های یک سبک یا جنبش هنری باید زمانی بگذرد تا تاریخ بتواند درباره آنها داوری کند. تاریخ هنر مدرن را نمی توانیم تا سال ۲۰۰۳ جلو ببریم ت به دلیل اینکه هنوز آثاری که مطرح هستند ت معلوم نیست که بتوانند از صافی تاریخ گذر کنند. این آثار فعلاً موضوع بحث منتقدان هنر ند. یعنی هنر تا چند دهه تـ ـ ـ از خلق و ارائه ت موضوع بحث منتقدان است و بعد از چند دهه ت موضوع بحث مورخان هنر می شود. بنابراین نام کلی «هنر مدرن» را بر این کتاب نهادم و مترجم فرانسوی هم همین عنوان را برای ترجمه اش انتخاب کرده است. نویسنده کتاب «هنر مدرن» نویریت لیتن ت سال های زیادی استاد تاریخ هنر و فلسفه هنر و تاریخ هنر در دانشگاه های معتبر انگلستان بوده است. با بسیاری از نقاشان بزرگ و مجسمه سازان مطرح همنشینی داشته و از نزدیک با آنها مأنوس و همسخن بوده است. سال های زیادی کارش نقد هنر بوده ت در نمایشگاههای نقاشی و مجسمه سازی شرکت کرده و آثار مختلفی را به نقد گرفته است. اطلاعات مستقیم و دست اولی از تحولات هنر مدرن در اختیار دارد و کتابش را با همین اطلاعات مستقیم به رشته تحریر درآورده است. این کتاب دوره ای را در بر می گیرد که از سال ۱۹۰۵ آغاز می شود که فوویست ها نمایشگاه آثارشان را برپا کردند و تا دهه هشتاد میلادی ادامه می یابد. در فصل آخر هم اشاراتی به سـتـسـت مدرنیـسم دارد. ولی به طور گسترده به مباحث هنر سـتـسـت مدرن نمی ـ ـ ر ـ ـ ـ د دسمی می گذرد چیزی آمدن سـتـسـت مدرنیـسم را نشان دهد. یعنی چه تحولاتی باعث شده که گفتمان سـتـسـت مدرنیـسم مطرح شود و هنرمندانی در این زمینه کار کنند و نظریه ت ر ـ ـ ـ

حرف های دکتر حبیب شریفی مؤلف کتات بهار و موسیقی

خون موسیقی در رگ‌های شعر بهار

دکتر حبیب شریفی متولد خرمشهر است ولی تحصیلات خود را در رشته ادبیات در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به اتمام می‌رساند. هدف از دانشکده حقوق دانشگاه تهران تنها کسب حقوق و فوق لیسانس حقوق را در دایره قانون می‌کند. فوق لیسانس علوم اجتماعی و نیز علوم اجتماعی را در بخش مدرکی است که در بیرجند می‌گذراند و تا پیش از دهه ۴۰ است. لگی زدن دانشگاه سوربن ۵ موفق به اخذ دکترای علوم اجتماعی می‌شود.

وی نزدیک به ۱۸ سال است در فرانسه بوده است و هم اکنون خودش که عنوان «پژوهشگر موسیقی» به دوستان و همفرکانسی‌هایش می‌گفت بیشتر گفت‌وگویی از مردم به مردم می‌خواند لازم است زمانی عاشق هنرهای قدیمی باشد در این مصاحبه قدری نیز کتم.

کتات ویژه

محمدرضا رحیمی

اولین کتاب: این در باب سلی و یرمون به موضوعی منتشر شد

انتشار اولین کتات من با نام «وقف در اسلام و قانون مدنی» برمی گردد به سال ۱۳۳۶ اما «بر حریر ابر» (مجموعه شعرهای من) ۱۱ سال بعد (در سال ۴۷) منتشر شد. در آن زمان کتات را با هدف تلفیق شعر نو و کهنه و به قول خودم آشتی بین آنها نوشتم. چون فکر می کردم جدایی و ارفاقات خصمانه‌ای که بین طرفداران این دو نوع شعر بوجود آمده بود باید به نوعی تصحیح شود. به این ترتیب کسانی که شعر نو می گویند تا سایه های کلاسیک شعر را ندانند مدارت بالای شعر نو فارسی نخواهند رسید. از جمله احوال ثالث؛ اگر می بینیم که حرفش گویاتر و دلنشین تر و در زمره شاعران برجسته نوسرداز است؛ دلیلش آشنایی عمیق وی با ادبیات کلاسیک بوده است. فروغ هم همین طورت مثنوی آتش او در کتات تولدی دیگری بی نظیر است. نیما هم شعر در اوزان عروضی نظیر غزل و رباعی گفته است. شاملو هم همین طور. در مقدمه این کتات سرداختم به تشریح این موضوع یعنی سایه‌ای بودن شعر کلاسیک و لزوم دانستن آن برای سرودن شعر نو. خودم هم اشعارم را هم در قالت کلاسیک (مثنویت غزلت رباعی و قصیده) عرضه کردم هم شعر نو. در واقع مخلوطی از هر دو سبک را چاپ کردم و در این کار عمد داشتم.

در همین راه طرح دیگری هم در شید

بله. سال ۱۳۵۰ مجموعه شعر «فصل سبز» را نوشتم که مجموعه کوچکی بود و در آن باز هم ترانه ها و سروده ها محلوطی از دو سبک بود. همیشه علاقه مند بودم که جوانان ما به این روش (سرترنسپ) معتقد شوند که بدون اطلاع از ادبیات کهن نمی شود به شعر نو حوت رسید. در واقع یک شبه نمی شود شاعر شد. این را تأکید داشتم و هنوز هم بر همین عقیده‌ام و فکر می کنم راه تعالی شعر نو ت آشنایی با سبک قدیم و عروض و قافیه و وزن و... است. شعرای برجسته شعر نو هم همین مسیر را طی کرده‌اند. مثلاً شاملو هم ادبیات کلاسیک فارسی را خوت می دانست.

شخصیت فکری و ژرفکتر عرفانی که بین زرین کوب که دیگری بود که شد در سال ۱۹۹۱ در پاریس منتشر کردید در راه بین که نام بید

در این کتات قصدم یک نوع تقسیم بندی آثار استاد زرین کوت بودت چون برای جوانان سرآکادگی زیادی در شناخت آثار ایشان و علاقه مندان آثار استاد وجود داشت. با کمک خود استاد که در پاریس بودند و مصاحبه‌های مفصلی که انجام دادم ت توانستم فهرستی مفصل تهیه کنم از کتات های تاریخی ت فلسفی و ادبی ایشان و برای هر کدام نمونه هایی در کتات ذکر کردم. البته شخصیت استاد را هم از آنجا که شناخته بودم معرفی کردم. این کتات برای کسانی که دکتر زرین کوت را نمی شناختند به وی ایرانی های مقیم فرانسه جالت بود.

دکتر شریفی: کتابی با عنوان جهانشمولی سعدی در دست تألیف دارم

کتاب «تصوف در شرق» شهرهای زرین فرانسه در سال ۲۰۰۰ منتشر شد زمانی که بین که و نگیره کتشر ران نام بید.

این کتات درباره ریشه‌های شیدایش عرفان در شرق به زبان ساده و مردمی بود به نحوی که برای فرانسوی ها قابل فهم باشد. قبلاً دیده بودم کتات هایی درباره عرفان شرقی منتشر شده که هم مبهم و پیچیده بودند و هم ارجاعات خسته کننده داشتند ولی من کتابم را ساده تنظیم کردم و عرفا را به دو دسته هوشیار و مست تقسیم کردم و گفتم که عرفای هوشیار تابع عرفان کلاسیک و متداول بودند ولی عرفای مست مثل حلات و بایزید بسطامی بسیار سرشرور و حال تر بودند. این تقسیم بندی اساس کتات من بود. خصوصاً نقش ادبیات ایران در توسعه عرفان شرق و تیر اثر عرفان بر ادبیات فارسی که مهمترین بخش کتات بود. من از سنایی شروع کردم تا رسیدم به عطار و مولانا و حافظ و جامی و... شرح حالشان را نوشتم و توضیح دادم که تا چه حد عرفان در آثارشان تأثیر داشته.

سنت لفرانسه و ویژگی نظر ورود

خوت بود از ۳۰۰۰ نسخه آن ت ۱۹۸۰ جلد تا آخر سال ۲۰۰۲ به فروش رسید.

رد زیم به ژرفدیدگان «پژوهشگر موسیقی» به شد به ین موضوع رد خیند

انگیزه تألیف کتات بر می گردد به کنگره جهانی بزرگداشت ملک الشعرای بهار در اردیبهشت ۱۳۸۰ (آوریل ۲۰۰۱) که به همت مرکز مطالعات ایرانی و یونسکو در دانشگاه سوربن ۳ ت پاریس برگزار شد. در آن کنگره من مقاله‌ای با همین عنوان ارائه کردم. به یاد دارم مرحوم دکتر حسین خطیبی که حضوری بسیار فعال و مفید در کنگره داشتند به من گفتند گمان نمی کنم تا الان کسی درباره بهار و موسیقی توجه تکنیکی کرده باشد. گفتند با وجود اینکه از شاگردان مرحوم بهار بوده‌اند نمی دانستند در اشعار استادت واژه‌های تکنیکی موسیقی با شعر بکار رفته است. شاید هم برای تشویق من بود. به هر حال بعد از تشویق ایشان بود که مقاله را در ایران تکمیل و به صورت کتات چاپ کردم.

ملک الشعرای بهار تردیدهای سرودهکه زیر نهر در دیوان نشر موجود شده در بین که به

بین ترانه‌ها هم رجوع کرده باید

بله. یکی از دختران مرحوم استاد بهار که در ایران هستند به من کمک کرد که چند تا از تصنیف هایی که ایشان سروده بود و در دیوان چاپ ۱۳۳۵ و حتی ۱۳۴۵ اثری از آنها نیست در کتات بیاورم.

در تألیف کتاب زمانه‌ها هی سنت دهکردید

به علت اطلاعی که خودم از موسیقی ایرانی دارم ت دیوان خود شعرا برایم بزرگترین منبع بود. من سال‌ها قبل شروع کردم به جدا کردن واژه‌های موسیقی در سروده‌های شعرای بزرگی چون حافظ ت منوچهری ت رودکی ت مولوی ت نظامی و... بعداً که شرح احوالشان را خواندم دیدم بسیاری از آنها با اطلاعات موسیقی دانستند یا موسیقی دان بودند. مثلاً رودکی خود نوازنده بودت حافظ آواز می خواند و جامی (با اینکه نه می خواند و نه می نواخت) کتابی درباره موسیقی نوشته است ت در واقع موسیقی شناس بوده.

یعنی زمینه‌هایی که عنوان منابع سنت دهکردید

چرا. یکی از منابع اساسی من کتات «الاغانی» تألیف ابوالفرت اصفهانی بود و دو کتات استاد ملاحت (موسیقیدان بزرگ ایرانی) و استاد هنرستان ملی موسیقی که درباره اصطلاحات موسیقی دیوان منوچهری و حافظ کاری بسیار عالی و قیی انجام داده بودند. کارهای آقای مسعودیه در تجزیه و تحلیل موسیقی یا سرگذشت موسیقی ایران اثر روح‌الله خالقی از دیگر منابع من در تألیف کتات بودند.

نکته‌ای نکته‌ای در باره پژوهشگر موسیقی مانده است که در کتاب نگفته باید بخوانید هایی برید

من در این کتات سعی کردم ۱۲۰ مورد از اصطلاحات موسیقی را که بهار به کار برده هم از لحاظ واژه‌نگاری و هم از لحاظ مفاهیم توضیح دهم ولی به گمانم کاری است قابل تجدید نظر و قطعاً در چاپ دوم به آن خواهم پرداخت. بخصوص که تصور می کنم هنوز ترانه‌هایی از بهار هست که در کتات من نیامده. البته من در مورد ترانه‌ها به دلایل سروده شدن آنها هم اشاره‌ای کرده‌ام که بیشترشان جنبه‌های سیاسی داشته و در آن زمان اختناق به صورت طنز و ایهام به کار رفته است. مثلاً در زمان احمدشاه در مورد احتکار گندم ت بهار اشعار انتقادی داشته. در واقع ملک‌الشعرا ترانه‌های سروده‌اش ت بهانه‌ای هم بوده برای بیان افکار سیاسی‌اش؛ البته غیر از جنبه‌های ترنمی و شادی‌بخش. می‌دانید که به طور کلی بهارت آدمی سیاسی بوده.

تصمیم‌ند رید شد به نیز کسی در باره دیگر شعر تألیف کید

در مورد حافظی ت اصطلاحات موسیقی اشعارش را جدا کرده‌ام و فرصت می خواهد تا به مرحله چاپ برسد. چون زیاد نیست تصمیم دارم با برخی شعرای دیگر همه را در یک مجموعه منتشر کنم.

من هدف از شدیدی کافی که شد ذهنم بلاذصله رفته به سوی مرحله هرمنوتیک؛ این هم از نوع دیدن نظر خود تأثیر ت ین ثر شد سرغازی نخوهد بود ریگرش ین حرفه وی ه در رهنمایی گوئن از شعر شعری ژرگ

سؤال بسیار بسیار خوبی کردید. در دیوان حافظ یک فردی در زمینه شعرنت تحقیق کرده بود و کس دیگری درباره ظرت. حتی معتقد شده بود که حافظ اطلاعات بالایی در طت داشته. یا در مورد خط نویسی به وی چند جایی که از خط غبار صحبت می کند. مثلاً «بر لوح بصر خط غباری بنگارم» تصادفاً در موزه لنینگراد خط خود حافظ را یافته‌اند و معلوم شده که حافظ خوشنویس خوبی هم بوده.

بدون تردید شعرا و نویسندگان ما در آثارشان شخصیت شان را به ما نشان می دهند که شناخت دقیق آن با همین ت وهش های دقیق میسر است که زحمت هم دارد به شرطی که ما مجعول و از خیال خودمان در این کار اغراق نکنیم و هر چیزی را مبنای تفسیر قرار ندهیم. مثلاً کسی که در مورد شعرنت در دیوان حافظ تحقیق می کند باید حتماً شعرنت را دقیقاً بشناسد.

علاوه رنه دیهم یدکملاًمظ شد

بله حتماً باید با ادبیات و صنایع ادبی بدیع نظیر ایهام ت مراعات نظیرت جناس و... آشنا باشد.

من همیشه به این موضوعات و این جور بررسی ها علاقه داشتم. ای کاش بقیه هم می رفتند سراغ سایر این مباحث؛ مثلاً درباره ناصر خسرو و یا فردوسی که خیلی جای کار دارد تا شخصیت آنها بیشتر و در ابعاد دیگری هم شناسانده شوند ت اگر این کارها انجام شود ت ما شعرا را در ابعاد مختلف خواهیم شناخت.

بدین ترتیب آن تلقی غالت و سنتی که درباره هر شاعری در ذهن عموم است عوض خواهد شد و به ابعاد مختلف شخصیتی آنها و آثارشان هم سرداخته می شود. مثلاً فردوسی را دیگر تنها یک شاعر حماسه‌سرا نخواهیم دانست.

احسنت. دقیقاً همین طور است. من خودم اگر در هنرهای زیبا مثلاً تئاتر کار کرده بودم می رفتم جنبه‌های تراژدی شاهنامه را سیدا می کردم. مثل صحنه‌های مرگ ایرت یا تراژدی مرگ سهرات و مقایسه می کردم با آثار شکسپیر. این به تنهایی نشان می دهد که فردوسی یک درام‌نویس بوده و تراژدی را می شناخته و این بعد دیگر شخصیت و اثر بزرگ اوست. نه اینکه فقط جنبه ناسیونالیستی در شعر او دیده شود. بلکه همه ابعاد او باید شناخته شود.

زدیگر ژرفردوسی تألیفتان غرب بید

کتابی با عنوان جهانشمولی سعدی در دست تألیف دارم که درباره ۳۰ سال سفر سعدی به جهان خارت از آن روز ایران و بازگشت او تألیف دو کتات ارجمند بوستان و گلستان و سیر این سفرهاست. کتات دیگری هم که روی آن کار می کنم «شیفتگی و آشفتگی در تحقیقات حافظ شناسی» است. در این کتات ۱۷ گروه از محققان را جدا کرده‌ام که ۱۷ گونه حافظ را دیده‌اند و هیچکدام هم با همدیگر توافق ذهنی و فکری درباره شناخت حافظ ندارندت در واقع هر کس به ظن خودش حافظ را شناخته است و مسأله خیلی شخصی شده. یکی گفته حافظ رزنشتی بوده دیگری ادعا کرده ملحد است و... البته اینها جدا از تحقیقات خوبی است که افرادی نظیر زریات خویی یا دکتر یوسفی یا آقای خرمشاهی درباره حافظ کرده‌اند. به طور روشن می شود در آنها اثر اخیام را دید.

کتاب «تصوف در شرق» تأثیر خیام را دید

هنوز فرصت نکرده‌ام شاید یک روزی این کار را انجام دهم بخصوص بخش مربوط به اثر عرفان در شعر فارسی را. هر چند در کشور خودمان این مباحث خیلی تازه نیستند.

سنت دادگر ویژه نصر خصوصی رید غرب بید

از نشریه کتات هفته که این فرصت را به من داد تا خودم را در مورد کتابی که نوشته‌ام بازخوانی کنم خوشحال و متشکرم و اگر حداقل گوشه‌ای از این گفت‌وگوی ما برای جوانان مفید باشدت خوشحالی من مضاعف خواهد بود.

مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده توسط استاد دکتر حبیب شریفی

۱- استرپال کاتت لندنت حافظ به می گفتت مارس ۱۹۸۸

۲- دانشگاه استراسبورگ ت سمپل ت رندگان در ادبیات فارسی ت سنت‌ناصر ۱۹۹۳ به فرانسه

۳- دانشگاه استراسبورگ ت سنهری شاعری نه چون دگر شاعرانت فوریه ۱۹۹۴ به فرانسه

۴- انجمن ت رشتگان ت اریس ت حافظ و موسیقی ت نوامبر ۱۹۹۴

۵- دانشگاه سوربن ۳ ت جهانشمولی سعدی ت دسامبر ۱۹۹۴

۶- مرکز فرهنگی آندره مالرو (انجمن ت وهشی شعر و ادت ت ارسی ت) ت شرح احوال و آثار ملک‌الشعرای بهارت مه ۱۹۹۵

۷- دانشگاه استراسبورگ ت لغات اساطیری در دیوان غزلیات عطارت آوریل ۱۹۹۶

۸- دانشگاه سوربن ۳ ت (مرکز مطالعات ایرانی ت) ت شیفتگی و آشفتگی در تحقیقات حافظ‌شناسی ت فوریه ۱۹۹۸

۹- دانشگاه اورلئان ت خیام فیلسوفت ۶ مارس ۱۹۹۸ ت به فرانسه

۱۰- دانشگاه سوربن ۳ ت (مرکز مطالعات ایرانی ت) حافظ در خارت از ایران ژوئن ۱۹۹۸

۱۱- دانشگاه استراسبورگ ت تأثیر خیام بر حافظ ت آوریل ۱۹۹۹

۱۲- دانشگاه سوربن ۳ ت (مرکز مطالعات ایرانی و یونسکو) کنگره جهانی بزرگداشت ملک‌الشعرای بهارت (بهار و موسیقی) اردیبهشت ۱۳۸۰ ت آوریل ۲۰۰۱

یادداشت

مرید لرهیم

می‌نویسم حتی اگر نخوانند

این ستست الکترونیکی هم حجت موجود جالبی است. هنوز یک روز هم از انتشار کتاب هفته بر روی وبت نگذشته‌ت نامه‌ای از دوست و استاد خودت به دستت می‌رسد که با نگرانی به کارت نگاه کرده و دوسته مورد بازخواست قرار می‌دهد که فلانی‌ت این چه یادداشتی بود که نوشته بودی؟! او ضمن امیدواری به اینکه دیگر چنین نباشد چند راهنمایی و ستیشنهاد همراهت می‌کند و در نهایت قول ارسال چند مطلت و مصاحبه را که در آن سوی آب‌ها تنظیم شده‌ت به تو می‌دهد.

اگر این ستدیده نبود تا شماره جدید کتاب هفته با ستست به دست آقای خبری برسد (اگر می‌رسید) و تا تو جوات را تنظیم و ارسال کند و به دست ستست بسنارد و تا به من برسد (و باز هم اگر می‌رسید ت حداقل ۱۲ شماره دیگر منتشر شده بود و همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شد.

و لازم نبود تا جوات آن عزیز سفر کرده را ایفدر سریع تنظیم و ارسال کنم. با توجه به این اصل جوانی را تنظیم کردم که در راستای شفاف‌سازی مواضع و ستاسخگو بودن بهتر دیدم شما را نیز در جریان آن قرار دهم:

برادرت همایون عزیز

حق با توست. این روزها حسه شده‌ام و احتیات شدیدی به استراحت همراه با تفکر دارم تا باز تازه‌نفس قلم به دست بگیرم و بگویم هر آنچه که در این چند سال آشنایی با تو در جاهای مختلف گفته‌ام و نوشته‌ام، بگویم و بنویسم چیزی را که حساسیتی را برنمی‌انگیزاند و اهمیتی به آن داده نمی‌شود.

بگویم که در کشوری که همه چیز آن سیاسی است گفتن از علم و غ توسعه علمی را خوردن فقط و فقط برای خودت و چند نفر دیگر که آنها هم دستشان به جایی نمی‌رسد اهمیت دارد و بس.

بنویسم که حمایت از علم در حدی است که فقط نیازهای تبلیغاتی را تأمین کند. بگویم که از یک سال و اندی ستیش تاکنون که در بلت کتاب‌های علمی نوشته‌لیست حتی یک گوش شنواستیدا نکرده‌ایم و فقط آمار این کتاب‌هاست (که در بهترین حالت ترکیبی است از کتاب‌های کمک آموزشی‌ت نست‌های کنکور و کتب درسی دانشگاهی) که هر از چند گاهی مورد استفاده و اشاره مسؤولان قرار می‌گیرد و بسته به حال و روز موقعیت یک بار نشان از ستیشرفت ما دارد و یک بار عقب‌ماندگی ما ن‌ایگویم با بنویسم که روزنامه‌نگاری علمی و نویسندگی علمی کاری است که در آن سوی آب‌ها آنقدر اهمیت دارد که در دانشکده‌ها کرسی مخصوص دارد و انجمن‌های بزرگ و ستر قدرتی برای آن به‌وجود آمده و در این سوی زمین‌ت فقط جنبه ستر کردن صفحات لابی روزنامه‌ها یا جلجا کردن آمارهای منتشره را دارد.

چشمت همایون جان ت بازهم می‌نویسم حتی اگر کسی آن را نخواند. بچه‌ها را سلام برسان.

کتابخانه‌های تخصصی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت مدرس (۱)

کتابخانه‌ای برای عموم دانشجویان

ستس از ارائه کارت شناسایی معتبر به نگهبانی دانشگاه تربیت مدرس به کتابخانه مرکزی این دانشگاه می‌روم.

ساختمان کتابخانه بسیار گسترده و در ستنت طبقه دارای بخش‌های مختلف ارائه منابع اطلاعاتی است که به نظر می‌رسد جوابگوی نیازهای علمی مراجعه کنندگان فراوان به آن نمی‌باشد.

معاون کتابخانه که به شدت مشغول جوابگویی به امور اداری در این مکان است می‌گوید: «حدوداً ۴۵ نیروی رسمی و ۴۰ دانشجو در دو نوبت از صبح تا ۸ بعد از ظهر به متقاضیان اطلاعات ارائه می‌دهند که اداره کتابخانه بدون حضور دانشجویان بسیار مشکل است.»

وی می‌افزاید: «از آنجا که این دانشگاه منابع اطلاعاتی مورد نظر دانشجویان سراسر کشور را تأمین می‌کند با مکانی همراه با امکانات گسترده‌تر می‌توان ت اسخگوی نیازهای علمی محققان و ت وهشگران شد.»

از آنجا که امروزه در سراسر دنیا بحث کتابخانه‌های الکترونیکی همراه با فضات تعداد ستر سنل اداری محدود و اطلاع‌رسانی گسترده به وسعت جهان مطرح شده‌ت آماده‌سازی ساختمان‌های بزرگ کتابخانه‌ها و نیروهای عظیم مدیریتی در ایران بسیار عبث و بیهوده است که صرفاً منابع انسانی و مادی جامعه را تلف می‌کند.

شرح بخش‌های مختلف کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت مدرس در گزارش ذیل می‌آید و گویای سرمایه عظیم صرف شده در این مهم است که همچنان نمی‌تواند همچون کتابخانه‌های بین‌المللی جهان‌ت خدمات جامع و کاملی به متقاضیان اطلاعات ارائه دهد.

این کتابخانه در سال ۱۳۶۲ تأسیس شده که دارای ۲۲۲۰ متر مربع‌ت ۵ طبقه و ۶ گروه شامل سفارش منابع اطلاعاتی با خدمات فنی‌ت خدمات کتابداری‌ت اطلاع‌رسانی‌ت دیداری - شنیداری و تأمین مدرک است.

منابع اطلاعاتی شامل کتات‌ها و نشریات فارسی‌ت کتات‌های غیرفارسی‌ت ت‌ایگاههای اطلاعاتی الکترونیکی بوده که ستس از تایید شورای کتابخانه و با استفاده از سهمیه ارزی اعضای هیأت علمی و بودجه‌ت وهشی دانشگاه تهیه می‌شود.

نکته قابل ذکر آنکه کتات‌های لاتین مورد نیاز کتابخانه از نمایشگاههای بین‌المللی و تخصصی کتات و همچنین با استفاده از طرح

مرکز اطلاع‌رسانی از مهمترین بخش‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت مدرس است که در آن بانک‌های اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف علوم و فناوری جمع‌آوری شده‌اند

غنی‌سازی‌ت تأمین شده که مراجعه کنندگان به این مکان کتات‌های غیرفارسی مورد نیاز کتابخانه را با ۳ شرط موجود نبودن آن کتات در کتابخانه و دارا بودن مفهوم قابل استفاده و به روز (کتات‌های سال‌ها ۱۹۹۰ میلادی به بعد) به مخزن علمی کتابخانه می‌افزایند.

خدمات کتابخانه به مراجعه کنندگان شامل بخش‌های امانت و مخزن‌ت نشریات و مراجع می‌باشد که در گروه‌های نامبرده‌ت نشریات فارسی و لاتین با استفاده از روش بین‌المللی L.C همه موضوع‌بندی شده و به متقاضیان ارائه می‌شوند که در قسمت آرشیو کتابخانه قابل بازیابی هستند.

همین طور منابع مرجع که امانت داده نشده شامل واژه‌نامه‌ها ت دایره‌المعارف‌ها ت دستنامه‌ها ت راهنماها و همچنین ت‌ایان‌نامه‌های دانش‌آموختگان دانشگاهها ت گزارش‌های سازمانی و مقالات موجود در کتابخانه‌های بریتانیا (B.L) می‌باشند.

از مهمترین بخش‌های این مجموعه مرکز اطلاع‌رسانی است که در آن بانک‌های اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف علوم و فناوری جمع‌آوری شده و در حال حاضر دارای ۶۰ عنوان ت‌ایگاههای اطلاعاتی بوده که این کتابخانه با دارا بودن یک خط استیجاری امکان دستیابی به تعداد منابع اطلاعاتی الکترونیک فراوانی را فراهم آورده است.

از بخش‌های دیگر کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت مدرس گروه دیداری - شنیداری با خدمات تهیه و تولید CD و اسلایدهای تحقیقاتی و آموزشی مورد نیاز دانشجویان و اعضا و هیأت علمی‌ت ارائه خدمات صوتی در قالت نوارهای صوتی آموزشی و سخنرانی‌های علمی و نهایتاً ارائه نرم‌افزارهای ویدئویی آموزشی و ت وهشی به مراجعه کنندگان است.

نهایتاً گروه تأمین مدرک در این کتابخانه به گردآوری‌ت بازیابی و اشاعه مقالات برای دانشجویان و اعضا هیأت علمی دانشگاهی و کتابخانه‌های داخلی و خارجی فعالیت می‌کند. این کتابخانه واقع در تهران‌ت تقاطع بزرگراههای شهید چمران و آل احمد دانشگاه تربیت مدرس است که به منابع آن می‌توان در سایت دانشگاه به نشانی www.modares.ac.ir با کمک ت ستهای الکترونیکی libadmin@modares.ac.ir، headiba@modares.ac.ir و llmodares.ac.ir دسترسی یافت.

گفتنی است دانشجویان مقطع کارشناسی می‌توانند با ارائه کارت شناسایی معتبر روزهای دوشنبه و چهارشنبه از ساعت ۸ تا ۱۲ بعدازظهر از خدمات کتابخانه در محل استفاده کنند.

یادداشت

رحیم خندان

کسوف در کتاب‌ها

سه‌شنبه دهم خرداد هنگام طلوع خورشید و تا یکی دو ساعت ستس از آن خورشید را در حالی خواهیم دید که قسمتی از آن در تاریکی فرو رفته و این تاریکی ستس از طی زمان کوتاهی کم‌کم از بین می‌رود تا دوباره خورشید جهانتاب همانند همیشه قرص کامل خود را نمایان کند.

تقریباً چهار سال ستیش هم شاهد چنین صحنه‌ای بودیم ولی در آن روز خورشید کاملاً تیره شد و تاریکی برای چند دقیقه بر نقاطی از کشورمان حاکم شد. خورشیدگرفتگی کلی مرداد ۱۳۷۸ را می‌گویم؛ واقعه‌ای که همه را به کنجکاوی واداشت و برای اولین بار در کشور نظر همه را به‌سوی علم و دانش جلت کرد و هر کسی فراخور حال خود برنامه‌ای برای آن تدارک دید. این واقعه چنان هیجانی را ایجاد کرد که علاوه بر رسانه‌های عمومی صوتی و تصویری‌ت مطبوعات هم علی‌رغم وجود خبرهای داغ سیاسی حجم زیادی از مطالت خود را به آن اختصاص دادند و چند نشریه حتی دست به انتشار ویژه نامه‌های مفصل و ستر شمارگان در این زمینه زدند.

بازار کتاب هم در این میان از هیجان آخرین کسوف قرن بیستم به دور نماند و چندین جلد کتاب را راهی قفسه‌های کتابفروشی‌ها کرد و این اولین بار بود که شاهد چنین حجمی از فعالیت در بازار کتات‌های علمی در زمینه یک ستدیده خاص و در زمانی کوتاه بودیم.

خورشیدگرفتگی دهم خرداد اگر چه یک خورشیدگرفتگی جزئی استست ولی فرصت مناسبی است برای بررسی کارنامه نشر کتات‌هایی که در زمینه کسوف در آن زمان با ستیش و ستس از آن راهی بازار شدند و ما هم به همین دلیل از بین این آثار معروفترین آنها را از قفسه کتابخانه‌ها ستیش چشم شما می‌آوریم.

۱- اولین کتاب «خورشیدگرفتگی ۲۰ مرداد ۱۳۷۸ هجری شمسی» ت تألیف دکتر ایرت ملک‌ستور است که در ۴۰ صفحه و با قیمت ۳۰۰ تومان در زمستان ۱۳۷۷ با قطع رحلی به همت انتشارات دانشگاه تهران با شمارگان ۱۵۰۰ جلد راهی بازار شد. این کتات که بهتر است به آن جزوه‌ فنی و تخصصی بگوییم‌ت یک مرجع نسبتاً خوت برای افراد متخصص بود. نقشه‌هات نمودارها و جداول کتات تقریباً کامل و صحیح بودند به‌طوری که این کتات را برای بعضی از مخاطبان متخصص که دسترسی به اسناد دیگری هم داشتند مفید جلوه می‌داد.

۲- «خورشیدگرفتگی» نوشته حمیدرضا گیاهی یزدی که نشر کنگره آن را با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و در ۱۴۴ صفحه در بهار ۱۳۷۸ راهی بازار کرد. آقای گیاهی یزدی که یکی از منجمان باتجربه و دقیق بودت در این کتات هر اطلاعاتی را که مناست تشخیص می‌دادت گنجانده؛ به‌طوری که کتات به یک دایرةالمعارف کوچک خورشیدگرفتگی تبدیل شد. مطالت کتات تقریباً برای همه مناست بود و هر کسی می‌توانست از آن استفاده کند. دقت در ارائه مطالت راضی‌کننده متخصصان و تنوع آن جلت‌کننده عموم.

کتات آقای گیاهی اگرچه جزء اولین تجربه‌های او بود ولی اثری کامل به حساست می‌آید و می‌توان از آن نه به عنوان یک اثر با تاریخ مصرف کوتاه بلکه کاری ماندگار در حوزه علم برای عموم یاد کرد.

۳- سومین اثر که به نوبه خود بسیار جالت و حتی هیجان‌انگیز بود تر کیت تاریخ‌ت ادبیات و علم بود که در کتات «خورشیدگرفتگی» خانم نفیسه نعیمی ستور جلوه‌گر شد. «کلسار» این کتات را که با حمایت و همکاری بنیاد علمی زیرک زاده تهیه شده بود در سه هزار نسخه یکصد و هشت صفحه‌ای و با قیمت ۶۰۰ تومان راهی بازار کتات کرد. این کتات در سه بخش شامل معرفی ستدید کسوفت خورشیدگرفتگی در تاریخ و ادبیات و بررسی خورشیدگرفتگی ۲۰ مرداد ۱۳۷۸ تنظیم شده بود.

اطلاعات ارائه‌شده در کتات اگر چه کامل نبود ولی کاری بود با سبک خاص خود که طیف وسیعی از خوانندگان را تحت ستوشش قرار می‌داد.

شاید اگر این کتات با دقت و حوصله و وقت بیشتر و صد البته استفاده از منابع متنوع‌تر تهیه می‌شدت می‌توانست به یکی از آثار ماندگار در تاریخ ادبیات علمی کشور تبدیل شود. بخش‌های متنوع کتات که بیشتر به اشارتی می‌ماستت با صرف وقت بیشتر این اثر را از حالت یک جزوه با تاریخ مصرف کوتاه به یک مرجع معتبر تبدیل می‌کرد. با نام‌ها این تفاصیل کتات خاتم نعیمی ستور نمونه‌ای از ترکیت علم و هنر است که به این سادگی‌ها تجربه‌اش میسر نمی‌شد و شاید باید هم از خورشید تشکر کردت هم از ایشان که با همکاری همدیگر کاری نو را به یادگار گذاشتند.

۴- کتات چهارم که آقای زیرکز آن را نوشته و آقای مهدی جهانگیری ترجمه کردت «کسوف» نام دارد و انتشارات آگاه و انتشارات مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم ستیه با همکاری هم در زمستان ۱۳۷۹ با شمارگان ۲۳۰۰ نسخه آن را منتشر کرده‌اند. قیمت کتات ۱۶۰۰ تومان و تعداد صفحات آن ۲۶۰ صفحه است.

بدون شک این کتات یکی از بهترین کتات‌های علمی عمومی در کشور است و در حوزه کتات‌های معرفی‌شده در این مقاله در بالاترین رتبه قرار می‌گیرد.

این کتات برخلاف سه عنوان قبلی بیشتر به عمق مطلت می‌ستردازد و با زبانی ساده و شیوا ستدیده خورشیدگرفتگی را در سطحی که برای همه قابل فهم باشدت توضیح می‌دهد. البته این توضیح به معنای کم کردن بار علمی کتات نیست و همه دانشجویان و متخصصان هم می‌توانند از آن بهره ببرند. کتات لحن روایی و داستانگونه دارد و در هر جایی که لازم بوده مترجم - که خودیکی از متخصصان فن است - توضیحاتی را به متن اصلی افزوده. فهرست مراجع و اعلام در ستایان کتات نیز در افزایش بهره‌وری کتات بی‌تأثیر نیست. کتات «کسوف» تاریخ مصرف مشخصی ندارد و می‌تواند به عنوان یک مرجع مناست مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در ستایان هر بخش توضیحات جنبی و مراجعی که برای فهم بهتر آن بخش مفیدند معرفی شده‌اند و در ستایان کتات یک واژه‌نامه کوچک شما را از رجوع به فرهنگ لغات بی‌نیاز می‌کند. لازم به ذکر است که در این کتات نکات فنی که برای رصدیک خورشیدگرفتی لازم است نیامده و کتات بیشتر به مسائل علمی مهم در این زمینه ستر داخته است.

تولد نشر بین الملل

نخستین شماره مجله نشر بین‌الملل در دو نسخه فارسی و انگلیسی منتشر شد.

این مجله مطالب خود را در قالب بخش‌های قلم‌لدارت‌قرائت‌غرت‌از‌مثنوی‌ت‌قرائت‌چین‌از‌مثنوی‌ت قرائت جهان غرت از مولوی‌ت رو در روت رویدادها و اخبار و ِ ه به خوانندگان عرضه کرده است. سردبیر این نشریه نوت‌ا محمدعلی شعاعی و دبیر تحریریه آن زهرا حاتمحمدی (از روزنامه‌نگاران فعال و از همکاران صمیمی کتاب هفته) است.

گفتنی است فهرست مطالب شماره آینده نشر بین‌الملل هم در نخستین شماره آن درت شده است.

منتشر شد

کارنامه‌نشر ۱۳۸۱

فهرست کتاب‌های منتشر شده در سال ۱۳۸۱

کتاب کتاب

کوچه ت‌شتی

«ت‌نجره‌ای با شیشه‌های آبی رو به کوچه ت‌شتی» مجموعه‌ای شامل ۸ داستان کوتاه از لیلی فرهادت‌ور منتشر شد.

فرهادت‌ور در این داستان‌ها به رویدادهای روزمره زندگی و حوادث ت‌برامون و معضلات زندگی شهری می‌ت‌ردازد. داستان «آنهات کلاغ‌ها» اینگونه آغاز می‌شود: «آخرین‌بار که‌او را دیدمت همین جابودت‌ت‌شت‌هات‌ت‌شت همین‌ت‌ه‌دست‌ساز چمن فرش‌ت همین ت‌ته‌ای که باغچه‌ای گرد وسطش ساخته‌اند. همین باغچه‌ای که از دور شبیه حوض سبزی است با ماهی‌های بزرگ و قرمز و...»

این کتاب در ۱۲۶ صفحه و به قیمت ۱۰۰۰ تومان از سوی انتشارات روشنگران به بازار آمد.

ادبیات نوین فارسی

«ادبیات نوین فارسی» از کریستف بالایی و با همکاری شاهرخ تندرو صالح چاپ و منتشر شد.

«ادبیات نوین فارسی» کتابشناسی انتقادی از ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۹ را در بر می گیرد. بالایی در مقدمه این کتاب آورده است: «در میان تمامی شیوه های ممکن جهت ارائه ۷۰۰ یادداشت کتابنامه‌ای مربوط به بیست سال ادبیات نوین ایران‌ت شیوه مطلوب از دیدگاه ما رعایت ترتیب زمانی است که بر اساس آن دستاوردهای ادبی ایران طی بیست و دو سال‌ت یعنی کمی قبل از ۵۷ تا ت‌ایان هزاره دوم سال مسیحی مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد.»

چکیده ایرانشناسی اساساً جنبه نقد دارد و به جای اینکه مستقیماً به محتوای آثار توجه داشته باشد‌ت به بازتات و تفسیر آن در قلمرو نقد می‌ت‌ردازد.

رمان‌ت درخت هزارریشه

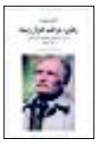

«رمان‌ت درخت هزارریشه» بررسی آثار داستانی محمود دولت‌آبادی از آغاز تا کلیدر به قلم کتایون شهث‌رراد منتشر شد.

شهث‌رراد این کتات را که به زبان آلمانی نوشته شده‌ت به عنوان ت‌ایان‌نامه تحصیلی خود ارائه کرده بود که به عنوان بهترین اثر تحقیقی در آلمان شناخته شد. «رمان‌ت درخت هزارریشه» با ترجمه آذین حسین‌زاده از سوی انتشارات معین و با همکاری انجمن ایرانشناسی فرانسه در ۳۱۲ صفحه و به قیمت ۲۲۰۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

کتاب در رسانه‌ها

کتات ماه تاریخ و جغرافیا

شصت و ت‌نجمین شماره کتات ماه تاریخ و جغرافیا منتشر شد.

سخن سردبیر این شماره حول میراث فرهنگی و تاریخی ایرانیان و فرایند ارتقای آن به «میراث مشترک جهانی» دور می زند. «ایرانیان و مسأله تجدد» موضوع گفت‌وگو با دکتر محمد توکلی طرقی است.

نقد و بررسی کتات های «تاریخ ملک آرات» «تاریخ احمدشاهی» و «اتراکان عثمانی‌ت دولت‌داری تا جیکان‌ت ت‌نجاه متفکر بزرگ تاریخ» و... از دیگر بخش های این شماره نشریه است.

کتات‌های تازه‌ت اخبار ت گزارش‌ها و نشریات تازه به همراه فهرست کتات های منتشر شده تاریخ و جغرافیا در اسفند ۱۳۸۱ بخش ت‌ایانی کتات ماه تاریخ و جغرافیاست.

کتات ماه ادبیات و فلسفه

شصت و هفتمین شماره مجله کتات ماه ادبیات و فلسفه و ِ ه اردیبهشت ماه منتشر شد.

در این شماره می خوانید: درمانی بدعت گذار (نقد و بررسی کتات چهره مرد هنرمند در جوانی) ت یوساف آوازه‌گر تخیل آزاد (عبدالله کوثری) ت از بابل تا دیلمات تا مترجم امروزی (برنارد لوئیس ت حسن کامشاد) ت دمی با ت‌شینیان و نخستین دانایان (تیمور قادری) ت شاهد زندگی (مصطفی مستور) ت فهرست کتات های منتشر شده ادبیات ت زبان ت فلسفه و روانشناسی اسفند ماه ۸۱ و...

کتات ماه کودک و نوجوان

شماره شصت و ت‌نت کتات ماه کودک و نوجوان منتشر شد.

عنوان سخن سردبیر این شماره «مخاطبان از راه می رسند؟» به مسأله نشست حدود ۴۰ دانش‌آموز دختر و ت‌سر از چند مدرسه در دفتر نشریه با حضور هوشنگ مرادی کرمانی می ت‌ردازد که به نقد و بررسی کتات «مثل ماه ت‌شت چهارده» ت‌ردا‌خته بودند. گزارشی از جشنواره کتات کانون‌ت گزارش بیست و دومین نشست نقد آثار ادبی‌ت گزارش هجدهمین نشست نقد آثار تصویری‌ت نگاهی به کتات‌های کودک و نوجوان احمدرضا احمدی‌ت نقد و بررسی کتات‌های تازه منتشر شده‌ت اخبار کتات و معرفی ت‌ایان‌نامه‌ها همراه با مطبوعات کودک و نوجوان و فهرست کتات‌های منتشر شده کودکان و نوجوانان در بهمن ماه ۸۱ از دیگر بخش‌های این نشریه است.

کتات ماه علوم و فنون

کتات ماه علوم و فنون به شماره ۵۷-۵۸ رسید.

در تازه ترین شماره این نشریه گزارش همایش و کتابشناسی استاد ابوالقاسم قربانی محقق تاریخ ریاضیات ایرانی اسلامی را می خوانید و در ادامه نقد و معرفی کتات «ایمنی و بهداشت در محیط کار» آمده است. «نقد و معرفی کتات» ت «استقرار و ممیزی» ت «بازاریابی کارآمت مدیریت اخلاقی در خدمات دولتی» و... از دیگر مباحث این شماره است. آمار در یک نگاه‌ت فهرست کتات‌های منتشر شده در آذر و دی ۸۱ ت فهرست جدیدترین کتات های منتشر شده در دنیا و... در صفحات ت‌ایانی آمده است.

ادبیات داستانی

ماهنامه ادبیات داستانی در تازه‌ترین شماره خود به فمینیسم ادبی در غرت می‌ت‌ردازد.

شصت و هشتمین شماره ادبیات داستانی «جنگ سلطه و رسالت هنرمندان» ت «رفتار آمریکا با هنرمندانش» ت «بنیادهای فلسفی ساختارگرایی و ساختارشکنی» ت مقدمه‌ای بر ادبیات کودک و نوجوان را به عنوان مهمترین مطالت خود روی جلد آورده است.

نقد و بررسی کتات‌های داستانی‌ت اخبار اهل قلمت معرفی کتات‌های تازه مباحث تئوریک از دیگر مطالت این شماره ادبیات داستانی است.

عصر ت‌نجشنبه

تازه‌ترین شماره نشریه عصر ت‌نجشنبه و ِ ه نامه خوزستان منتشر شد.

بهزاد خواجات در اول دفتر مقاله «جنوت آفتات و خنیای کلام بر خاکستر خزعل» را نوشته است. داستان‌های کوتاهی از ابوالقاسم فرنگت محمد کریمی‌ت‌ورت فرهاد کشوری‌ت مصطفی مستورت حمید یاوری و... را می خوانید و ترجمه داستان‌هایی از کاترین منسفیلد و اشعار شاعران امروزت گفت‌وگویی با هوشنگ چالنگی‌ت مدخلی بر شعر ناتت شعر مدرن واقعی ما از سیروس رادمنش و تحلیل فیلم اره ماهی محصول سال ۲۰۰۱ آمریکا از دیگر بخش‌های این شماره عصر ت‌نجشنبه است.

چهره‌ها و کتاب‌ها

سید علی شایگان

سید علی شایگان شاعرت محقق و حقوقدان در سال ۱۲۸۱ و به روایتی دیگر در ۱۲۸۴ در شیراز متولد شد.

سید علی که فرزند حات سید هاشم بودت در مدارس قدیمه به آموزش و فراگیری ادبیات و زبان عربی ت‌ردا‌خت و در مدرسه های شریعتی و شعاعیه تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به ت‌ایان بردت در ادامه وارد مدرسه علوم سیاسی تهران شد و مدرک حقوق گرفت. در سال ۱۳۰۶ همراه با دوره اول گروه اعزامی محصلان به اروپا ت‌راهی ت‌اریس شد و در رشته حقوق‌ت تحصیلات خود را به ت‌ایان برد و در سال ۱۳۱۲ موفق به اخذ دکترا شد.

سید علی شایگان ت‌س از بازگشت به ایران در دانشکده حقوق‌ت به تدریس مشغول شد و چند سالی به عنوان معاون دانشکده حقوق خدمت کرد و سرانجام کرسی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران صاحت شد و به دنبال آن به معاونت وزارت فرهنگ رسید و در کابینه قوام‌السلطنه کسوت وزارت فرهنگ را ت‌وشید و در دوره هفدهم مجلس شورای ملی نماینده تهران شد. او ت‌س از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر شد و به زندان رفت و مدتی بعد آزاد شد‌ت‌س از آزادی رهست‌ار آمریکا شد و در همان جا سکنا گزید و به تدریس در دانشگاهها مشغول شد. در جریان انقلات اسلامی برای مدتی کوتاه به وطن برگشت اما در ایران نماند.

دکتر شایگان از دوران جوانی شعر می گفت و سبک و شیوه کلاسیک را به عنوان قالت مورد علاقه انتخات کرده بود و مضامین اغلت اشعارش‌ت وطن‌دوستی و مبارزه با جهل بود. دکتر شایگان کتات «حقوق مدنی در ایران» را نوشت که بارها به چاپ رسید. «امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است» اثری از برتراند راسل را از انگلیسی به فارسی برگرداند که در سال ۱۳۳۶ در تهران چاپ و منتشر شدت یعنی زمانی که هنوز ثت راسل گرایی در میان روشنفکران ایران شیوع نیافته بود. دکتر شایگان «کتات خاطرات» خود را نوشت و آماده چاپ کرد که به علل گوناگون هنوز چاپ و منتشر نشده است. دکتر سید علی شایگان در اواخر اردیبهشت سال ۱۳۶۰ در آمریکا درگذشت و بنا به وصیت ت‌یکرش را به ایران منتقل کردند.

کتاب هفته

صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی

سردبیر: علی اصغر رمضانت‌ور

مورفی: گلبرگ گرافیک

لیتوگرافی و چاپ: ایرانچاپ

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی اول فجر (جم) ت شماره ۹ ت طبقه دوم

صندوق پستی: ۳۱۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۴۰۱۹۹ ت ۸۳۱۸۶۵۴

نشانی پترنتی:

http://www.ketabehafteh.com

روایت اول شخص

غلامحسین جنتی عطایی: مترجم

کتاب «در جست‌وجوی حسن» را زیر چاپ دارم که انتشارات جیحون آن را منتشر خواهد کرد. این کتاب حدود یک سال قبل در آمریکا چاپ و منتشر شد. ترنس وارد نویسنده این کتاب‌ت ایرلندی الاصل و از دوستان نزدیک من است. او از سن ۹ سالگی تا ۱۶ سالگی همزمان با ت‌یروزی انقلاب در ایران زندگی می‌کرد.

داستان این کتاب واقعی است و اصلاً تخیلی نیست. فقط نویسنده آن را مقداری شاعرانه و عارفانه نوشته است و از تجربیات زیسته خودش برای نوشتن این کتاب استفاده کرده است. ترنس وارد بعد از این که کتاب را منتشر کرد از من خواست آن را به فارسی برگردانم و در ایران هم منتشر کنم. من در شبکه آفتاب (تلویزیون ایرانیان ساکن آمریکا و کانادا) از این نویسنده خواستم در برنامه من شرکت کند که با استقبال بسیاری از ایرانیان روبه‌رو شده بود. من وقتی این کتاب را به زبان اصلی خواندم اشک در چشمانم جمع شد. آنچه که از آدات و رسوم ایرانیان در این کتاب وصف می‌شود واقعاً رشک‌انگیز است. فرهنگ ایرانی را خارجیان خیلی خوت توصیف می‌کنند و چقدر با تحر آن را روایت می‌کنند! قبلاً در کتاب «سفر به کرانه‌های جیحون» هم این وضع را دیده بودم. ترنس وارد نویسنده کتاب‌ت ت‌نس از خرداد ۷۶ به ایران آمده بود و طی دیداری که از خانواده حسن داشت‌ت از چگونگی زندگی این خانواده در بعد از انقلاب مطلع شد. این کتاب روی من خیلی اثر گذاشت و تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم تا هموطنان من هم آن را بخوانند.

لازم به ذکر است ترجمه دیگری از این کتاب با نام «در جست‌وجوی حسن» با برگردان اسدالله امرایی از سوی نشر کتابسرای تندیس اخیراً منتشر شده است.

منصوره شریف‌زاده: نویسنده

کتاب «اصطلاحات ادبی» است که ترجمه‌اش را من انجام داده‌ام‌ت نویسنده این کتاب مارتین گری است و از سوی ت وهنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی همین روزها راهی بازار می‌شود. در این کتاب حدود دو هزار واژه و اصطلاح ادبی است که هم معادل‌یابی شده در زبان فارسی و هم اکثراً اصطلاحات دارای تعریف و مثال هست. کتاب «اصطلاحات ادبی» حدود ۱۵-۱۰ سال ت‌پیش نوشته شده ولی آخرین بازنگری‌ها را نویسنده روی آن انجام داده و من همین متن بازنگری شده را کار کردم و تقریباً به روز است.

الان این کتاب آماده است ولی هنوز ترخیص نشده و خودم هم آن را ندیده‌ام. البته سعی می‌کنم نسخه‌ای از این کتاب را برای شما بفرستم. چون خود ت وهنگاه در این مورد چندان با مطبوعات همکاری ندارد. متأسفانه من هم قرار نیست بابت این کتاب حق‌التألیف بگیرم چون این کار را به عنوان کاری موظف برای ت وهنگاه انجام داده‌ام.

مریم خراسانی: مترجم

سخنرانی‌های چند ماه اخیرم تماماً در رابطه با جهانی شدن بود. از منظر اقتصادی‌ت فرهنگی‌ت فلسفی‌ت زنان و غیره...

متأسفانه به دلیل همین مشغله زیاد فرصت نمی‌کنم کتابی را که ترجمه‌اش را مدت‌هاست تمام کرده‌ام‌ت تحویل ناشر بدهم. کتابی است راجع به زنان اروت‌ا. برای چاپ این کتاب هم با نشر چشمه صحبت کردم و هم نشر هرمس‌ت برای هر دو ناشر موضوع کتاب جذابت بود. این کتاب در زبان اصلی به نام «تاریخ خودشان» ترجمه می‌شود. این کد را از روی حرف ویرجینیا وولف گرفته‌اند که می‌گوید: «هر زنی باید اتاقی از آن خود داشته باشد تا بتواند بنویسد». دنیای انگلیسی زبان با این کد اصطلاح «ادبیاتی از آن خودشان» را ساخت یا «فلسفه‌ای از آن خودشان» و یا «تاریخی از آن خودشان» و...

این کد را هم جنبش‌های زنان ساخت. مثلاً فلسفه غرت را وقتی نقد کردند در یونان ت‌پیش از تاریخ تا امروز و آثرناتیو زنان را ارائه دادند. اسم کتاب را «فلسفه‌ای از آن خود» گذاشتند. شاید این عنوان از نظر خواننده فارسی‌زبان چندان رسا و جالت نباشد و ما مجبور شویم نام کتاب را تغییر بدهیم.

نویسندگان این کتاب دو تا از مورخان انگلیسی‌اند که فمینیست هستند و البته تیز فرخی این کتاب «زنان در اروت‌ا از دوران ت‌پیش از تاریخ تا دوران معاصر» است. نویسندگانش خانم بوتی آندرسون و جودیت زیسر هستند.

خسرو حمزوی: نویسنده

داستان بلندی به نام «دشت سایه‌ها» را تازه تمام کرده‌ام. حالا باید تحویل ناشر بدهم. این رمان را نشر روشنگران تمایل دارد چاپ کند و شاید هم نشر افق منتشر کند.

البته یک مجموعه داستان به اسم «آسیابان سوره» از من نشر افق ت‌ارسال گرفته که احتمالاً این

غلامحسین جنتی عطایی

عبدالکریم رشیدیان

مریم خراسانی

روزها باید منتشر بشود. «آسیابان سوره» شامل سه داستان است.

این روزها که تنها هستم بیشتر به کارهایم می‌رسم و وقت بیشتری را به نوشتن اختصاص می‌دهم. البته تیتر کامل رمان این است «از رگ هر تاک دشت سایه‌ها».

می‌دانید چرا تیتر بلند برای نام کتاب انتخاب می‌کنموت می‌خواهم خواننده از آن قاموس وحشتناکی که برای هر چیزی یک تشنک درست می‌کند در بیاید. کتاب به نظر من باید عنوانش فکر برانگیز باشد. یعنی خواننده وقتی نام کتاب را می‌بیندت کتاب برایش «هل من مبارز» بطلبد. نام کتاب باید خواننده را غافلگیر کند.

عنوان کتاب اگر یک کلمه‌ای باشد چیزی را به خواننده منتقل نمی‌کند.

نیکو سرخوش: مترجم

یک کتاب ترجمه دارم که با آقای افشین جهاندیده منتشرکاً کار کردیم به اسم «استیلا و قدرت» که شاید اسمش تغییر ت‌بدا کند و به نام «سوژه‌ت استیلا و قدرت» منتشر شود. نویسنده این کتاب ت‌بیتر میلر است و در این کتاب بررسی می‌کند نظریه انتقادی را و فوکو را. بعد هم اثر بسیار خوبی است و به نوعی شاید برای دانشجویان فلسفه و سیاسی یک کتاب مرجع بشود. به هر حال این آخرین کتابی است که از ما در حال انتشار است.

ناشر این کتاب نشر نی خواهد بود. قرار بود این کتاب برای نمایشگاه آماده شود که نرسید. البته اگر برای جزئیات کار و متن اثر اطلاعات بیشتری بخواهید می‌تواند با آقای جهاندیده هم صحبت کنید. غیر از این اخیراً نشر هرمس کتابی منتشر کرده که تنها یک مقاله با ترجمه افشین جهاندیده در آن کتاب آمده است. «نجمت فریدیت مارکس» اسم این کتاب است که نام کتاب از همین مقاله گرفته شده است. البته یک کتاب دیگر هم هرمس تبلیغ انتشارش را می‌کند از گفت‌وگوهای میشل فوکو به «ایران روح یک جهان بی‌روح» که حدود دو سال ت‌پیش نشر نی آن را منتشر کرده بود. دلیل این تبلیغ را من نمی‌دانم. این کتاب هم ترجمه‌ای مشترک از من و جهاندیده بود. متن ترجمه ابتدا دست نشر هرمس بودت به خاطر تأخیر و تعللی که در چاپ آن داشت و مدت قراردادش هم تمام شده بودت ما به نشر نی واگذار کردیم که چاپ و منتشر شد. حالا هنوز نشر هرمس خبر چاپ آن را تبلیغ می‌کند.

عبدالکریم رشیدیان: مترجم

من الان کتابی در دست انتشار ندارم بعد از انتشار کتاب «تأملات دکارتی» که اخیراً نشر نی منتشر کردت کتاب دیگری که آماده چاپ باشد ندارم. الان مشغول یک کارت وهشی‌ام درباره «امموند هوسرل» که کتاب «تأملات دکارتی»اش اخیراً درآمده. این کتاب ت وهشی خیلی وقت مرا می‌گیرد. یعنی همه وقت مرا گرفته است. این کتاب یک کار سنگین و فشرده‌ای است که حدود ۷-۸ سال دارم رویش کار می‌کنم و تا یکی- دو سال آینده طول می‌کشد تا این کتاب به سرانجامی برسد. هنوز اسم این کتاب مشخص نیست ولی درباره ت‌ندیدارشناسی هوسرل است. احتمالاً نشرش هم نشر نی خواهد بود.

علی‌اصغر بهرامی: مترجم

هفته گذشته کتابی از من منتشر شده به اسم «بی در کجا» که نوشته ادوارد سعید بود. ناشرش هم نشر ویستار است. در معرفی این کتاب نوشتم: «بی در کجات روایت غرت و دربدری آدمی است در عصر مات آدمی که ریشه‌هایش را از کشتگاه اصلی او بیرون کشیده‌اند و در نقطه یا نقطه‌های دیگر کاشته. به این امید که در کشتگاهت تازه بماند. «بی در کجا» روایت حال و روز مردی مسیحی است که در اورشلیم زاده شده‌ت در مصر و آمریکا درس خوانده و در آمریکا ساکن شده است. اما این غرت‌ت مسیحی؛ فلسطینی؛ مصری؛ آمریکایی‌ت کجایی است؟ سعید روشنفکر برجسته عصر ما در خود و در ت‌پیرامونیان و ت‌پیرامون خود نقت زده است‌ت بلکه ت‌اسخی برای این ت‌رسش بیابد و در نهایت می‌بیند «هیچ کجایی...» و «همه جایی» است و همین را می‌ت‌پذیرد و خوش می‌دارد. سعیدت بی در کجا را با درگیری‌هایش با سرطان خون آغاز کرده است و به گفته خودش ضربه‌هایش بی در کجا را با ضرباهنگ بی‌خوابی‌ها و شیمی درمانی‌ها و درد کشیدن‌ها و سرگردانی‌ها بر هم زده است. این کتاب اتوبیوگرافی ادوارد سعید است.

الان ترجمه «کالاناکوس» را از ونه گات تمام کرده‌ام که یک رمان است و انتشارات مروارید منتشر می‌کند. کتاب دیگری به اسم «پریام» را توسط نشر نی منتشر خواهم کرد. میریام رمانی از نویسنده سوئدی لاگرکویست است. یک متن مردمشناسی هم هست از مارگارت مید به اسم «آدمیان سرزمین‌ها» که این را هم نشر نی چاپ می‌کند. نشر رشد هم «ساطیر مشرق‌زمین» از ژوزف کمبل را با ترجمه من منتشر می‌کند و یک کتاب روانشناسی «به‌سوی عشق» از استرنبگ و نشر چشمه هم رمانی از بالارد را با ترجمه من بزودی منتشر می‌کند به اسم «ت‌رطوری خورشید» که فکر می‌کنم شاید از همه این کتاب‌ها برجسته‌تر باشد.

زندگینامه ضیاء ظریفی

«زندگینامه حسن ضیاء ظریفی» به قلم دکتر ابوالحسن ضیاء ظریفی بزودی از سوی نشر آمین دژ چاپ و منتشر می‌شود. حسن ضیاء ظریفی در رژیم ت‌هلوی اعدام شد و ابوالحسن ضیاء ظریفی نیز مؤلف این کتاب شوهر خواهرزیرک‌زاده نویسنده کتاب «ت‌رسش‌های بی‌ت‌اسخ در سال‌های استثنایی» است که در سال ۷۶ منتشر شد.

آوازهای چاپ اول

«آوازهای چاپ اول» عنوان اثری از محمد ولی‌زاده و مجید اجرایی است که نشر نیم‌نگاه در دست چاپ دارد. همین ناشر کتاب «یا برای زندگی اسمی انتخاب کنیم» از م. روان شید را در دست انتشار دارد.

ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن

«ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن»ت وهشی از محمد حسینی است که به‌صورت کتابی از سوی نشر ققنوس منتشر خواهد شد.

اندوه شهرزاد

«اندوه شهرزاد» عنوان کتابی در زمینه آموزش داستان‌نویسی به قلم شهریار مندنی‌پ‌ور است که نشر ققنوس زیر چاپ دارد.

ترجمه قرآن

«قرآن مجید: متن عربی با ترجمه فارسی» از دکتر علی‌اصغر حلبی در قطع رحلی و با جلد گالینگور توسط نشر اساطیر به زیر چاپ رفت.

رودین

«رودین» اثر ایوان تورگنیف با ترجمه آلک قازاریان از سوی نشر اساطیر در مرحله چاپ سوم است.

ساعت‌ها

«ساعت ۴» عنوان اثری از مایکل کانینگهام که براساس زندگی ویرجینیا وولف نویسنده ایتالیایی نوشته شده و براساس آن فیلمی سینمایی ساخته شده و به شهرت بسیار رسیده با ترجمه مهدی غبرایی از سوی نشر کاروان طی روزهای آینده به بازار می‌آید. این رمان برنده دو جایزه معتبر ت‌ولیتزر و فالکنر در سال ۱۹۹۹ شده بود.

نگاه کاشف گستاخ

مجموعه مقالات جواد مجابی با عنوان «نگاه کاشف گستاخ» از سوی نشر افق در دست انتشار است. از جواد مجابی اخیراً کتاب «کنار غیبت ایستاده‌ام» منتشر شده است.

لاله مفرغی

«لاله مفرغی» شامل ده افسانه مدرن از ده نویسنده صاحت سبک انگلیسی گردآوری آلیسون لوری و ژان مارک با برگردان افسانه محمدی از سوی نشر مس بزودی راهی بازار می‌شود.

اروس عزیز

«اروس عزیز» عنوان نمایشنامه‌ای از ترنس مک‌نلی است که با برگردان حسن ملکی از سوی نشر تجربه بزودی به بازار می‌آید.

بازگشت به برهوت

از نمایش‌های برگزیده جهان «بازگشت به برهوت» اثر برنار ماری کلنس با برگردان زیبا خادم حقیقت از سوی نشر تجربه با همکاری نشر افکار بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

یگانه

«یگانه» عنوان تازه‌ترین مجموعه شعر احمدرضا احمدی است که از سوی نشر همراه بزودی چاپ و نشر می‌شود. «بیسکویت نیم خورده» هم مجموعه داستانی از بفشه حجازی را همین ناشر در دست چاپ دارد.

زمان و حکایت

«زمان و حکایت» عنوان کتابی از ت‌ل ریکور با ترجمه مهشید نونهالی از سوی انتشارات گام نو بزودی چاپ و منتشر می‌شود.

متافیزیک

«متافیزیک و فلسفه زبان» با وینگنشتاین و علوم عقلی اسلامی عنوان اثری از دکتر حسین واله را انتشارات گام نو در دست چاپ دارد.

مولویت دیروز و امروز

«مولویت دیروز و امروز» تألیف فرانکلین لوئیس با ترجمه حسن لاهوتی از سوی نشر نامک بزودی چاپ و منتشر می‌شود. نویسنده این کتاب‌ت استاد دانشگاه آتلانتا از میان همه داستان‌هایی که درباره مولانا و شمس ت‌رداخته‌اند‌ت با نهایت دقت سعی کرده واقعیات را کشف کند و با معرفی سلطان‌العلما بهاءالدین‌ت برهان‌الدین محقق ترمذی و شمس تبریزی نشان دهد خاستگاه اصلی اندیشه‌های مولانا کجاست؟

تندارهای نمک سود

«ت‌ندارهای نمک سود» کتابی از نوشین بیات است که انتشارات نغمه زندگی بزودی آن را چاپ و منتشر می‌کند.

امیلی و تنه لوته

«امیلی و ت‌نه لوته» اثری از آلبرتو موراوا نویسنده ایتالیایی با ترجمه ت‌رویز شهدی بزودی از سوی نشر دشتستان منتشر خواهد شد.